# دالغا

اولین نشریه تخصصی موسیقی آذربایجان
شماره دوم . زمستان ۱۳۸۲
قیمت : ۴۰۰ تومان

بایرام میناز موبارک

ارکستر فیلارمونیک
جمهوری آذربایجان (خالق چالغی آلتلری)
به زلزله زدگان بم تقدیم کرد:
قطعهٔ
**نه عشق اولایدی ...**

- پایانی با شکوه
- قطره‌ای از دریای اوزیر و چهل سال خلاقیت هنری‌اش
- عاشیق ادبیاتی و عاشیق صنعتی
- صفی الدین اورموی (نابغه موسیقی شرق که برای نخستین بار نغمه های موسیقی را به شکل نوعی نت در آورد .)
- استاد مهلت مسلم اف: " تار آذربایجان سلطان بلامنازع سازهای موسیقی جهان است. "
- عزیزه مصطفی‌زاده هنرمند آذربایجانی که بر بام موسیقی جاز دنیا می درخشد.
- اپرای کوراوغلو

# DALĞA

**Birinci İxtisaslaşmış Azərbaycan Musiqi Jurnalı**

**İran Elm-ü Sənət Universiteti**

**Baş Redaktor:** Muğanlı *Əliriza Qəffari*

**Redaksiya Hey`əti:**
*Duman Urmulu, Əmin Şeyxulislamı, Vəhid Behcət, Niyarlı Yaşar Əzimzadə, Muğanlı Məryəm Cəbbari, Kivili Əkrəm Nəccari*

**Bədi`i Məsləhətçi :** *Məs`ud Fiyuzat*
**Qabiq Tərrahı:** *Laçın İsmaili*
**Editçi:** *Duman Urmulu*

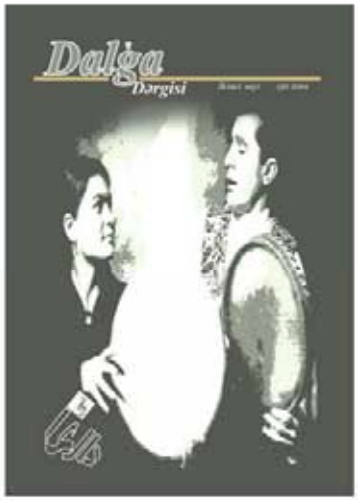
*Kivili Səid Nəccari, Kivili Vəhid Nəccari, Zöhrə Məzlumi, Hüseyn Əbülfəthi, Solmaz Mehdinijad, Kamal Abbaspur* **və dəyərli** *Nəvid-e Azərbaycan, Avay-e Ərdəbil, Peyam-e Azərbaycan, Işıq* **və ... jurnallarına habelə bütün əməkdaşliq edən dostlara sağol deyirik.**

**Dalğa ilə ilgi:**

**Tel:**
009809122160366 Baş Redaktor
009809122017281 Urmulu

**Ünvan:**
İran-Tehran-Narmək-İran Elm-ü Sənət Universiteti-Post Qutusu: 16845-183 Dalğa Jurnalı

**Email : Dalga_music@yahoo.com**


## İçindəkilər


| | |
|---|---|
| **Baş Söz** | **2** |
| **Azərbaycan Musiqisi** | **3** |
| **Aşıq Ədəbiyatı və Aşıq Sənətı** | **8** |
| **Dənizdən Bir Damcı** | **11** |
| **Balaban Uzayda** | **21** |
| **Görkəmli Qurtuluş** | **23** |
| **Möhlət Müslümov ilə Danışıq** | **28** |
| **"*Sarı Gəlın*", Günəşin Əhriman Əlindən Azad Olma Mərasimi** | **33** |
| **Səfiyəddin Urməvi** | **35** |
| **Koroğlu Operası və Realism** | **37** |
| **Əzizə Mustafazadə və Caz Musiqisi Azərbaycanda** | **43** |
| **Musiqidə İsponsorçuluq** | **45** |
| **Xəbərlər** | **47** |
| **Məktublara Cavab** | **49** |
| **Mahnı Not ilə Yanaşı(Sənə də Qalmaz)** | **50** |


**Qabığın Üzərində:** *Üzeyir Hacıbəyov*
**Qabığın Arxasında:** *Alım Qasımov* və qızı *Furqanə Qasımova*

# دالغا

## اولین نشریه تخصصی موسیقی آذربایجان (فصلنامه)
## شماره دوم

## دانشگاه علم وصنعت ایران

***صاحب امتیاز و مدیر مسئول:*** علیرضا غفاری صلوات

***دست اندرکاران :***
حامد کوهنورد، امین شیخ الاسلامی، وحید بهجت، یاشار عظیم زاده نیاری، مریم جباری القناب، اکرم نجاری کیوی زهره مظلومی

***مشاور هنری :*** مسعود فیوضات

***طراح جلد :*** لاچین اسماعیلی

***ویراستار :*** حامد کوهنورد

***با تشکر از:*** سعید نجاری کیوی، وحید نجاری کیوی،حسین ابوالفتحی، سولماز مهدی‌نژاد، کمال عباسپور، ***هچنین نشریات وزین*** نوید آذربایجان، آوای اردبیل، پیام آذربایجان، ایشیق و ...
***و سایر دوستانی که به هر نحو با نشریه همکاری کرده‌اند.***


## ارتباط با دالغا:

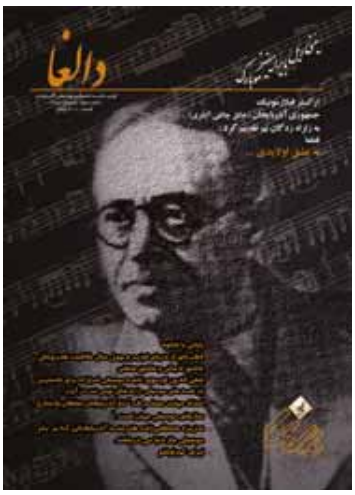

*تلفنهای تماس :*

۰۹۱۲۲۱۶۰۳۶۶ (مدیر مسئول)

۰۹۱۲۲۰۱۷۲۸۱ (کوهنورد)

***آدرس پستی:*** تهران- نارمک- دانشگاه علم و صنعت ایران- صندوق پستی :۱۸۳- ۱۶۸۴۵ ، نشریه دالغا .

***آدرس الکترونیکی:***
**Email : Dalga_music@yahoo.com**


## ایچیندکیلر


| | |
|---|---|
| باش سؤز | ۲ |
| موسیقی آذربایجان | ۳ |
| عاشیق ادبیاتی و عاشیق صنعتی | ۸ |
| قطره‌ای از دریا | ۱۱ |
| بالابان در فضا | ۲۱ |
| پایانی باشکوه | ۲۳ |
| مصاحبه با مهلت مسلم‌اف | ۲۸ |
| «ساری گلین»،گونشین اهریمن الیندن آزاد اولما مراسیمی | ۳۳ |
| صفی‌الدین اورموی | ۳۵ |
| رئالیسم و اپرای کوراوغلو | ۳۷ |
| موسیقی جاز در آذربایجان و عزیزه مصطفی‌زاده | ۴۳ |
| ابزار اسپونسرگری پشتوانه مهم توسعه فعالیتهای‌موسیقائی | ۴۵ |
| خبرلر | ۴۷ |
| مکتوبلارا جاواب | ۴۹ |
| ماهنی نوت‌ایله یاناشی (سنه ده قالماز) | ۵۰ |


دانیشگاهین درگیلره عایید اولان محدودیتلرینه گؤره(اؤیرنجی اولمایان امکداشلار اوچون)دالغانین سیجیللی صفحه‌سی، گؤردوگونوز شکیلده حاضیرلانیب.

عکس روی جلد: *اوزئیر حاجی‌بیگ‌اف*

عکس پشت جلد: *عالم قاسیموف* ودخترش *فرقانه قاسیم اوا*

# باشی سئحق

## «اینی وئر الیمه، یورا بیلمز یولار بیزی»

مطمئنا موسیقی برای هر کسی از آهنگساز آن گرفته تا خواننده و نوازنده آن و شنوندگانی که از قشرهای مختلف جامعه هستند تعاریف، برداشتها و تعابیر مخصوصی دارد.عده‌ای به دید یک هنر به آن می‌نگرند، عده‌ای به عنوان ابزاری برای ابراز احساسات، عده‌ای برای سرگرمی و تفریح و عده‌ای برای کسب درآمد مشغول آنند و عده‌ای هم برای رفع خستگی و گریز از گرفتاریهای روزمره به آن پناه میبرند. هم سیاستمدار می تواند از آن برای ابراز و تحقق خواسته‌ها و اهدافش استفاده کند، هم یک شخص ادیب و فرهنگی برای معرفی فرهنگ و ملتش، و هم یک دلباخته به عنوان مرهمی و شاید التماس و ارتباطش با معشوق، و تعابیر و کاربردهای اینچنینی دیگر. همه این مسائل و تعاریف میتوانند از موسیقی استنتاج و برداشت شوند و اینهمه توانایی و ظرفیت بالای این هنر را میرساند. ولی اینهمه باز از تعریف کامل و بیان ماهیت واقعی آن عاجزند. برآورد آتی بشر و افقهای آینده، حاکی از آن هستند که موسیقی ملل میتواند به عنوان عامل بسیار موثری برای برقراری صلح و محبت و نماد انسان دوستی درآید. البته در همه زمینه‌ها و ابعاد زندگی بشر، متخصصان به تاثیر مثبت موسیقی باور دارند مثلا یافته‌های پزشکی استفاده موثر از موسیقی را در درمان واقعی بسیاری از بیماریهای روانی و جسمانی صعب‌العلاج در آینده نوید میدهد و ...، خلاصه آنچه از تحقیقات برمی‌آید در آینده نزدیک، موسیقی به‌عنوان محور مشترک، میتواند چاره ساز موثری در برقراری روابط عاطفی و دوستی بین ملل و انسانها، همچنین تغذیه روحی مفیدی برای بشر در زندگی گیج کننده ماشینی باشد. البته غرض اصلی در این مقوله بیان فواید و تاثیرات مثبت موسیقی نبوده، بلکه بیشتر تاکید بر آفتهایی است که موسیقی را از مسیر سازنده و واقعی خود خارج میسازد و همچنین بیان وظایف و دغدغه‌های فرا روی یک نشریه‌ای است(البته در صورت داشتن نیتی صادقانه، اهدافی واقعا موسیقایی و همچنین سازماندهی مناسب) که میتواند در قبال این آفتها داشته باشد.

تعابیر و برداشتهایی که در اول مقوله ذکر شد بیشتر برای این خاطر بود که عنوان شود هر کدام از آنها در صورتیکه بخواهند به مصادره موسیقی بنام خود کنند به یک آفت برای آن تبدیل خواهند شد. فرد یا گروهی که به موسیقی واقعا و فقط به دید موسیقی نمی‌نگرد به هیچ عنوان شایستگی مسئولیت و مدیریت این هنر مقدس را نداشته و هرگز توانایی هدایت آن را در مسیر واقعی خود نخواهد داشت. و اتفاقا یکی از بزرگترین رسالت یک نشریه(با لقب تخصص موسیقایی) هم لااقل انتشار و اعلام این انحرافات، آفتها و درحقیقت خیانتها به هنر موسیقی و همچنین ارائه راهکارها میباشد.

موارد بالا در مورد موسیقی آذربایجان در کشورمان که متاسفانه یک ارگان علمی رسمی نظیر دانشگاه، مکتب و یا هنرستان مختص به آن وجود ندارد مصداق بیشتری می یابد. بدون تردید موسیقی آذربایجان در حال حاضر یکی از غنی‌ترین فرهنگهای موسیقایی در دنیا بوده و برای پیشرفت علمی نیازی به وام گرفتن از هیچ احدی در کشورمان ندارد، ولی مساله و مشکلی که هست گسترش علمی، معرفی واقعی و ارائه صحیح آن می‌باشد که در صورت قصور و یا اعمال اغراض ناشایست شخصی، غنای علمی و جایگاه جهانی آن نیز تحت تاثیر قرار گرفته و به تبع آن، نه تنها ملت آذربایجان بلکه کشور ایران نیز از بهره‌مند و مفتخر شدن به یک فرهنگ برتر هنری محروم خواهند شد.

***راستی وقتی که جمهوری آذربایجان با چنین فرهنگ موسیقایی در دنیا مانور می‌دهد چرا کشور ایران با جمعیت آذربایجانی چند برابر، نتواند از افتخارات و مزایای بحق و غرورآفرین این فرهنگ در عرصه بین‌المللی و داخلی بهره‌مند باشد. درست است که مشکلات آموزشی وترویجی نظیر عدم وجود مکاتب رسمی وجود دارد ولی این مساله شاید با قصور ما آذربایجانیهای ایران در ارائه واقعی این فرهنگ نیز بی ارتباط نباشد.***

ماهم شاید فقط به دنبال سوء استفاده از موسیقی‌مان بوده و فقط به چشم یک منبع درآمد به آن نگاه کرده و یا از آن در برنامه‌هایمان به عنوان ملاتی برای تنوع بخشیدن به سایر قسمتها استفاده کرده‌ایم و یا آنرا برای اعمال مدیریت خود آلت دست قرار داده‌ایم و...، شاید خیلی کم مانند یک هنر با آن برخورد و رفتار کرده‌ایم.

به هر حال سعی ما در دالغا بر این خواهد بود که به عنوان یک جریان فکری مستقل و کاملا هنری و موسیقایی، واقعیتهای موسیقی آذربایجان را شناسانده، رویدادها، آفتها و مشکلات آنرا به خصوص در کشورمان انعکاس داده و از انتقادات، نظرات، کمکها و راهنماییهای صادقانه تمام پیشروان و بزرگان این راه نهایت استفاده را برده باشیم و عهد بسته‌ایم برای تحقق این امر در مقابل تمامی موانع و سختیها ایستادگی کنیم، برای این مهم نیازمند یاری و همفکری تمامی دوستداران فرهنگ و هنر (که حتما و فقط با افکار و ایده‌های موسیقایی به ما خواهند پیوست) هستیم.

مدیر مسئول
agafari_mugan@yahoo.com

# موسیقی آذربایجان

**(بخش دوم)**

موسیقی آذربایجان درگذر اعصار رشد و صیقل یافته و مسیر تکامل خاص خود را پیموده و به عالی ترین درجه رسیده است. شوستا کوویچ، آهنگساز بزرگ و معاصر روس، از مکتب آهنگسازی جمهوری آذربایجان بعنوان مکتب عالی موسیقی آذربایجان نام برده است. موسیقی آذربایجان مختص قفقاز، ایران و آسیای میانه نبوده است بلکه در خاورمیانه و خاور نزدیک به طور وسیعی انتشار یافته است. موسیقی آذربایجانی به گونه های ملی، شفاهی و عاشیقی قابل تقسیم‌بندی است و در این میان هنر عاشیقی دارای ویژگیهای ملی و شفاهی است.

هنر موسیقی عاشیقی از نظر مضمون: قهرمانی، رزمی، موضوعات تغزلی و کلاسیک و ... و داشتن خصوصیات سنتی از یک طرف آفرینش حرفه ای را تشکیل می دهد ولی از نظر ساختار یک هنر فولکلوریک است. موسیقی آذربایجانی به سه دسته زیر تقسیم می شود :

**۱. موسیقی ملی ( ترانه ها و آهنگهای رقص )**

**۲. ملی ــ حرفه ای ( همان عاشیقی )**

**۳. شفاهی حرفه ای (دستگاههای موغامی اصلی، موغامهای دارای فرم کوچکتر، موغامهای ضربی)**

یکی از مهمترین راههای حفظ و اشاعه موغامها و نیز تمامی آثار فولکلوریک، نغمه نگاری آنها است.

**موغام:** موغام موسیقی کهن ملی آذربایجان به علت علاقه خاص این ملت به آن و زیبایی عمیقش و همچنین پیوند آن با ادبیات و شعر عاشیقی، تکامل زیادی یافته است. رامیز زهرابوف آن را به سه دسته زیر تقسیم می کند:

**۱. دستگاههای موغامی، ۲.موغامهای دارای فرم کوچکتر، ۳.موغامهای ضربی**

در چگونگی و کیفیت موغام نوازنده‌ها و خواننده‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند و اجرای عالی دستگاههای موغامی به دانش عمیق، توانایی درک، رعایت اصول تناسب، زیبایی شناسی(**Esthetiorue**) و تجربه و مهارت زیاد نیاز دارد و برای نیل به این هدف نوازنده باید از آموزشهای طولانی مدت(۱۰ – ۵) سال فقط در زمینه نوازندگی بهره‌مند گردد.

موغام در منابع علمی: موغامهای آذربایجانی، هنر شعری-موسیقایی، که دارای تاریخی کهن می باشند و به طور وسیع در شرق گسترش یافته است و به دلیل زیبایی خاص خود، نظر محققین را در تمامی اعصار به خود جلب کرده است. تاریخ آموزش موغام، در آذربایجان شامل دو دوره قدیم و جدید است. در دوره قدیم رساله‌ها و منظومه‌های بسیاری در این باب به چشم می‌خورد که به زبانهای عربی و ترکی و فارسی نوشته شده‌اند که بیشتر آنها در قرنهای هشتم و نهم شمسی به رشته تحریر درآمده اند، که بحث آنها بیشتر برروی ریتم و لاد(واژه‌ای روسی به معنای مقام یا **Mode** است ولی برای اینکه با موغام آذربایجانی اشتباه نشود با همان نام به کار رفته است) است.

یکی از نظریه پردازان بزرگ ایران به نام صفی‌الدین اورموی، نظریه پرداز مشهور آذربایجانی بود که بوجود آورنده سیستم جدی لادها (مقامهای) شرق به شمار می رود.علم موسیقی با رساله‌های کوکبی، درویش‌علی بخارایی و میرزابیک آذربایجانی غنی‌تر میشود و همه اینها نشان دهنده این است که موسیقی ایران و بخصوص موسیقی آذربایجانی از دیرباز مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما متاسفانه این تحقیقات در اوج خود ناکام ماندند. حتی حکیم ابونصر فارابی در آثار گرانبهایش به موضوع موغام اشاره کرده است. لازم به یادآوری است که موسیقی آذربایجانی حمله مغولها نه تنها از بین نرفت، بلکه در همین زمان موسیقیدانان برجسته‌ای از جمله صفی‌الدین اورموی (۱۲۹٤ – ۱۲۳۰ میلادی) معرف موسیقی آذربایجانی در تمام دنیا شده‌اند. اورموی برای نخستین بار "۱۲ موغام" را به طور سیستماتیک درآورد و آن را به آوازها و بخش ها ــ شعبه ها، تقسیم نمود. همچنین او در آثار علمی خود ضمن شرح مسائل فیزیکی، آکوستیکی، قدرت تاثیر گذاری، ملودی، ریتم و وزن موسیقی، قوانین موغامها، توالی اصوات آنها و فونکسیون

درجات را نیز توضیح داده است. از دیگر نظریه پردازان ایرانی ـ آذربایجانی ، عبدالقادر مراغه‌ای (۱٤۳٤–۱۳۵۳میلادی) است که در اروپا برای نخستین بار دانشمند آلمانی گیزه وتر Gizze Wetter (۱۸۵۰–۱۷۷۳) از عبدالقادر به عنوان نظریه پرداز موسیقی نام برده است. در نخستین پژوهشهای مراغه ای به موغام به طور آشکارا برمی‌خوریم.

ثریا آقایوا محقق آثار مراغه‌ای می نویسد: " ... در پژوهشهای مراغه‌ای برای نخستین بار مفهوم مقام(لاد) و نظریه مربوط به آن نیز توضیح داده می شود". در قرنهای شانزده و هفده از رسالات نجم الدین کوکبی، درویش علی میرزابیک آذربایجانی می‌توان اطلاعات جالبی در رابطه با موغامها بدست آورد.

کوکبی ۱۲ موغام را به ۲٤ شعبه اصلی ، ٦ آواز و سه رنگ جدا شده از ۱۲ موغام اصلی تقسیم می‌کند :

عشاق، نوا، بوسیلک، راست، اصفهان، زیرافکند (که کوچک نیز نامیده می شود)، بزرگ، زنگوله، نهاوند، رهاوی، حسینی، عراق و قسمتها و انواع آن.

میرزا بیک علاوه به موارد بالا نام چند آواز دیگر از جمله بدل و حصارک و حصرک را نیز ذکر می کند. چنانکه از مقالات میر محسن نواب(۱۹۱۸ – ۱۸۳۳) برمی‌آید، در اواخر قرن ۱۹ بر تعداد آوازها در آذربایجان افزوده شده بود و از ٦ به ۱۵ رسیده بود.

میرمحسن نواب شعبه ها و گوشه‌های ٦ دستگاه را چنین برمی‌شمرد: راست، ماهور، شهناز، رهاوی (رهاب)، چهارگاه و نوا.شعبات و گوشه های این دستگاهها چنین است:

**دستگاه راست:** راست، پنجگاه، ولایتی منصوریه، زمین‌خارا، راک هندی، آذربایجان، عراق، بیات ترک، بیات قاجار، ماوراالنهر، بال کبوتر، حجاز، شهناز، زنگ شتر، کرکوکی، راست.

**دستگاه ماهور:** ماهور، شور، عشیران، دلکش، دوگاه، زنگ شتر، حجاز، ماوراالنهر، شهناز، حاجیوئی، سارنج، شوشتر، مثنوی، سوز وگداز، ماهور.

**دستگاه شهناز:** درآمد شهناز، عاشق دشتی، سلمک، مویه، لیلی و مجنون، ابوالچپ، شاه‌ختایی، آذربایجان، وامق، مجاز.

**دستگاه رهاوی:** رهاب، همایون، ترکیب، غزال، بیات ترک، بیات قاجار، زمین خارا، ماوراءالنهر، بال کبوتر، مجاز، بغدادی، شهناز، آذربایجان، مراج، عشیران، زنگ‌شتر، عثمانی، بیات کرد، بیات شیراز، حاجیونی، سارنج، شوشتر، مثنوی، ثقیل، سوز وگداز.

**دستگاه چهارگاه:** چهارگاه، سه‌گاه، زابل، یدّی‌حصار، مخالف، مغلوب، منصوریه، زمین‌خارا، ماوراالنهر، مجاز، شهناز آذربایجان، عشیران، زنگ شتر، کرکوکی.

**دستگاه نوا:** نوا، نیشابور، درآمدشهناز، سیلک، حسینی، مسیحی، شهناز، حاجیونی، بیات‌کرد، آذربایجان، عشیران، زنگ شتر، کرکوکی، شاه‌ختایی، افشاری(اوشاری)، شکستهٔ عشیران.

اما این تقسیم‌بندی تاحدودی ناقص است، مثلا به دستگاه مهم شور اشاره‌ای نشده است. در موسیقی آذربایجانی بیشتر از سه‌گاه و شور استفاده می‌شود اما راست، شوشتر، چهارگاه و بیات شیراز نیز کم کاربرد ندارند و در این میان همایون از همه کمتر به کار می‌رود.

هفت لاد اصل موسیقی آذربایجان به نقل از کتاب دو اصول موسیقی ملی آذربایجان به قرار زیر است:




موغام در منابع ادبی معتبری از قبیل قابوسنامه و خصوصا خمسه نظامی و... بسیار نام برده شده‌اند که نشانگر قدمت و اهمیت تاریخی موغامهای آذربایجان است.

## نغمه نگاری ( Notation ) موغامها

نغمه نگاری یعنی به نت درآوردن آثار. این راه نه تنها باعث حفظ آثار می‌باشد، بلکه نیروی عظیم تحقیق و بررسی را به خود جلب می‌نماید و موجبات باززایی آثار را نیز فراهم می‌آورد. البته در قرنهای ۸–۱۰ نیز این شیوه وجود داشته است و در زمان فارابی و مراغه‌ای نیز نغمه‌نگاری به شیوهٔ خاصی صورت می‌گرفته است، اما در قرن ۲۰ شیوهٔ نغمه نگاری به سبک اروپایی جایگزین شد. در عصر حاضر نخستین بار حاجی‌بیگ‌اف نمونه‌های موسیقی شفاهی ـــ حرفه‌ای آذربایجانی را به نت درآورد.

## دستگاههای موغامی

دستگاههای موغامی نقطهٔ اوج موسیقی فولکلوریک آذربایجانی هستند[1] با استناد به اشعار نظامی معلوم می‌گردد که موغام به شکل دستگاه در آن زمان به کار برده می‌شده است و می‌توان به این نتیجه رسید که دستگاههای موغامی فرم مکمل‌شده وکلاسیک موسیقی شفاهی حرفه‌ای‌اند. این ظرایف یادگارهایی تاریخی ـــ فرهنگی به‌شمار می‌روند.

دستگاههای موغامی[2] آذربایجان عبارتند از : راست، شور، سه‌گاه، چهارگاه، بیات‌شیراز، شوشتر، همایون، ماهورهندی، بیات قاجار، ماهور میانی، سه‌گاه میرزاحسین، سه‌گاه زابل و سه‌گاه خارج.

## راست

این موغام را می‌توان در تمامی سرزمین مسلمانان دید و در موسیقی قرون وسطی، اولین موغام و اساس سایر موغامها به حساب می رود. راست در موسیقی شفاهی ـــ حرفه‌ای ملل خاور نزدیک یکی از ۱۲ موغام اصلی است و از دیرباز تاکنون ماهیت اولیهٔ خود را حفظ کرده‌است. مایه (تونیک) از صدای سل SOL اکتاو کوچک شروع می‌شود.ترکیب موغام راست در سه مکتب موغام (باکو، شوشا، شماخی)[3] (جدول فوق)

| باکو (آبشورن) | | شوشا (قاراباغ) | | شماخی (شیروان) | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱. مایه | ۱۰. | ۱. راست | ۱۰. بیات | ۱. راست | ۱۰. شکسته | ۱۹. |
| راست | پنجگاه | ۲. پنجگاه | قاجار | ۲. عشاق | فارسی | معنوی |
| ۲. نوروز | ۱۱. راک | ۳. ولایتی | ۱۱. ماوراء | ۳. مجری | ۱۱. راک هندی | ۲۰. کابلی |
| رونده | ۱۲. فاوران | ۴. منصوریه | النهر | ۴. حسینی | ۱۲. راک | ۲۱. |
| ۳. راست | ۱۳. امیری | ۵. زمین خارا | ۱۲. بال کبوتر | ۵. ولایتی | خسروانی | راست |
| ۴. عشاق | ۱۴. | ۶. راک | ۱۳. حجاز | ۶. سیاه | ۱۳. ساقی‌نامه | |
| ۵. حسینی | مسیحی | هندی | ۱۴. شهناز | شکر | ۱۴. عراق | |
| ۶. ولایتی | ۱۵. راست | ۷. آذربایجان | ۱۵. عشیران | ۷. مسیحی | ۱۵. تصنیف قرایی | |
| ۷. خجسته | | ۸. عراق | ۱۶. زنگ شتر | ۸. دهری | ۱۶. مثنوی | |
| ۸. ماوران | | ۹. بیات ترک | ۱۷. کرکوکی | ۹. خجسته | ۱۷. زنگ شتر | |
| ۹. عراق | | | ۱۸. راست | | ۱۸. نغمهٔهندی | |

موغامهای هم‌خانواده راست:

۱. دستگاه ماهور هندی

۲. دستگاه ماهور میانی

۳. دستگاه بیات قاجار

٤. دستگاه دوگاه

**۱. دستگاه ماهور هندی:** ماهور در فارسی معنای پرتگاه و درّه می‌دهد. ماهور از دستگاههای قدیمی ایران با قدمت شاید ۳۰۰۰ سال است و در تاریخ آمده است که با قبیلهٔ ماهوریای هند مربوط است. شعبه‌ها و گوشه‌های این دستگاه در طول تاریخ فرقهای زیادی نموده است و امروزه دارای۸ شعبه و گوشه است : برداشت، مایهٔ ماهور، عشاق، حسینی، ولایتی، شکستهٔفارس، عراق و قرایی.

ماهور جدای از موسیقی آذربایجانی در موسیقی کلاسیک فارسی نیز تشکل وسیعی دارد و یکی از هفت دستگاه اصلی موسیقی فارسی است که درجات و مایه (تونیک) دستگاه منطبق با گام دو ماژور **Domajor** در موسیقی کلاسیک اروپا است، ماهور در ترکیب واریانت آوازی ۲۰ گوشه دارد و در واریانت سازی شامل ۵۸ گوشه است.

**۲. ماهور میانی:** دلیل اینکه به آن ماهور میانی می‌گویند این است که این دستگاه در منطقه میانی گستره صوتی تار خواننده اجرا می‌شود. تونیک(درجه میانی که گام از آن شروع می شود) ماهور میانی **Fa** است، یعنی از ماهور هندی که تونیک‌اش **Do** است چهار درجه بالاتر میباشد.

شعبه‌ها: برداشت، مایه ماهور، عشاق، حسینی، ولایتی، شکسته فارس، مبرقع و عشیران.

فونکسیون گذر در این دستگاه "شکسته فارس" است که این شعبه(شکسته فارس) نوعی رابط است.

---

[1] در کتاب موغام پروفسور رامیز زوهراب اف هم دستگاههای موغامی به موسیقی فولکلور منسوب گردیده است اما طبق تقسیم بندی علمی ، موسیقی موغام به دلیل آفریده شدن توسط هنرمندان حرفه ای موسیقی که آنرا در قالب سنت و بصورت شفاهی انتقال داده‌اند ، ژانر موسیقی فولکلوریک محسوب نمی شود. موسیقی فولکلوریک توسط مردم عادی که موسیقیدان نیستند به وجود می آید مانند خالق ماهنیلاری . به همین جهت هم تعریف موسیقی موغام در شکل علمی چنین است: موسیقی حرفه ای مبتنی بر سنتهای شفاهی.دالغا

[2] دستگاه یا لاد(مقام)و نیز واژه موغام متفاوت است لذا در موسیقی موغام آذربایجان ۷ لاد اصلی که فوقا توضیح داده شد و ۱۳ دستگاه(سوئیت چند قسمتی) موغامی که زیرمجموعه لادها هستند و نیز موغام ها به معنای آثار سازی و آوازی یک قسمتی موجود می باشد.برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب موغام پروفسور ر.زوهراب اف بخش مربوط به تفاوت واژه های لاد(مقام)،دستگاه و موغام مراجعه گردد.دالغا

[3] :این جدول از کتاب "واژه نامه موسیقی" اثر افراسیاب بدل بیگلی آورده شده است. ترکیبات ارائه شده موغام ها در مکتب آواز سه ناحیه یاد شده در آذربایجان شمالی مربوط به قرن ۱۹ می باشد. ترکیب کنونی موغام راست که بر اساس برنامه تنظیمی تدریس گردیده یا از از رادیو و تلوزیون پخش می گردد شامل ۱۳ شعبه و گوشه زیر است.۱-برداشت ۲-مایه ۳-عشاق ٤-حسینی ۵-ولایتی ٦-دلکش ۷-کردی ۸-شکسته فارس ۹-عراق ۱۰-پنجگاه ۱۱-کیچیک راک ۱۲-قرائی ۱۳-آیاق). دالغا

**۳. بیات قاجار:**[۱] از دیگر دستگاههای هم‌خانواده موغام راست، بیات قاجار است، لاد این موغام با راست یکی است با این تفاوت که بیات قاجار در مایه سی بمل **Sib** می باشد. حس این دستگاه حسی غمگین است. این دستگاه درحال حاضر شامل ۱۰ شعبه و گوشه است:

برداشت ،مایه بیات قاجار ،حسینی، شکسته فارس، بیات قاجار، زیرزمین خارا،دوگاه،ماوراءالنهر،شاه ختائی ،آیاق بایات قاجار.

**٤. دوگاه:** این دستگاه هم خانواده راست است و با مایه سی بمل **Sib** آغاز می شود. ۹ شعبه و گوشه دوگاه عبارتند از: دوگاه، روح‌الارواح، زمین خارا، ماوراالنهر، حجاز ، گبری، شاه ختایی، سارنج و دوگاه.

## شور

در هیچ یک از موسیقی های شفاهی ـــ حرفه‌ای آسیای میانه ، عرب و ترک ، به این موغام بر نمی‌خوریم و این دستگاه حجیم‌ترین و پیچیده‌ترین دستگاه در موسیقی ایرانی و آذربایجانی است. این دستگاه حجیم‌ترین و پیچیده‌ترین دستگاه در موسیقی ایرانی و آذربایجانی است.

در حال حاضر شعبه ها و گوشه‌های یازده گانه این دستگاه عبارتند از: برداشت ،مایه شور، شور شهناز، بیات ترک (بیات قاجار و دوگاه)، شکسته فارس، عشیران، سمائی شمس، حجاز، سارنج، نشیب و فراز(بعضا شورانگیز)و آیاق.

## سه‌گاه

سه‌گاه یکی از موغامهای بسیار رایج موسیقی آذربایجانی است و روح‌الله خالقی ـــ موسیقیدان برجسته ایران ـــ نیز در کتاب نظری به موسیقی خود این امر را گوشزد کرده است. سه‌گاه در موسیقی آذربایجانی ـ به دلیل علاقه زیاد خوانندگان و نوازندگان ـ در کوکهای متنوعی اجرا می شود. پرفسور م. ص. اسماعیل‌اف سه‌گاه را به ۵ تنالیته تقسیم می‌کند.

۱. مایه سی **Si** در اکتاو کوچک (سه‌گاه خارج)

۲. مایه می **Mi** در اکتاو اول (سه‌گاه میانی) و مایه می در اکتاو کوچک (سه‌گاه زابل)

۳. مایه لا **La** در اکتاو اول (سه‌گاه میرزاحسین)

٤. مایه ر **Re** در اکتاو اول (سه‌گاه یالخین)

۵. مایه سل **Sol** در اکتاو اول (سه گاه هاشم).

## سه گاه زابل

قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نوع سه‌گاه "سه‌گاه زابل" است که سه‌گاه میانی نیز نامیده می شود و تونیک آن می **Mi** است.

گوشه‌ها و شعبه‌های کنونی: برداشت ،مایه زابل، مانند مخالف(در مایه)، سه‌گاه، زابل زیر، مانندحصار (در زیر)، مانند مخالف(در زیر)، آیاق سه‌گاه.

## چهارگاه

ساختمان این دستگاه بسیار کامل است و جالب توجه این که چهارگاه دارای دو محسوس است یعنی گام در حالت بالا رونده از محسوس به هنگام سه ربع پرده است و هنگام برگشت از روتینک به تونیک، یعنی هم یک گام بالا رونده است و هم یک گام پایین رونده! تونیک چهارگاه نت دو **Do** است. گوشه‌ها و شعبه‌های کنونی: برداشت ، مایه چهارگاه، بسته‌نگار، حصار، موالف، غره، مخالف، منصوریه، عزال، آیاق چهارگاه.

## شوشتر

این موغام که از موغامهای اصلی آذربایجانی است در شنونده احساس غم و اندوه ایجاد می کند. بسیاری از ترانه‌ها و رقص‌ها ، رنگ ها و تصنیف‌های آذربایجانی مربوط به این موغام است.

شعبه‌ها و گوشه‌های شوشتر در اواخر قرن ۱۹ چنین بوده است : امیری، شوشتر، شوشترک، شوشتر، سارنج، مثنوی، معنوی، افشاری، حیدری، عثمان، گرایلی، قاراکرد، مانی وکشیش اوغلو.

در حال حاضر این ترکیب عبارت است از: برداشت (امیری)، شوشتر ، فیلی ، ترکیب و آیاق شوشتر.

## بیات شیراز

حاجی بیگ‌اف موسیقیدان آذربایجانی درباره این موغام می نویسد: "از نظر تاثیر هنری و روانی ... بیات شیراز در شنونده احساس غم بوجود می آورد". اما امروزه به عقیده ک. احمداف و نوازندگان برجسته تار و موسیقیدانان "بیات شیراز" به عنوان یک موغام غم انگیز نمی باشد. اجرای امروز این موغام، ساختار متنوع و رنگارنگ ملودی، مخصوصا حالتهای رنگارنگ "برداشت" و "مایه بیات شیراز" و اجرای با شکوه آنها، دوری آن را از غم و غصه نشان می دهد. گوشه‌ها و شعبه های کنونی: برداشت ، مایه بیات شیراز، نشیب و فراز ، بیات اصفهان ، بیات شیراز زیر ، خاوران ، عزال ، دلربا و آیاق بیات شیراز.

## همایون

همایون هفتمین دستگاه موغامی اصلی در موسیقی آذربایجانی است. همایون یکی از ۲٤ شعبه موسیقی ملل قدیم خاور نزدیک

---

[۱] نویسنده مطلب ترکیب جدول میرزا فرج تارزن را بعنوان قسمتهای ترکیبی این دستگاههای موغامی آورده بود که با توجه به اینکه ترکیب این موغام ها پس از دوران میرزا فرج بسیار تغییر یافته است لذا نشریه بجای آنها مبادرت به درج آخرین ترکیب شعبه ها و گوشه های آنها بر اساس برنامه های تصویبی توسط شورای اساتید موغام در زمان اوزیر حاجی بیگ اف و پس از او نموده است.)- دالغا

است. گوشه‌ها و شعبه های کنونی: برداشت ، همایون ، فیلی ،شوشتر ، ترکیب ، عزال ، کیچیک معنوی ، آیاق همایون.

## موغامهای کم حجم

موغامهایی هستند که نسبت به موغامهای دیگر حجم آنها (از نظر تعداد گوشه ها) کمتر باشد، معمولا در این موغامها سه تا پنج گوشه یا شعبه اجرا می شود، این موغامها نخست به صورت مستقل نبوده اند، بلکه قبلا شعبه ای از یک دستگاه موغامی دیگر بوده اند.

این موغامها عبارتند از:۱. قطار، ۲.رهاب،۳. شهناز،٤.بیات‌کرد، ٥. دشتی.

**قطار:** این موغام به دستگاه ماهور هندی نزدیک است چون که قطار قبلا از شعبه‌های ماهور هندی بوده است.

شعبه‌های قطار : ۱. قطار ، ۲. مایه قطار ، ۳. قطار

**رهاب:** از " رهاوی " یکی از ۱۲ موغام کلاسیک ملل خاور نزدیک نشأت گرفته است ، رهاب از خانواده شور است.

شعبه‌های رهاب:۱. برداشت ، ۲. شکسته فارس، ۳. عراق ، ٤. قرایی، ٥. مسیحی، ٦. آیاق رهاب.

**شهناز:** شهناز موغامی کم حجم ولی با طیف وسیع است و در خیلی از دستگاهها هم به صورت شعبه در آمده است.

شعبه های شهناز : ۱. شهناز، ۲. دلکش،۳. شهناز زیر(شد شهناز)

**بیات کرد:** از موغامهای کم حجم خانواده شور با مایه **Re** میباشد.

شعبه‌های بیات‌کرد:۱ـ بیات‌کرد، ۲ـ بیات عجم، ۳ـ "آیاق" بیات کرد(فرود)

**دشتی:** دشتی نیز از زیر مجموعه های شور است. این موغام در موسیقی آذربایجان خیلی مورد توجه قرار نگرفته است. گوشه ها و شعبه ها طبق واژه نامه موسیقی افراسیاب بدل بیگلی : دوبیتی، گیلی، گبری، بیات کرد، نهیب، قرایی، مثنوی نور و شاه ختایی.

امروزه دشتی در اجرا شامل سه‌شعبه است: مایه دشتی، جدائی و گبری.

## موغامهای ضربی

موغامهای ضربی از گونه بسیار رایج در موسیقی شفاهی ـــ حرفه‌ای آذربایجان هستند. موغامهای ضربی دارای ویژگیهای خاص خویش هستند. دستگاههای این موغامها مشخصاً آثاری آوازی ـ سازی چند قسمتی که بی شباهت به سوئیت نیست می باشند. ریتم و متد این موغامها با شعر آذربایجانی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

**۱. حیراتی:** یک موغام ضربی از خانواده راست می باشد و بر اساس مایه **Do** لادـ موغام راست استوار است. موغام ضربی حیراتی دارای بداهه پردازی مشتمل بر برگشتهای ملودی دستگاه موغامی ماهور هندی است و متر آن ۲/٤ است.

**۲. آرازباری:** این موغام ضربی از خانواده شور است و براساس یکی از ۷ لاد شور استوار است. متد آن ۳/٤ و تمپوی آن سنگین است. حالت شاعرانه‌ای دارد و گاهی نیز با گروه کر خوانده می شود.

**۳. منصوریه:** موغامی ضربی بر اساس کوک **Do** مقام ـــ لاد چهارگاه است. منصوریه مقامی با خصوصیات حماسی و قهرمانی است.

**٤. سمائی شمس:** این موغام بر اساس کوک شور استوار است، این موغام با اینکه موغام ضربی مستقلی به حساب می آید، شعبه اوج شور نیز به شمار می رود. به طور کلی اجرای سمایی شمس در شنونده ، خوشی و شوق می آفریند. از خصوصیات این موغام این است که بر خلاف موغامهای دیگر با یک تصنیف ملایم خاتمه می یابد.

**٥. مانی:** این موغام نیز مبتنی بر کوک و لاد شور است، موسیقیدانان ملی ـــ حرفه‌ای این موغام را "عثمانی" نیز مینامند. متر آن ۲/٤ و حالت ریتم مارش وار آن تا آخر موغام ادامه دارد.

**٦. اوشاری(افشاری):** بر اساس لادـ مقام شوشتر استوار است و متر آن ۲/٤ است. این موغام در موسیقی عاشیقی نیز به صورت یک آهنگ سنتی، مشهور است. ملودی این موغام منعکس کننده شکوه و عظمت است.

**۷. حیدری:** این موغام نیز بر مقام ـــ لاد شوشتر استوار است. همچنین متر آن ۲/٤ است. حجم حیدری نسبت به دیگر موغامهای ضربی کمتر است. در این موغام موسیقی سازی فعال تر است چونکه پایان آن بوسیله ساز انجام می شود نه با ساز ـــ آواز.

**۸. "قاراباغ شکسته‌سی" و "کسمه شکسته" :**

در موسیقی آذربایجانی این دو نوع شکسته جایگاه بالایی دارند. این دو شعبه در قرن ۱۹ به صورت موغام ضربی تغییر شکل یافتند.گونه شکسته نخستین بار در موسیقی عاشیقی شکل یافت. قاراباغ شکسته‌سی اصولا توسط مردان و کسمه‌شکسته توسط زنان اجرا میشود.

*منبع: اینترنت*

# "عاشیق ادبیاتی و عاشیق صنعتی"

میر هدایت حصاری

آذربایجان فولکلورو دونیانین ان غنی و دولغون و میثلی آز اولان شیفاهی خالق ادبیاتیندان بیری ساییلیر. بو فولکلورون ان اؤنملی قولوایسه عاشیق صنعتی و ادبیاتی‌دیر. عاشیق ادبیاتی، خالق ادبیاتی نین اوجو بوجاغی گؤرونمه‌ین بیر دنیزی و ظریفلیک و گؤزللیک‌ایله دولو، توکنمز بیر محبت قایناغی‌دیر. بو ادبیات آذربایجان خالقی‌نین موختلیف پروسه‌لری او جوملە‌دن خالقیمیزین تاریخی، عادت و عنعنه‌لری، موباریزه‌لری، قهرمانلیقلاری، عذاب و سئوینج‌لری و موفقیت و محرومیت و ایفتیخارلارینی اؤزونده عکس ائتدیریر. بو ادبیاتین مودریک و صمیمی ایفاچیلاری ایسه دونیا بویو شؤهرت تاپان و عاشیق آدی‌ایله خالق ایچینده محبوبیت قازانان خالق صنعتکارلاریدیر.



عاشیق، خالقین وفالی دوستو، صداقتلی اووجوسو(مداحی) و سئویملی نغمه کاریدیر. عاشیقلار همان "دده قورقود" دا دئییلن و اونلارین سلفلری اولان "اوزان" لارین یارارلی خلفلریدیرلر. اونلار خالق ایچیندن چیخدیقلارینا گؤره، کوتله‌لره هامیدان آرتیق یاخین و اونلارین خیدمتینده اولموشلار. عاشیق صنعتی اوبیری خالق موسیقی‌سی نوعلرینه نیسبت، خالقین آرزی و ایستکلرینی، سئوینج و هیجانلارینی داهادا آرتیق و قاباریق حالدا اؤزونده عکس ائتدیریر. عاشیق دئدیگین نئچه نئچه موهوم هونری اؤزونده جمع ائدن بیر صنعتکاردیر. اوبیر شاعیر، بسته‌کار و موسیقی خادیمی‌دیر کی موحوطونده اولان حادیثه‌لردن تأثیرلنه‌رک اونلارین باره‌سینده شعر قوشور، دئدیگی شعره آهنگ قویور و اونو ائل اوبا ایچینده گؤزل سسی و شیرین لحنی‌ایله اوخویوب یاییر. او ماهیر بیر سوخنور و ناغیلچی(نقال) کیمی مجلیسلرده و تویلاردا عاشیقانه داستانلاری اؤزونه مخصوص و ریتملی لحن ایله سؤیله‌ییر و دینله‌ییجی‌لرینی لذت دریاسیندا غرق ائدیب، رؤیالارا آپاریر. او اوستاد بیر چالغیچی و عین حالدا ماهیر اوخویان(موغنی)دیرکی داستانلاردا اولان ماهنیلار و شعرلرین هربیرینی اؤز هاواسی ایله هئچ اؤزوندن آییرمادیغی، جاندان شیرین ساخلادیغی سازی‌ایله چالیب اوخویور و بیر آکتور کیمی داستانلاری بیان ائدرکن موزون حرکتلری‌ایله قهرمانل۹ارین ژستلرینی توتور و بئله‌لیکله سؤزونون تأثیرینی داهادا آرتیریر. گاه دیکلمه ائدیر و گاهدا مجلیس اهلینی یورولموش گؤردوکده بیر شیرین لطیفه (قاراوللی) ایله اونلاری حالا گتیریب، دینله‌مه‌یه حاضیرلادیر.

عاشیق اؤز ایجتیماعی موقعیتینه گؤره خالقا خوصوصی ایله زحمتکش، ایشچی و کندلی طبقه‌سینه آرتیق یاخین اولوب، اونلارین دردلری ایله تانیشدیر و اونلارین یانیندا سؤزو کئچیر. عاشیق صنعتی خالقین اؤز یارادیجیلیغی دیر، خالق ایله یاشایير، اونلارلا گولور و اونلارلا آغلاییر، اونلارین غم و غوصه‌لرینی و ایستکلرینی اوزونده عکس ائتدیریر و اونلاری اویور.

کئچمیشده رادیو و تلویزیونون اولمادیغی زامان مجلیسلر و قهوه خانالار و تویلار عاشیقسیز کئچمزدی. فولکلورو موزون بو اؤزل قولو دونیادا میثیلسیز اولوب آنجاق تورک دیللی خالقلار آراسیندا گؤرونمکده‌دیر. تورکمنلر عاشیقلارینا "باخشی" دئییرلر و اونلارین سازلاری‌نین یالنیز ایکی سیمی وار(دوتاردیر) بیرحالداکی بیزیم سازیمیز(قوپوز) ۹سیملی‌دیر و قاشقایی عاشیقلاری‌نین سازلاری ۷سیملی دیر و "چوغور" آدلانیر.

عاشیق ادبیاتی "شیفاهی خالق ادبیاتی" جوزوونده‌دیر. چونکی او عصیرلر بویوجا آنجاق دیلدن ـ دیله، سینه‌دن ـ

سینه‌یه و اوستادـشاگیرد طرزی‌ایله کؤچه‌رک بیـزیم عصـریمیزه گلیـب چاتمیشـدیر. سـون زامـانلاردا بؤیـوک و چـوخ اثرلـی عاشیقلارین سؤزلری کیتابلارا آلینمیشدیر و بئله‌لیکلـه اونلارین آرادان گئتمه‌سی‌نین قاباغی آلینمیشدیر، آنجاق سؤز یوخـدورکی چوخلو بؤیوک عاشیقلارین اثرلـری یازیلمادیغینـا گـؤره آرادان گئدیبدیر. ایندی کوراوغلو، اصلی وکرم، شـاه ایسـماعیل، شـاه عباس و زؤهره خان، عاشیق غریب ایله شاه صنم، طاهیرمیرزه و سایره کیمی عاشـیق داسـتانلاری و چوخلـو مشـهور و حقیقـی عاشیقلارین آدلاری و دیوانلاری او جوملەدن : عاشـیق قوربـان (قوربانی)، عاشیق آلی(علـی)، عاشـیق علسگر و معاصیر ایـران عاشـیقلاریندان عاشیق علی فیض اللهی، عاشیق قشـم، عاشـیق حوسـئین جـوان و. . . کیمـی عاشیقلارین شـرح حـاللاری و اثرلـری یازی یا کئچـه‌رک ابـدی لشمیشـدیر و حتی بو اثرلـرین بیـر پاراسـی اوتایـدا "اوپـرا" شـکلینه ده گتیریلیبـدیر. بئله‌لیکله بورادا یازیلی ادبیات اؤزونـون شیفاهی ادبیاتـدان تـوکنمز بیـر قاینـاق کیمی فایدالاندیغی کیمی اونلاری ثبـت ائدرک اونلارین یاشـاییب قالمالارینـادا کؤمکلیک ائتمیشدیر.


عاشیق علسگر

عاشـیقلار دئـدیگیمیز هـونرلردن علاوه، چوخلو یئرلری گزیب، چوخلـو مجلیسلرده اولـوب، چوخلـو موختلیـف طبقـه‌لرلـه اوتـوروب دوردوقلارینا گؤره تجروبه‌لی و دونیـا گؤرمـوش بیـر اینسـانلار اولوب و دانیشیقدا اوستاد اولدوقلارینا گؤره ائلـین ،خوصوصـی ایلـه یوخسـول طبقـه‌نـین جانـدان یانـانی، مصـلحتچی‌سـی و مشورتچی‌سی کیمی ده خالق ایچینده تانینمیشـلار. بیـر سـؤزله دئسک عاشیق، ایجتیماعنین حقیقی نوماینده‌سـی‌دیـر. اونلاریـن اوستادنامه کیمـی اوخـودوقلاری شـعرلر عـدالتی، اینسـانلیغی، صولح و صفانی و هومانیسمی تبلیغ و تلقین ائدیر و دوردوغوجا حکمتلی سؤزلر و دیرلی اؤیودلر و عیبرتله دولودور.

فولکلورون بایاتی، آغی، سایا و سایره کیمی اوبیـری منظـوم ژانرلاری‌نین قوشـانلاری و مـؤلّیفلری معلـوم دئییلـدیر، لاکـین عاشیق شعرینده داستانلاردان کئچنده، قـالان اثرلـرین مـؤلّیفلری غالیباً معلوم و چوخ واقتدا تانینمیش عاشیقلاردیر. بـو عاشـیقلار شـعری نـین سـونوندا عوموماً آدلارینـی چکـه‌رک اثرلرینـی ایمضالایارلار. هرچند داستانلاردا : کوراوغلو، کرم، غریب، بهرام وسایره لـرین آدلاری شـعرلری‌نـین سـونوندا گتیریلیـر، لاکـین بیلیریـک کـی بـو قهرمـانلار حقیقـی شـخص اولماییـب و داستانلاری‌نین و شعرلری‌نین مؤلفی دئییرلر، بلکه او نظم ونثرلری یازانلار تانینمایان عاشیقلار یا صنعتکارلاردیر. دئمـک بـو اثرلـر عوموم خالقا و کوتله‌لره عاییددیر و اونلارین مولیفلری بیـر نفـر یوخ بلکه خالقین اؤزو و ائلین هامیسی‌دیر. حتی مولیفلری معلوم اولان وآدلاری شعرلری‌نین سون بندینده گلن حقیقی عاشیقلارین شعرلری‌نین عصیرلرجه سینه‌دن سینه‌یـه کؤچورولـدوگونو نظـره آلسـاق، گـؤروروک کـی اونـلاری دا قورویـوب، سـاخلاییب عصـیرلردن کئچیره‌رک بیـزیم زامـانیمیزا چاتـدیران اینسانلار اونلارادا ائل مالی و یا عومـوم خالق اثری کیمی باخاراق سینه‌لرینده یئر وئریب و گله‌جک نسیللره کئچیـرمیش و فولکلـور سیراسـیندا قـرار وئرمیشـلر. بئله‌لیکله اونلاردا قرنلردیرکی ابدی‌لشیب قالماقـدادیرلار.عاشـیق صـنعتی‌ده خالقیمیزین اؤزوکیمی قدیمدیر. عـالیملر تاریخ و آرکئولـوژی (باستانشناسـی) و اتنوقرافی علملرینه اساسلاناراق عاشـیق صنعتی‌نین ٤ـمین ایل بوندان قاباق (بلکه ده آرتیق) مئیدانا گلدیگینی سؤیله‌ییرلـر. حتـی سـومئرلردن قـالان داش یـازیلی تصویرلرده ساز الینده اولان بیر اوزانی گؤروروک.[1]

اوزان کلمه‌سی‌نین هاراداان تاپیلدیغی بـاره‌ده بیـر معلومـات الده یوخدور، لاکین هله اوندان قاباق عاشـیقلارا "یانشـاق" و "وارسـاق" کیمـی آدلار وئریلـدیگی معلـوم‌دور. نظـره گلـن، اوزانلار طریقت باباسـی(دده) کیمـی و تـانری عاشـیقی کیمـی تانیندیقلارینا گؤره بیر زامان بو ایکی آد بیرلیکده (عاشیق اوزان) کیمی آدلانمیش سونرا یالنیز عاشـیق کلمـه‌سـی قـالمیش و اودا بیرزامان کئچدیکده "آشی" کلمه‌سینه دایانـاراق تورکلـه‌شـیب "عاشیق" شکلینی تاپمیشدیر. آش یا آشی کلمـه‌سـی تورکجـه اولوب ، تلقین ، پیوند و. . . کیمی معنالار داشی‌یر. بیر نظـره بودور کی "یانشـاق" کلمـه‌سـی زامـان کئچدیکـده شـکلینی دییشیب عاشیق یا عاشیق شکلینی تاپمیشدیر. بو دییشـیک‌لیکـده

[1] وارلیق ، نومره۱۲۱/۲،م. ه. حصاری

ظاهراً "ایشیق" کلمه‌سی‌نین ده کؤمکلیگی اولموشدور؛ چونکی ایشیق کلمه‌سی "آی، گونش و اود" ایله باغلی اولدوغو اوچون تورکلرده موقدس بیر کلمه کیمی تانینمیش‌ایدی. ائل ایچینده موقدس شخصلره ایشیق دئییلرمیش. اوزانلار یا یانشاقلارا دا موقدس ساییلدیقلارینا گؤره ایشیق اوزان دئییلمیش و سونرا ایشیق کلمه‌سی عاشیق شکلینی آلمیشدیر. دئمه‌لی عاشیق کلمه‌سی موقدس بیر عونوان ساییلیرمیش. حؤرمتلی تورکولوق پروفسور جواد هیئت ایشیق باره سینده بئله یازیر:

« معلومدور کی ایشیق قدیم تورک خالقلاری‌نین میفولوژیسینه داخیل اولموش و موقدس‌لشمیش بیر عونصوردور . . . اوغوزخاقان داستانیندا اوغوزخانین اوزو نورانیدیر و آروادی گؤیدن دوشن بیر ایشیق(نور) دان دوغولموشدور. اوغوزخان اوردولارینا، یول گؤسترن قورد دا، اوغوزون چادیرینا دوشن بیر ایشیقدان دوغولموشدور.»[۲]

## عاشیق شعری

عاشیق شعری دیلیمیزین طبیعی قایداسی قانونلارینا اویغون اولاراق هیجا وزنینده یارانمیش و موختلیف قالیب (فورما) لاری و مضمونلاری واردیر. او جوملەدن گرایلی(۸هیجالی)، قوشما(۱۱ـهیجالی)، دیوانی(۱۵ـهیجالی)، تصنیف(۵ـهیجالی)، موخمس(بئشلیک)، اوستادنامه و وجودنامه، دئیشمه(و باغلاشما) و . . . بو فورمالار غالیباً ۳ یا ۵ بند اولور. آنجاق ایندی بیزیم بو گونکو شاعیرلریمیز هئچ بیر محدودیت نظره آلمادان هر قالیبدا اوزون پوئمالار (منظومه‌لر) قوشورلار.

چوخ هیجالی فورمالاردا شعری موزون ساخلاماق اوچون میصراعلاری موعین هیجالی بؤلمه‌لره بؤلوب و شعرین آخیرینادک اونو قورویوب ساخلاماق لازیمدیر. مثلاً : ۱۱ـهیجالی(قوشما) شعرده شعری ۳+٤+٤ یا ٥+٦ کیمی بؤلمه‌لره آییرماق لازیمدیر. مثلاً ۳+٤+٤ اوچون اؤرنک اولاراق عاشیق ایمراهین بو شعرینی میثال گتیریریک:

«او گؤروکن / ساوالاندی / اوجاندی
مالیم یوخدو / یارا قوربان / بوجاندی
اینجی دئییل / صدف دئییل / مرجاندی
یار قولوندا / قولباقلاری / قیرمیزی» (ایمراه)

و یا ٥+٦ بؤلومونه اؤرنک اوچون:

«آلاگؤز جئیرانیم / ندن ملولسان
یوخسا لال اولموسان/ دین سنه قوربان
نئشتر کیپریکلرین / تؤکور قانیمی
نازیک الریله / سیل سنه قوربان» (گرگرلی ممد)

۱۱ـ هیجادان آز اولان شعرده او جوملە دن گرایلی‌دا ، بایاتی‌دا . . . بؤلمه‌یه احتیاج یوخدور بیرحالداکی ۱۵ـ هیجالی دیوانی فورماسیندا ۷+۸ بؤلمه‌سی ایشلنمده‌دیر: میثال

«ایسمیم عاشیق علی‌عسگر / بودو دؤورانیم منیم
غوربت ائلده بیر گؤزلده / قالدی پیمانیم منیم
اؤلدورسه‌ده بو سئودادا / حلالدی قانیم منیم
اینجیمرم دوست یولوندا / بو زیاندان کئچمیشم»

عاشیق شعرلری‌نین هر بیری ائله‌جه‌ده هر داستانین شعرلری‌نین اؤزلرینه مخصوص بیرهاواسی واردیر. بو هاوالارین سایی ۷۱ یا ۷۳ دور لاکین اوتای عالیملریندن بیری ۱۹۳ عاشیق هاواسینی جدوله سالمیشدیر.

عاشیق علسگر بیر شعرینده بئله دئمیشدیر:

«کامیل اوستادلارین گولون درمه‌سن
حقیقتی سینه‌ن اوسته سرمه‌سن
یئتمیش اوچ هاوادان خبر وئرمه‌سن
اؤلوم یئیدی سنه ائل قاباغیندا»

آردی وار...


**آموزش قوپوز**

(آموزش با نت و گوشی)

عاشیق سولدوز مهدی پور

عاشیق سیروس مهدی پور

**«سفارشات قوپوز و تار آذربایجانی پذیرفته میشود.»**

آدرس: تهرانپارس ـ خیابان وفادار شرقی ـ خیابان ۹٤/۱

کارگاه آلات موسیقی آذربایجانی

تلفن:۰۹۱۲۱٤٤۳۰۷۸


[۲] شیفاهی خلق ادبیاتی ، ج . هیئت ، باکی ،۱۹۹۰،ص ٤۳

# قطره‌ای از دریا

**(از چهل سال خلاقیت هنری استاد بزرگوار اوزیرحاجی‌بیگ‌اف)**

نویسنده:ت. قاچقین(حمید جباری) qachqin@yahoo.com



حمید جباری متولد ۱۳٦٤ دشت مغان میباشد. وی علاوه بر مطالعه علمی وتحقیقی در موسیقی آذربایجان به یادگیری نوازندگی تار نیز همت گماشته است. بدیهی است وجود چنین جوانانی در شکوفایی موسیقی آذربایجان تاثیر بسزایی خواهد داشت.

**ترجمه از ترکی: ندا دریاقلی**

## مقدمه

پروفسور، ژورنالیست، بنیانگذار موسیقی حرفه‌ای شرق، نویسنده سرود ملّی نخستین جمهوری دموکراتیک شرق(آذربایجان)، نویسنده اولین کمدی موزیکال شرق، پوبلسیست[1]، دراماتوگ، دریژور[2]، شخصی که به همت او برای اولین بار در عرصه موسیقی شرق، زنی هنرمند روی صحنه ظاهر گردید، از نخستین هنرمندان مردمی که در اتحاد جماهیر شوروی شناخته شد(۱۹۳۸)،عضو آکادمی علوم آذربایجان(۱۹٤٥)، برنده بزرگترین جایزه هنری اتحاد جماهیر شوروی(۱۹٤٦و۱۹٤۱)، رئیس مجمع آهنگسازان آذربایجان (۱۹۳۸الی۱۹٤۸)، از اعضای اصلی مجمع آهنگسازان اتحاد جماهیر شوروی، مدیر کنسرواتوار آذربایجان(۱۹۲۸-۱۹٤۸،۱۹۲۹-۱۹۳۹) و در یک کلام اوزیر حاجی‌بیگ‌اف بزرگمرد تاریخ بود که نمی‌توان با چنین مقاله‌هایی شخصیت بزرگ و خلاقی چون او را تعریف کرد. البته گوشه‌ای از خلاقیت چهل ساله‌اش را در قالب ۱۰ جلد کتاب در



جمهوری آذربایجان به رشته تحریر درآورده‌اند اما در این سوی مرزها، در کشورمان با توجه به کمبود منابع در این زمینه- که این منابع حتی به اندازه تعداد انگشتان یک دست نیز نمی‌باشد- تلاش شده بدون اشاره به مضمون و ویژگیها، فقط به توضیحاتی اندک بسنده شود که البته نویسنده را یارای تشریح همه این موارد نیست. و سعی خواهد شد در این نوشتار به گوشه‌هایی از زندگانی و آفرینشهای این شخصیت ارزنده اشاره شود.

زندگانی حاجی‌بیگ‌اف که از شهرهای آغجا بدیع و شوشا آغاز شده و با تحصیل در مکتب روس و تاتار و بعدها در پترزبورگ و مسکو ادامه یافته ،از همان اوایل مملو از شیرینی‌ها و تلخی‌ها و پر از فراز و نشیب بوده است. دایی‌اش«آغالاربیگ»[3] دست اوزیر کوچک را گرفته و او را با طبیعت زیبای آغجا بدیع و شوشا آشنا میکرد. در مدارس روس و تاتار[4]به خاطر تکلم به زبان ترکی، و به خاطر آرزویش که درس خواندن به زبان ترکی بود تنبیه شد. در سن پترزبورگ فروشنده پیانویی که اوزیر به او بدهکار بود جلوی هنرمند فقیر را گرفته و پول پیانو یا خود پیانو را طلب میکرد. همسرش(ملکه) در مهمانی‌ها برای دیده نشدن پارگی کفشش بلافاصله کفشش را



اوزیر (۱۸۹۹)

[1] نویسنده آثار اجتماعی ، سیاسی

[2] رهبر ارکستر

[3] کسی را که به عنوان اولین معلم خود بر می‌شمرد

[4] منظور از تاتار ترکها هستند

می‌پوشید و خارج می‌شد. در آن وضع بحرانی به نوشتن اثر رئالیستی و بزرگش«آرشین مال آلان» می‌پردازد و بالاخره بخاطر مشکلات اقتصادی، درسش را رها کرده به آذربایجان برگشته و نهایتا علاقه‌اش را به ملت آذربایجان نشان می‌دهد و صدها بلکه هزاران مصیبت دیگر...

همانطور که می‌بینیم حاجی‌بیگ‌اف با تمام سختی‌هایی که کشیده هیچگاه اصالتش را انکار نکرده و در هرکجا که حضور یافته آذربایجانی بودنش را همواره ذکر نموده و سرانجام با تمام نیرویش نه تنها موسیقی آذربایجانی را به پیشرفتهای بزرگی سوق داد، بلکه ملت آذربایجان را از نظر اجتماعی، سیاسی و سایر زمینه‌ها در مسیر پیشرفتهای شایان توجهی رهنمون ساخت.


اوزیر (۱۹۰۸)

وی موسیقی آذربایجانی را وارد مرحله‌ای کرد که جنگ با ظالمان در همه وجود آن متجلی است. او کوراوغلوی قرن ۱۵ و ۱۶ را در قرن ۲۰ به عصیان دعوت می‌کند. در سال ۱۹۰۵ در دوران بحران سیاسی روسیه، قلم تیزبین حاجی‌بیگ‌اف وارد عرصه شده و ساکت نمی‌ماند. در ۲۹ دسامبر ۱۹۰۹ مقاله‌ای تحت عنوان«اینسان چیچکلمه‌سی آزادلیغا باغلیدیر»(شکوفایی انسان وابسته به آزادی است) بدون هیچ ترس و واهمه‌ای در آن فضای خفقان و سیاسی روسیه نوشته و باچاپ آن در روزنامه "حقیقت" شفافیت روشنی به آن فضا می‌بخشد. در ۱۴ می ۱۹۰۶ در روزنامه ارشاد مقاله‌ای تحت عنوان«هامیمیزا باغلی»(وابسته به همه ما) نوشت و با نوشتن سایر مقالات سیاسی و اجتماعی، ملت آذربایجان را برای حل اختلافات میان خود و پیوستن به انقلاب روسیه دعوت می‌کند و با همین مقالات تیزبین و حساس بلاهایی را که از طرف روسیه برسر دوماها می‌آمد، آشکارا نشان داد. در سال ۱۹۰۷ با نوشتن، مقاله‌ای به نام «قارانلیق لاشیر»(تاریک می‌شود) و با درج مقاله‌های پی‌درپی در روزنامه حیات(۱۹۰۵)، دوران بحرانی سیاسی روسیه را به تصویر کشیده و بعدها با شصت اسم مستعار نوشتن این مقالات سیاسی را ادامه داد.

بخاطر اهمیت کارهای حاجی‌بیگ‌اف و همینطور شیوه خاصش در موسیقی، مردم شرق و غرب با او آشنا هستند حتی اگر این آشنایی خیلی کم باشد. بطوریکه وقتی ملودیهای کمدی موزیکال «مشهدی عباد»(اواولماسین بو اولسون) نواخته می‌شود، حتی غیرترکها هم شروع به خواندن آواز های آن می‌کنند بدون اینکه مفهومش را درک کنند. «آرشین مال آلان» به ٦٧ زبان زنده‌دنیا ترجمه شده است. در ترکیه از ۷ ساله‌ها گرفته تا ۷۰ ساله‌ها، ترانه«چیرپینیر کارادنیز» را بعنوان یک ترانه خاص ازبر کرده‌اند و نهایتاً با اپرای بی‌نظیر کوراغلو در دنیا مشهور میشود و فریاد عدالت‌خواهانه کوراغلو را به گوش همگان می‌رساند.همانطور که می‌بینیم حاجی‌بیگ‌اف هر لحظه از زندگیش را با شرف گذرانده و به هویت آذربایجانی خود، به زبانش،ترکی آذربایجانی و به ادبیات و هستی زادگاه خویش آذربایجان، افتخار می‌کند و هیچگاه احساس خستگی نکرده و از تلاش باز نمی‌ایستد. بخاطر بزرگداشت شخصیت والای ایشان روز تولدش را روز موسیقی ملی آذربایجان نام نهاده‌اند و هزاران شکر که تاریخ آذربایجان دارای چنین شخصیتهای بزرگی است و هر لحظه باید شکرگزارباشیم که آذربایجان چنین نوابغی در خود پرورش داده و انتظار برای متولد شدن بزرگمردانی دگر در تاریخ آذربایجا ن کاری عبث نیست و نخواهد بود.

## «اوزیرحاجی‌بیگ‌اف»(۱۹۴۸-۱۸۸۵)

شوشا سرزمینی سحرآمیز و جائیکه نوای حزین موسیقی، ترنم هر رود و سنگش است. آغوش گرمی است برای هنرمندانی چون «میرمحسن نواب» و «خان شوشینسکی» ، «جبارقاریاغدی‌اوغلو»، «خورشید بانونه‌تاوان»و «میرزاصادق اسداوغلو» و بعدها«رشید بهبوداف»،«بولبول»،«یعقوب محمداف»، «ابوالفتح علی اف»، «متعلم متعلم‌اف» همچنین زادگاه هزاران موسیقی‌شناس، نقاش، خواننده و نوازنده. ولی روستای«آغجا بدیع» که محور ومهد اصلی پرورش این هنرمندان بوده، این بار در ۱۷سپتامبر ۱۸۸۵«اوزیر حاجی‌بیگ‌اف» را روانه تاریخ


شیرین بیگم مادر اوزیر

نمود. مادرش «شیرین بیگم» و پدرش«عبدالحسین» بود، حاجی بیگ‌اف که اسمش را نمی‌توان در چهارچوب خلاقیت موسیقایی گنجاند، فرزند دوم خانواده بود(کوچکتر از ذوالفقار و بزرگتر از جیحون). او تحصیلات خود را در مدرسه روس و تاتار آغاز کرد و در ۱٤ سالگی برای تحصیل ۵ ساله وارد دانشسرای«گوری» شد. همانجا زبان، ادبیات و موسیقی روسی را فراگرفت(با اشاره به اینکه زبان ادبیات عربی و فارسی را بطور کامل می‌دانست)و در همانجا«ویولن»«ویولن سل»و سولفژ را بطور کامل آموخت. در سال ۱۹۰٤ بعد از اتمام تحصیلات در روستای«هاردوت» شروع به تدریس کرد و بعد از یک سال به «باکو» رفت و کتاب«حساب مساله‌لری»(کتاب ریاضی) و لغت نامه«روسی به ترکی آذربایجانی و ترکی آذربایجانی به روسی» را نوشت. از ترجمه‌های وی به زبان ترکی آذربایجانی، می‌توان آثار«چخوف»، «گوگول»، «پوشکین»و «لرمانتوف»را برشمرد. حاجی بیگ‌اف در سال ۱۹۱۱ با عزیمت به مسکو و پترزبورگ در کنسرواتوار شروع به تحصیل کرد و بعد از دو سال بخاطر مشکلات اقتصادی ترک تحصیل نموده رهسپار وطن شد.


اوزیر و همسرش ملکه خانم(۱۹۱۰)

### «حاجی‌بیگ‌اف و موسیقی ملی آذربایجان»

اساس موسیقی ملی آذربایجان موغامات می‌باشد. موغامات همچنین منبع اصلی تأثیرپذیری حاجی‌بیگ‌اف در آثارش می‌باشد. وی بدون ترس از ملودی متکامل و فلسفه عمیق موغامات، از سال ۱۹۲۵ در این زمینه شروع به تحقیقات نمود و با وجود اینکه به گفته‌ی خودش هیچ نوشته و تحقیقی در این زمینه موجود نبود این کار را ادامه داد. وی در دهه‌های ۳۰ و ۲۰ میلادی در زمینه‌های مختلف موسیقی آذربایجان از جمله اصول نظری موغام و قانون و قواعد و سیستم موغامات تحقیقات عمیق علمی نمود و با بیست سال تلاش شبانه روزی کتاب«آذربایجان خالق موسیقی سی‌نین اساسلاری»(اساس موسیقی ملی آذربایجان) را به رشته تحریر درآورده و به عنوان هدیه‌ای بزرگ نثار فرهنگ و هنر آذربایجانی نمود(۱۹٤۵). در وصف این کتاب گفته می‌شود که«این کتاب کمکی است برای کسانی که می‌خواهند موسیقی آذربایجانی را یاد گرفته و بر این اساس به آفرینش موسیقائی همت گمارند». اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در این دوره از زندگی‌اش و در سالهای پیشینی که شامل جوانی وی می‌باشد، در پیشبرد موسیقی آذربایجان فعالیتهای زیادی انجام داد. او به عنوان نخستین آهنگساز از موغامات به عنوان منبع اصلی تأثیرپذیری در آثارش استفاده نموده و بر این اساس نخستین اثر اپرائی شرق یعنی اپرای«لیلی و مجنون» را خلق کرد. او با اطمینان به گستره‌ی وسیع موسیقی آذربایجان می‌گفت:«با تکیه به این اقیانوس(موسیقی ملی) می‌توانیم موسیقی‌مان را به بلندترین مراتب هنری ارتقا دهیم» و با هدایت کردن شاگردانش به این سمت و خارج ساختن این ادعا از قالب حرف به عرصه عمل، همراه شاگردانش، فکرت امیراف، قارا قارایف و سایرین آثاری را خلق کرد که بطور کلی می‌توان از میان آنها «لیلی و مجنون» و«کوراوغلو»ی حاجی بیگ‌اف، «سمفونی‌های موغامی» فکرت امیراف و ترانه‌های سعید رستم‌اف را نام برد. به گفته حاجی‌بیگ‌اف این آثار«نوآوری بزرگی برای موسیقی آذربایجان به ارمغان آورد» و امروزه استفاده آهنگسازان از ظرایف موغامات در آثار خود برای عمق بخشیدن به آثارشان آشکارا بیانگر اهمیت این راه می‌باشد.


اوزیر (۱۹۲٤)

حاجی بیگ‌اف طی سالهایی که برروی موغامات تحقیق می‌کرد، منظم کردن بعضی از موغامات را لازم دانسته و به این کار هم دست زد و در این سالها شعبه‌ها، رنگ‌ها و گوشه‌های زیادی در موغامات جایگاه اصلی خود را پیدا کرد. به عنوان مثال، شعبه«ترکیب»را به«شوشتر» اضافه کرد. مثالهای فراوان دیگری نظیر این مورد وجود دارد. مثلاً دستگاه«راست»نه در دو ساعت بلکه در چهل و پنج الی پنجاه دقیقه به اتمام می‌رسد. امروزه تحقیقات در میان مللی که موسیقی موغامی دارند نشان می‌دهد، موغامات آذربایجان کاملترین موغام بوده و بالاترین درجه هنری را به خود اختصاص داده است و در این موفقیت بزرگ نمیتوان تلاشهای بی دریغ حاجی بیگ‌اف را نادیده گرفت. حاجی بیگ‌اف در کنار مرتب کردن و کامل نمودن موغامات آذربایجان تلاش زیادی برای رهانیدن آن از بعضی قید وبندها نیز انجام داد. موانعی که بودن آنها باعث عدم پیشرفت موسیقی آذربایجان می‌شد و در موسیقی برخی ملل دیگر به وضوح دیده می‌شود. اوزیر با خارج کردن ربع پرده یا یک چهارم پرده این مانع را از سرراه موسیقی آذربایجانی کنار زد. ایشان با این کار، نفس تازه‌ای به روح موسیقی آذربایجانی دمیده و قدمی بزرگ برای نزدیک شدن به استانداردهای بین المللی موسیقی برداشت و امروز احساس لزوم انجام این امر از سوی ملل دیگر، دوراندیشی و ذکاوت حاجی بیگ‌اف را نشان می‌دهد و با این حال اجرای گوشه‌ای از رپرتوارهای بزرگ حاجی بیگ‌اف یعنی رومانس‌های وی، از سوی ارکستری که از ملل مختلف در آمریکا تشکیل شده بود نتیجه بزرگ این اقدامات می‌باشد. تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد که پیشرفت و تکامل موسیقی آذربایجان وابسته به ریشه عمیق آن می‌باشد و این عمق و گستره نیزحاصل فعالیت‌های حاجی بیگ‌اف می‌باشد.حاجی بیگ‌اف در سال ۱۹۳۰ بعد به همراه شاگردانش آصف زینالللی، سعید رستم‌اف، قاراقارایف، عادل گرای، توفیق قلی‌اف، فکرت امیراف و... با رفتن به مناطق گوناگون آذربایجان، موسیقی فولکلوریک را جمع کرده و به نت درآوردند و حیاتی نو به آنها بخشیدند. حاجی بیگ‌اف برای وسعت بخشیدن بیشتر به موسیقی آذربایجان می‌گفت: «روش علمی تنها روشی است که موسیقی آذربایجان باید آنرا طی کند و به این مناسبت باید موسیقی نظری اروپایی را یاد گرفت». حاجی بیگ‌اف در کنار استفاده از تجربه و علم موسیقی غرب هیچگاه سعی در غربی کردن موسیقی آذربایجان نداشت، بلکه با خلق آثاری که کاملاً هویت شرقی و ملی داشت تلاش نمود تا تأثیرات موسیقی شرق را وسعت بخشد. حاجی بیگ‌اف که خواستار رواج موسیقی اروپا در میان مردم بود در جمع دوستان می‌گفت:«افزون بر موسیقی غرب، موسیقی شرق نیز وجود دارد، به این دلیل که ما آذربایجانیها، ملتی شرقی هستیم و در صورت بی‌اعتنایی به فرهنگ و موسیقیمان، وظیفه فرهنگی خود را ادا ننموده‌ایم.» با این وجود ایشان سیستم صحیح تدریس را لازمه پیشرفت علمی موسیقی آذربایجان می‌دانست. در سال ۱۹۲۱ زمانیکه ضرورت تأسیس «کنسرواتوار دولتی» و«آکادمی عالی موسیقی» را حس نمود، با نوشتن عریضه‌هایی از سوی«شعبه موسیقی» و نشان دادن اینکه هدف، پرورش آهنگسازان، خواننده‌های اپرا، معلمین موسیقی، نوازنده‌های ارکستر و سایر رشته‌های تخصصی می‌باشد، برای اولین بار ضرورت این تأسیسات را مشخص نمود. وی با تاسیس «کنسرواتوار» در اکتبر۱۹۲۱ و شعباتی مانند «شعبه موسیقی شرق» و «آهنگسازی» که در پیشبرد موسیقی آذربایجان نقش بسزایی داشته و دارند و با دعوت از موزیسین‌های خارجی، برای اولین بار بستری مناسب برای شکوفایی موسیقی آذربایجان از نظر علمی، عملی و نظری ایجاد کرد. اوزیر که در کنسرواتوار تدریس می‌کرد به این نتیجه رسیده بود که همگام با «شعبه موسیقی شرق» رشته‌های فنی-اختصاصی تاریخ موسیقی، زیباشناسی و رشته‌های وابسته به آن به هنرجویان، تدریس شود و



اوزیر حاجی بیگ‌اف (۱۹۳۹)

بعدها با جدا شدن«شعبه موسیقی شرق»، «تکنیکوم موسیقی ترک» به ایشان واگذار شد و در اینجا هم مثل همیشه بدون کوچکترین دریغی درانتقال دانسته‌ها و تجربیات خود، موزیسینهایی مانند«سعید رستم‌اف»،«آصف زینالللی» و دیگران را که هر کدام شخصیت بزرگی در تاریخ موسیقی آذربایجان می‌باشند، تربیت نمود. تربیت این شاگردان، بیانگر تلاش مثمرثمر او می‌باشد.

اوزیر طی سالهایی که مشغول تحقیق درباره موسیقی ملی بود کاملترین نظریه‌ها را از دیدگاه زیباشناسی موغامات ارائه داد. به نظر وی هر موغام مخلوق دوران خاص زندگی اجتماعی مردم در طول تاریخ بوده و به این دلیل تأثیر هر یک از موغامات بر روی شنونده متفاوت خواهد بود. برای نمونه «چهارگاه» ظلم و استعمار، «سه‌گاه» عشق و محبت، سایر دستگاهها، شعبات، گوشه‌ها و رنگها دیگر حس‌ها را به تصویر می‌کشد و با استفاده از این تنوع آثار گوناگونی را می‌توان خلق نمود. برای مثال، ایشان برای به تصویر کشیدن احساسی‌ترین صحنه از اپرای لیلی و مجنون در پرده سوم از شعبه حزین و غمگین «پنج‌گاه» دستگاه «راست» استفاده نمود(در این اپرا از موغامهایی مانند سه‌گاه، چهارگاه، شور، قطار، آرازباری و سایر موغامات کم‌حجم و بزرگ استفاده شده است). اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در سال ۱۹۳۶ ارکستر علمی و گروه کر دولتی را تشکیل داد و طی سالهای طولانی مدیر کنسرواتوار باکو، معلم کمپوزیسیون، رئیس مجمع آهنگسازان آذربایجان و عضو مجمع آهنگسازان شوروی سابق بود. در رجوع به آلات موسیقی آذربایجان، حاجی‌بیگ‌اف به رهبری خود«ارکستر سازهای ملی» را برای رادیو تشکیل داد و درعین حال «ارکستر آلات مردمی» نیز به پیشنهاد حاجی‌بیگ‌اف از طرف سعید رستم‌اف تشکیل شد و با استفاده از امکانات نت‌نگاری، آلاتی مثل بالابان، زورنا و توتک را نیز از جریان علمی موسیقی آذربایجان دورنگاه نداشت. دراینجا صحبت در مورد سلطان آلات موسیقی شرق، یعنی «تار» که توجه اوزیر را نسبت به سازهای دیگر بیشتر جلب کرده بود، لازم می‌باشد.

### حاجی‌بیگ‌اف و تار آذربایجانی:

از مکتب مینیاتور تبریز، اشعار قطران تبریزی و نظامی گنجوی و از تحقیقات محققین بزرگی همچون الازورنیس و جان-دورنیگ چنین برمی‌آید که تار، یکی از آلات موسیقی کهن آذربایجان می‌باشد. صرف نظر از تکامل تاریخی تار، تارزنی به نام «میرزاصادق اسداوغلو» در بین سالهای ۱۸۷۵-۱۸۷۰ بر اساس تکامل موغامات آذربایجان و برای ایجاد هماهنگی، تغییرات اساسی در این ساز ایجاد کرد. صادق جان[۵] تار را که روی زانو نواخته می‌شد و پنج سیم داشت، از نظر پرده، وزن، کاسه و تعداد سیمها تغییر داد. وی «تارجدید آذربایجان» را که روی سینه قرار میگرفت و صدایی قویتر و پرده‌هایی مناسب موغامات داشت، ابداع نمود و با ایجاد پرده‌های موغامهایی مانند«سه‌گاه میرزا حسین»،« سه‌گاه زابل» در این تار موفقیت بزرگی را برای هنر ملی آذربایجان در بین کشورهای قفقاز به ارمغان آورد. این تار جدید به خاطر ساختار درست پرده‌ها که می‌توانست موسیقی ملل دیگر را نیز در خود منعکس کند در ردیف اول آلات موسیقی ملت‌های قفقاز قرار گرفت و براین اساس نام این ساز اساس این آلت موسیقی آذربایجان را «تارقفقاز» نیز مینامند.اوزیر وقتی«ارکستر سازهای ملی» را تشکیل داد تار را که در مشرق زمین برای اولین بار با نت نواخته میشد به عنوان ساز اصلی یا به بیان دیگر ساز پایه ارائه داد. حاجی‌بیگ‌اف بر اساس تغییراتی(حذف ربع پرده) که در موسیقی آذربایجان ایجاد کرده بود ، انجام این کار را بر روی تار نیز ضروری دانسته و بعد از صادق جان دوباره در پرده‌های تار تغییراتی به عمل آورد و آنها را منظم کرد و با این کار امکان نواختن آثار آهنگسازان روسیه و اروپا را نیز درتار بوجود آورد. همانگونه که برای بالابان و کمانچه آموزش در سطح حرفه‌ای وجود داشت،اوزیر این فرصت را برای تار نیز ایجاد کرد و به این ترتیب رپرتوارهایی به رهبری ایشان برای تار نوشته شد.

حاجی‌بیگ‌اف می‌گوید:«اگر خواننده ای خوب بخواند اما نظریه گامها را نداند، فرق بین راست و شور را نخواهد فهمید و همچنین اگر یک نوازنده تار، ماهیت صداها، انتروالها(فواصل)، گامها، ریتم، وزن و خواندن نت را نداند ساختار تار را هم نخواهد شناخت و اگر با اساس نظریه موسیقی خود آشنا نباشیم در پیشبرد آن کاری

---

[۵] ملل قفقاز و ملت آذربایجان به خاطر محبتی که به ایشان داشتند به او «صادق جان» می‌گفتند

نمی‌توانیم بکنیم». وی برای اولین بار کلید "دو" را که مناسب تار بود انتخاب کرده و با استفاده از این کلید کنسرتها و آهنگهای زیادی برای تارنوشت. اوزیر با اطمینان به قدرت ایفای نقش تار، برای اولین بار در اپرای کوراغلو، ساختار ارکستر سمفونیک را با تمام قدرت شکسته و تار را همراه سازهای ملی دیگر همچون بالابان و زورنا در آن گنجاند و در این اپرای بزرگ قدرت تار را همراه آلات موسیقی کلاسیک معاصر اروپا به صورت آشکارا به نمایش گذاشت. او با تغییر ساختار ارکستر سمفونیک و اجرای عالی تار،نشان داد که هیچ آلتی مانند تار نمی‌تواند حس ملی را در انسان بیدار کند و در همان اپرا بهنگام نواخته شدن زورنا که صدایی ناشناس در اکستر سمفونیک بود همه سالن بپاخاستند، این اپرا در یکی از بزرگترین صحنه‌های دنیا یعنی "بالشو تئاتر" اجرا می‌شد. در یک کلام، این ابتکار، هویت ملی و شرقی این اپرای بزرگ و تناسب آن با آلت موسیقی خلق آذربایجان را نشان می‌دهد. تمام آثار این آهنگساز بزرگ دارای روح ملی بوده و استفاده از تار در این آثار نشان دهنده عرق ملّی وی می‌باشد و دیدن چنین مناظری در آثار شخصیتی که نواختن تار را از کودکی شروع کرده و ظریفترین گوشه‌ها و سختترین شعبات را در همان سنین می‌نواخت، دور از انتظار نیست. ناگفته نماند که تار مهمترین نقش را در آثار وی عهده‌دار می‌باشد و این برای موسیقی ملت ترک مایه سرافرازی میباشد.

### «حاجی‌بیگ‌اف واپراهای موغامی»:

اوزیر اپرا را، در آذربایجان و در عین حال در مشرق زمین بنانهاد و طبق گفته خودش، اندیشه ساخت اپرا زمانی بوجود آمد که او بیش از ۱۳سال نداشت و نقش مجنون توسط هنرمندان آن زمان بر روی قبر لیلی را مشاهده کرد.(در این برنامه بخاطر داشتن صدای خوب، در گروه کر شرکت کرده بود) و تحت تأثیر این صحنه بعدها پس از رفتن به باکو این فکر را جامه عمل پوشانید. در نظر حاجی‌بیگ‌اف موغامات نمونه‌های کلاسیک هنر ملی میباشد و با این طرز تفکر اپرای آذربایجان را بر پایه موغامات بنا نهاد و به این طریق اپرای آذربایجان را به بزرگترین اپراهای دنیا پیوند زد و چون اساس اصلی این اپراها موسیقی ملی بود، به این اپراها اسم «اپرای موغامی» را داده‌اند. حاجی‌بیگ‌اف کار ساخت اپرا را در سال ۱۹۰۷ شروع کرده و در ژانویه ۱۹۰۸ با وجود مشکلات بسیار «لیلی و مجنون» را به روی صحنه برد و البته با توجه به نبود تکیه‌گاه لازم اقتصادی، کمبود نوازنده و در نهایت وجود برخی مفیدات دینی ملت از جمله اینکه زن نمی‌توانست در صحنه ایفای نقش کند، غیر قابل باور بود که یک چنین اثر بزرگ و افتخارآمیزی توسط جوان ۲۲ساله‌ای در صحنه حاضر و در تاریخ آذربایجان ثبت شود. این اپرا با اشعار منظومه«لیلی و مجنون»(اثر «محمد فضولی» شاعر بزرگ قرن ۱۰ هجری) و برپایه موسیقی آذربایجان شکل گرفته بود و بخاطر جلب علاقه و محبت مردم، بعدها که حاجی‌بیگ‌اف دیگر مجبور نبود خودش بعنوان نوازنده ویولن در ارکستر ایفای نقش کند، وبا پرشدن خلاهای گذشته، عمر ابدی یافت و این اثر با تمام وجود با شکافتن سینه تاریخ، هنوز هم با اجرا درآمدن در بزرگترین صحنه‌های دنیا نفس‌ها را در سینه‌ها حبس میکند. حاجی‌بیگ‌اف بعد از ساختن این اپرای موفق در طی ٦ سال (۱۹۱۵-۱۹۰۹) اپراهای«شیخ صنعان»(۱۹۰۹)، «رستم و سهراب»(۱۹۱۰)، «شاه عباس و خورشید بانو»(۱۹۱۲)، «اصلی و کرم»(۱۹۱۲) و «هارون و لیلا»(۱۹۱۵) را نوشت. (حاجی‌بیگ‌اف در ادامه خلق اپراهایش نتوانست اپرای «فیروزه» را در آخرین سالهای عمرش به پایان برساند).


صحنه ای از اپرای لیلی و مجنون

حاجی‌بیگ‌اف بعد از ۱۷ سال دوری از صحنه‌ی اپرا، با دنیایی تجربه در زمینه‌های دیگر موسیقی، با گنجاندن آلات موسیقی آذربایجان همچون تار، بالابان، زورنا و توتک و متحول نمودن ارکستر سمفونیک، اپرای آتشین کوراغلو را نوشت که در میان بزرگترین اپراهای دنیا، جایگاه خاصی برای اپرای آذربایجان ایجاد کرد. اوزیر نوشتن این اپرا در سال ۱۹۳۰ را شروع کرد و در طی هفت سال تلاش و تحقیقات وسیع، این اثر بزرگ را به روی صحنه برد و طبق خواسته وی«بولبول» خواننده

بزرگ آذربایجان نقش «کوراوغلو» را در این اپرا بازی کرد، این اپرا، اپرایی ملی بود، اپرایی که از درون خود مردم می‌جوشید. این اپرای بی‌نظیر با آریاهایی وسیع و اوورتورهایی که انسان را از درون دگرگون می‌ساخت، در ردیف بهترین آثارش قرار گرفت و با گوش سپردن به این اپرا عظمت رسالت هنر، آهنگساز، بازیگر و ارزش موسیقی آذربایجان به عنوان یکی از درخشانترین موسیقی‌های مشرق زمین و دنیا بخوبی قابل درک است و شرافت و بزرگی روح اوزیر را می‌توان بخوبی احساس کرد. علاوه براین پاسخ هزاران سؤال بی‌جواب اجتماعی، هنری و انسانی را در عمق آن میتوان پیدا کرد. حاجی‌بیگ‌اف در این اپرا علاوه بر نشان دادن شکوه، وسعت و عمق موسیقی آذربایجان، نام خود را در ردیف بزرگان موسیقی و آهنگسازان نامی دنیا به ثبت رساند و این گفته‌اش را که«با تکیه به موسیقی غنی آذربایجان می‌توانیم در فرهنگ موسیقیمان به نوآوری بزرگی دست یابیم»، بیشتر به واقعیت نزدیک کرد و در نهایت برای تقسیم تجربیات ارزنده‌اش با آهنگسازان جدید، کتابی به نام «اوپرا، تیاترین تربیوی اهمیتی»(اهمیت تربیتی اپرا و تئاتر) نوشت.

## «حاجی‌بیگ‌اف و آثار کمدی موزیکالش»:

کمدی موزیکالهای حاجی‌بیگ‌اف همچون آثار دیگر وی در نوع خود از اولین آثار در مشرق زمین به حساب می‌آیند. نقشهایی که وی در این آثار تعیین می‌کرد انعکاسی مستقیم از زندگی اجتماعی زمان و شهر خودش



صحنه ای از کمدی موزیکال آرشین مال آلان

بود و به طورکلی در این آثار عقاید سنتی به دردنخور و دست و پاگیر را که باعث ایجاد موانعی بزرگ در برابر شکوفایی فرهنگ و هنر این مرز و بوم می‌شدند به تمسخر میگرفت. حاجی‌بیگ‌اف در سال ۱۹۰۹ با نوشتن کمدی سه پرده‌ای «اَر،آرواد»(زن و شوهر) کار کمدیایی را شروع کرد. از آثار دیگر کمدی حاجی‌بیگ‌اف می‌توان کمدی موزیکال«اواولماسین بواولسون»(مشهدی عباد) را نام برد؛ او باز هم برای نشان دادن عقاید و چهره‌های زشت اجتماع به کمدی متوسل می‌شود و تصویری قوی از وضعیت ناگوار زنان مشرق زمین بخصوص زنان آذربایجان، و لگدمال شدن حقوق آنان، همراه صدها انگل اجتماعی را نشان می‌دهد. این اثر در سال ۱۹۵۶ با موسیقی ساخته خود حاجی‌بیگ‌اف خلق شد.از موفقترین آثار وی کمدی موزیکال«آرشین مال آلان» را می‌توان به حساب آورد.اوزیر زمانی که در پترزبورگ مشغول تحصیل بود این اثر رانوشت. آرشین مال آلان سه بار به صورت فیلم درآمده و در لندن، پاریس، برلین، تهران، ایالتهای امریکا و کشورهای دیگر به نمایش گذاشته شده است.

## «حاجی‌بیگ‌اف و شاگردانش»:

اوزیر علاوه بر این که برای شاگردانش نقش یک استاد را بازی میکرد، برای آنها پدری رئوف و مهربان بود و بر اساس این طرز رفتار و سیستم درست تربیتی، موزیسینهای بزرگی را که هر یک هدیه‌ای بزرگ به هنر شرق، بالاخص به هنر و فرهنگ آذربایجان بودند تقدیم کرد. حاجی‌بیگ‌اف طبق آن گفته‌اش که«یادگرفتن هر هنری آسان است اما بمانند انسانی اصیل و باشرف زیستن سخت میباشد» شاگردانش را علاوه بریادگرفتن و رسیدن به عالی‌ترین رتبه هنری تشویق میکرد، به این امر مهم نیز توصیه میکرد. اما با دقت در ارتباط او و شاگردانش به گوشه‌ای از بعد شخصیتی آن استاد پی میبریم. مثلا واریز کردن مبلغ زیادی از حقوق ماهیانه خود به حساب شاگردش «شفیقه آخوندزاوا»(به علت نبودن کار و نیاز شدید وی به پول، که تا چند سال بعد از مرگ اوزیر از این امر بی خبر بود) یا دادن پالتوی خود به شاگردش «قاراقارایف» در وسط زمستان با دیدن لباس نامناسب زمستانی او و پوشیدن لباس کهنه زمستانی سالهای گذشته‌اش و... اینها نمایانگر فداکاری و ایثارگری او در پیشبرد موسیقی آذربایجان است.

اما در این جا بدون اشاره به همه این ایثارگری‌ها که در حوصله مقاله نیست، اشاره به چند شاگرد وی که در

پیشرفت موسیقی آذربایجان نقش مهمی را بازی کرده‌اند بجاست.

## «فکرت امیراف»(۱۹۸۴–۱۹۲۲)

وی فرزند «جمیل امیراف» مؤسس اولین مکتب موسیقی در گنجه می‌باشد، این مکتب در تربیت قهرمان کار سوسیالیستی، هنرمند خلق اتحاد شوروی و آهنگ‌ساز معروف «فکرت امیراف» و همچنین در تربیت تعدادی از هنرمندان بزرگ تأثیر بسزایی داشت. امیراف در ردیف موفقترین شاگردانی بود که به طور احسن راه بزرگ اوزیر را ادامه میداد و بزرگترین آرزوی او خدمت به خلق بود و این گفته او که:«خدمت به خلق سعادت است» از جمله سخنان حک شده در تاریخ می‌باشد او نخستین بالت داستانی آذربایجان سپس بالتهای «نسیمی» و «نظامی» را نوشت.

امیراف وقتی که نخستین بالت داستانی یعنی «مین بیرگنجه»(هزار و یک شب) را می‌نوشت به خاطر نزدیکی‌اش به ادبیات موسیقی و حتی آهنگ‌سازان عربی، استفاده بجایی از موسیقی عربی نمود که این بیانگر وسعت رپرتوار و قدرت عمق بیان موسیقایی وی می‌باشد و در این بالت ساختار ارکستر را تغییر داده و با این کار رهرو بودن در راه حاجی‌بیگ‌اف را نشان داد. او باز هم مثل استادش خلقهای دیگر را با به صدا درآوردن تار به حیرت واداشت و با به صحنه آوردن تار در بریتانیا و نشان دادن قدرت آن، خدمت بزرگی به موسیقی ملی کرد.



فکرت امیراف

امیراف با نوشتن سمفونیهای موغامی «شور» و«کوردی افشار» کار آهنگسازی را شروع کرد و از بهترین و زیباترین آثارش اپرای «سئویل» را می‌توان نام برد. از رمانسها و ترانه های وی«اولدوز»،«گوی گول»،«داغلار قیزی ریحان»، «من سنی آرارام» را میتوان برشمرد و از کانتاتهای وی «گوزن آیدین»،«اوره‌ک چالانلار» میباشد.او در نهایت با به پایان رسیدن عمر پرمایه‌اش نتوانست اپرای «شیخ صنعان» را به اتمام برساند و در سال ۱۹۸٤ چشم از جهان فروبست.

## «قاراقارایف»(۱۹۸۲–۱۹۱۸)

قاراقارایف در پنجم فورال ۱۹۱۸ در شهر باکو به دنیا آمد و در سال ۱۹۲٦ با ورود به تکنیکوم کنسرواتوار دولتی آذربایجان در کلاس فورته پیانو شاگرد پروفسور گ.شارویون شد. او بعد از حاجی‌بیگ‌اف شاگرد چند موزیسین روس نیز بود. وی در سال ۱۹۳۵ وارد کنسرواتوار دولتی آذربایجان و برای فراگیری پایه‌های موسیقی آذربایجان شاگرد پروفسور حاجی‌بیگ‌اف شد. در سال ۱۹۳۸ وارد کنسرواتوار دولتی مسکو به نام «پ.چایکووسکی»، در سال ۱۹٤۰ وارد کلاس آهنگسازی در کنسرواتوار «پروف.آ.ن.الکساندر» و



قارا قارایف

تا سال ۱۹٤٦ وارد کلاس آهنگسازی دولتی کنسرواتوار دولتی روسیه به نام «پ.آ. چایکووسکی» (پروفسور.د.شستاکوویچ)شد. قاراقارایف در سال ۱۹٤٦ با به اتمام رساندن کنسرواتوار «پ.آ.چایکووسکی»به تدریس در مکتب آهنگسازی کنسرواتوار آذربایجان پرداخت.وی بالت "یئددی گؤزل" (هفت پیکر) را با لیبرتوریای نظامی در سال ۱۹۵۲ و بالت «ایلدیریملی یوللار» را در سال ۱۹۸۵ و اپرای "وطن" را در سال ۱۹٤۵ نوشت. ایشان بین سالهای ۱۹۵۷تا ۱۹۷۳ دبیر اول مجمع آهنگسازان آذربایجان و در سال ۱۹۵۷ عضو مجمع کینوماتوگراف کارگران اتحاد جماهیر شوروی و به خاطر آهنگسازی فیلم "بیر محله‌دن ایکی اوغلان" (دو پسر از یک محله) جایزه اولین فستیوال فیلمهای اتحاد جماهیر شوروی را کسب کرد. وی همچنین عضو مجمع تشکیلات آهنگسازان جماهیر شوروی در سال ۱۹٦۲ بود و مدال «قهرمان کار» را دریافت کرد. اونویسنده پوئمای سمفونیک «لیلی و مجنون»، سمفونی‌هایی برای ارکستر مجلسی، آثاری برای فورته‌پیانو و ترانه و رمانس‌هایی مانند«غریبه آدام»،«سعادت نغمه‌سی»، «دون کیشوت» و آهنگساز اثر شکسپیر«آنتونیا و کلئوپاترا» میباشد.

## «سعید رستم‌اف» :

سعید رستم‌اف در سال ۱۹۲۲ در تکنیکوم موسیقی ترک که قبلا «شعبه موسیقی شرق» نام داشت تحت رهبری

حاجی‌بیگ‌اف در کلاس «تار» تحصیل میکرد. وی در سال ۱۹۲۸به عنوان مدرس شروع به تدریس نمود و در «تکنیکوم موسیقی شرق» کتاب «تار مکتبی»(مکتب تار) راکه بعنوان بزرگترین موفقیت تکنیکوم شناخته میشد نوشت و بزرگان تاریخ موسیقی همچون اوزیر حاجی‌بیگ‌اف، ل .م .ردولف و برتانیسکی آنرا از بزرگترین کارها به شمار آورده‌اند. رستم‌اف پس از چند سال تلاش مستمر این کتاب را در سال ۱۹۳۵ به چاپ رساند و با موفقیت در نخستین چاپ، کتاب را آماده چاپ دوم کرد و این بار با وسعت بخشیدن به رپرتوار اثرش، از آثار آهنگسازان اروپای غربی و روسیه نیز استفاده کرد و به ترتیب در سالهای ۱۹۳۵، ۱۹٤۸، ۱۹٥٤، ۱۹٦۰ و ۱۹٦٦ این کتاب را به چاپ رسانید. وی به پیشنهاد اوزیر «ارکستر آلات ملی آذربایجان» را که برای اولین بار در شرق با نت کار می کردند، تشکیل داد و تا آخر زندگیش با نوشتن رپرتوارهایی ،رهبری ارکستر را به عهده گرفت.رستم‌اف آراتای «بئش ماناتلیق گلین» (عروس پنج ماناتی) را بر اساس اثر «محمد اردوبادی» نوشت و در سال ۱۹٤۰ با نوشتن «دورنا» مردم را برای شکستن جمود سنتی دعوت کرد. ترانه‌های وی همچون «گلمه‌دین»، «هارداسان»، «گل» و «بیلمه‌دین یار» و... با نام موسیقی مردمی(خالق ماهنیلاری)نواخته و سروده می‌شود که این موفقیت بزرگی برای آثار سعید رستم‌اف میباشد.


محمد اردوبادی

### «جهانگیر جهانگیراف» :

در جوانی در آنسامبل «رقص و ترانه» فعالیت میکرد و بعد با ورود به کلاس آهنگسازی آنرا به اتمام رسانید. او از طرف کنسرواتوار آذربایجان شمالی در سال ۱۹٤٤ که مصادف با تشکیل حکومت دموکرات آذربایجان در ایران توسط «میرجعفر پیشه‌وری» بود به آذربایجان جنوبی آمد و با تشکیل ارکسترها و آنسامبل‌های «رقص و ترانه» در شرایط حکومت دموکرات آذربایجان کمک شایانی به شکوفایی هنر موسیقی آذربایجان در این سوی رود آراز نمود. اما هزاران افسوس که این موقعیت طلایی برای موسیقیمان با سقوط حکومت دموکرات آذربایجان توسط رژیم پهلوی از دست رفت، اما با اینکه این دوره مدت کوتاهی دوام آورد ولی به اعتراف پیشکسوتان موسیقی بالاخص پیشکسوتان موسیقی تبریز آن برهه، بهترین دوره هنری آذربایجان جنوبی بود. این آهنگساز بعد از سقوط حکومت دموکرات، برای اینکه به دست حکومت وقت نیافتد با آخرین قطاری که به قفقاز میرفت با وجوداینکه دلش همراه خواهر و برادرها و کارهای ناتمامش بود، به آن طرف آراز رهسپار شد. (او وقتی به آن سو میرفت ترانه‌های خاص آذربایجان جنوبی، مانند «کوچه‌لره سو سپمیشم» و چند ترانه دیگر را به آن طرف آراز برد). جهانگیراف احساساتش را در قبال خواهر و برادران جنوبی خود فراموش نکرده و آثاری، از جمله «آرازین اوتاییندا» (آن سوی ارس) را نوشت. از آثار جهانگیراف میتوان کانتاتای «فضولی» و «نسیمی» و اپرای «آزاد» را برشمرد. از آثار دیگر او «خواننده‌نین طالعی» (سرنوشت خواننده) است که این اپرا نیز نشات گرفته از احساسات وی به آذربایجانیهای ایران میباشد و این اثر که در سال ۱۹۷٤ پدید آمده زندگی خوانندگان آذربایجان ایران را نشان می دهد. از آهنگهای دیگر جهانگیراف «کیپریکلرین اوخدور»، «آی قیز»، «ظریف گولوشوم»، «دورنالار» و «باخا باخا یوللارا» و از آهنگهایی که برای پیانو نوشته آثاری مانند «آنا» را میتوان نام برد. وی برای فیلمهایی همچون «دلی کور» و «داغلاردا دویوش» آهنگسازی کرده است.

### «آصف زیناللی» :

آصف زیناللی در سال ۱۹۰۹ در شهر «دربند» در خانواده فقیری به دنیا آمده و با ورود به «دانشسرای نظامی» با موسیقی و آلات موسیقی آشنایی پیدا کرد. در سال ۱۹۲۳ در تکنیکوم موسیقی که «شعبه موسیقی شرق»و بعدها «تکنیکوم موسیقی ترک» نام گرفت به تحصیل پرداخت. این هنرستان بعداز مرگ وی، به پاس بزرگداشت و یاد بود او «آصف زیناللی» نامیده شد. آصف زیناللی در سال ۱۹۲٦ وارد کنسرواتوار و متعاقبا به شعبه آهنگسازی داخل گردید. در سال ۱۹۳۰ نیز رهبر شعبه خلاقیت کنسرواتوار شد. از رمانسهای این آهنگساز جوان «چادیرا»، «سرحدچی»، «اولکم»، «جیران» و «سوال» میباشد و از ترانه‌هایش «آراز» و «سندن منه یار اولماز» و از پیس‌هایش «شومال کولگی»، «غضب»، «یانغین» و

«گیزلی ال» را میتوان نام برد و از کارهای دیگرش به «چهارگاه»برای فورته‌پیانو و «دورنا» برای ویولن و فورته‌پیانو و پیس «قویونلار» و پیس‌های دیگر را میتوان اشاره کرد. اما افسوس که این آهنگساز جوان و خلاق بر اثر بیماری «یاتالاق» در حالیکه بیشتر از بیست و سه سال نداشت در سال ۱۹۳۲ چشم از جهان فرو بست.

***نتیجه:***

با وجود تعصبات کور، عقب‌ماندگی‌های اجتماعی و جمود فکری و سختی‌های که بر سر راه پروفسور حاجی‌بیگ‌اف قرار داشت، آن بزرگمرد قدمهای بزرگی در راه پیشرفت برداشته و در زمینه‌های موسیقی، ادبیات، سیاست و سایر زمینه‌ها تغییرات گسترده‌ای ایجاد کرد. اوزیر باعث شد ملت آذربایجان هویت ملی خویش را بازیابد. بر اساس این تغیرات کلی وی توانست فرهنگ آذربایجان را در سطوح جهانی انعکاس داده و به آن ارزش جهانی بخشد. همچنین او توانست دنیا را در پرده وسیع فرهنگ آذربایجان به تصویر کشد. حاجی‌بیگ‌اف برای رسیدن به این موفقیت در صورت نیاز لغتنامه، کتاب ریاضی، مقاله‌های حساس سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، کمدی موزیکالها، اپراها، پوئما[6]ها، رمانس[7]ها، ترانه[8]ها مارش[9]ها و فانتازی[10]ها نوشته است. گاه در صورت لزوم مسئول و سردبیر روزنامه شده و یا با به خطر انداختن جان خویش زن زجرکشیده و منزوی شرقی را به صحنه کشاند و... اوزیر در این راه از بکار بردن جان و مالش کوتاهی نکرد. اما علاوه بر این بر ما آذربایجانیهاست که ذخایر و ثروتهای عظیم معنوی خویش را که با دستان افرادی چون عبدالقادر مراغه‌ای، صفی‌الدین اورموی، میرمحسن نواب، میرزاصادق اسداوغلو و...بوجود آمده، حفظ کنیم، و در ترقی و پیشرفت آن بکوشیم. دگر خواب غفلت بس است، همانطور که سال گذشته به صحنه بردن بالت «مین بیر گئجه»(هزار ویک شب)، «بابک» و «یئددی گؤزل» در یکی از شهرهای اروپا توسط گروهی به نام خودشان و همچنین درج هزاران رقص و ترانه و آهنگهای آذربایجان و سازهای ملی آذربایجان، مانند تار در صفحه‌های اینترنت به نام رقص و ترانه‌های ملی ارامنه نمونه‌ای کوچک از این غارتگری‌ها فرهنگی است که برای مشاهده این فجایع فرهنگی، در بخش مدنیت سایت www.duduk.com و یا www.sd.com.az کیلیک فرمایید. با دیدن این گونه اعمال از طرف ملل دیگر جایگاه اصلی هنر و فرهنگ ملت آذربایجان را به خوبی حس خواهیم کرد ودر این صورت قبول خواهیم که آذربایجان با نفوذ به عده‌ای معدود از ملتها که دارای فرهنگ و مدنیت غنی هستند. به ملتی هوشیار و بیداربرای نگهبانی از این گستره عظیم فرهنگی نیاز دارد.



رئیس هیات عالیرتبه شوروی سابق در حال اعطای پیام لنین به اوزیر

اممما بونلاردان کچه‌رک آتالار دئمیشکن: «مالینی یاخشی ساخلا، قونشونو اوغرو توتما»

***منابع:***


۱) آذربایجان خالق موسیقی‌سی‌نین اساسلاری» (مبانی موسیقی خلق آذربایجان) اوزئییر حاجی‌بی‌وف
۲) «تار مکتبی»(مکتب تار)سعید رستم‌اف
۳) «تار آذربایجانی» واقف عبدالقاسم‌اف ترجمه :بهروز دیباز
٤) «اوزئییر حاجی‌بی‌وفون اثرلری»(آثار اوزیرحاجی‌بیگ‌اف)شامل چند جلد.
٥) «اوزئییرحاجی‌بی‌وف وآذربایجان کونسرواتوریاسی»(اوزیر حاجی‌بیگ‌اف و کنسرواتور آذربایجان).
٦) «اوزیر و دو انقلاب» رحیم رئیس‌نیا
۷) «موسیقی مقامی آذربایجان» رامیز زهراب‌اف ترجمه علاالدین حسینی
۸) www.hajibeyov.com
۹) www.qaraqarayev.musiqi_dunya.az
۱۰) www.musiqi_dunya.az
۱۱) www.azere.com
۱۲) www.azgallery.com
۱۳) www.azerimp۳.com
۱٤) www.azeri.org


[6] اثر«غلبه هیمنی» برای سمفونیک وکال.

[7] اثرهایی برای فورته پیانو با اشعار نظامی در سال ۱۹٤۰ «سنسیز». ۱۹٤۳ «سئوگیلی جانان»

[8] در سال ۱۹۲۷ اثر «یئتیم قوزو»، «ببر قوش دوشدو هاوادان» برای صدا و پیانو در سال ۱۹۳۰ با مشایعت آلات ملی «قارا گوز»، ۱۹۳۲«کومسومولچو قیز»، ۱۹٤۰-۱۹۳۲«سوواری» و «پیلوتلار» ۱۹٤٦-۱۹٤۱،«چاغریش»، «وطن اوردوسو»، «یاخشی یول»، «انانین اوغلونا نصیحتی»، «دویوشچولر مارشی» و از این سری آثار وی «باهار نغمه سی» را میتوان نام برد.

[9] مارشهای سال ۱۹۱۸

[10] فانتازی «شور»و «چهار گاه»

# بالابان در فضا

دومان اورمولو
Duman_Urmulu@yahoo.com

بالابان یکی از آلات موسیقی ملی و رایج‌ترین آلت موسیقی بادی در آذربایجان است که دارای تاریخی بسیار کهن میباشد. اسم آن را در کتاب ده‌ده‌قورقوت نیز می‌توان یافت. این ساز بخاطر صدای شگفت‌انگیز و تاثیرگذارش به صورت گسترده‌ای میان اقوام همسایه مثل گرجستان، داغستان، ارمنستان و...استفاده می‌شود. کردها این ساز را نرمه نای و ارمنیها دودوک مینامند. «در سالهای اخیر تلاشهای بسیاری شکل گرفته که اصالت این ساز را منسوب به ملت خاصی جلوه دهند ولی بالابان متعلق به شرق و حتی بشریت می باشد حتی نمونه های قدیمی این ساز که در ژاپن و ترکستان چین و ایران کشف شده است نمایانگر این مساله میباشند که بالابان یکی از سازهای اولیه‌ای است که بشر ساخته است وسازیست به گستره جغرافیای شرق. صدای سحرانگیز بالابان چنان تاثیری در شنونده بوجود می آورد که وی را ناخودآگاه به تفکر وامی‌دارد و در حقیقت مانند نقبی است بر اعماق وجود انسان.»[1] محققان و موسیقیدانانی همچون اوزیر حاجی‌بیگ‌اف، بدل بیگلی، سلیمان علسگرف و... در رابطه با بالابان مطالب زیادی نگاشته‌اند. لغت بالابان در اصل از دو کلمه "بالا" (در ترکی به معنای کوچک) و " بان"[2] به معنای صدا یا ناله، تشکیل شده است و اگر به مفهوم موسیقایی آن توجه کنیم به معنای "ناله خفیف" یا "صدای غمگین" می‌باشد. بالابان نام یک پرنده شکاری نیز میباشد و عده ای براین باورند که انسان نخستین، ساز بالابان را از استخوان ساق پای این پرنده ساخته است، و وجه تسمیه این ساز بدین مساله بازمیگردد. در موسیقی‌های عاشیقی و ارکسترهای مختلف از این ساز بصورت تک نوازی و یا چند نوازی استفاده بسیاری می‌گردد و امروزه در ارکسترهای سمفونیک آذربایجانی بالابان جایگاه ویژه خود را یافته است.

طول بالابان ۳۷۰-۲۸۰ میلی‌متر می‌باشد و قمیش(دهانگیر) آن ۱۰۰-۹۰ میلی‌متر طول دارد که قسمتی از آن درون دهان قرار میگیرد. این ساز در جهان سازهای بادی دارای بزرگترین



قمیش میباشد. قمیش توسط یک بست چوبی انعطاف پذیری که خرک نام دارد احاطه شده است که در طول نی متحرک است و



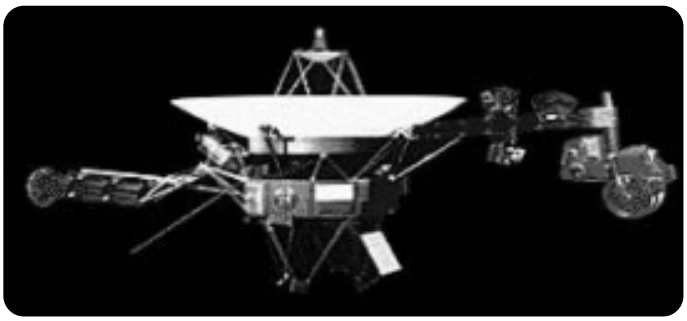
بر روی آن می‌لغزد. خرک برای کوک کردن بالابان می‌باشد و با حرکت دادن آن صدای بالابان تغییر می‌کند. ۸ یا ۹ سوراخ در جلوی بالابان و یک سوراخ در پشت آن وجود دارد. نوازندگان

---

[1] به گفته استاد حسین حمیدی

[2] بان (از مصدر بانلاماق) فقط بمعنی صدا نیست بلکه بمعنی آواز خواندن و یا صدایی زنده میباشد.

ماهر دائماً بوسیله حرکات لب لرزش زیبایی (ویبراتو) به آهنگ می‌دهند. در دونوازی معمولا نوازنده اصلی ملودی را می‌نوازد، و بالابان نواز دومی همواره در گامی ثابت زمینه‌های مناسب را ایفا می‌کند. به این نوازنده اصطلاحاً "دمکش" گفته می‌شود. دمکش غیرمنقطع و پیوسته می‌نوازد و همزمان با نواختن دائم از بینی تنفس می‌کند که کاری بس دشوار می‌باشد. گاهاً یک بالابان با سازهای کوبه‌ای همچون قاوال ، ناغارا و قوشاناغارا نیز همراه می‌شود. تمامی موغامها، آهنگهای رقص و فولکلوریک، ترانه‌های ملی و موسیقی‌های انسترومنتال با تمام جزئیاتشان با این ساز قابل ایفا می‌باشند.



افراد ماهر معمولاً از چوب درخت هلو یا زردآلو برای ساختن این ساز استفاده می‌کنند. محدوده صدایی آن شامل نت "لا" از اکتاو بم تا نت "دو" اکتاو بعدی می‌باشد و حتی بعضی نوازندگان ماهر می‌توانند با استفاده از حرکت لبهایشان نت "دودیز"، " ر"، و حتی "می بل" در اکتاو دوم را نیز ایفا کنند. در نوازندگی امروز بالابان، پوزیسیون‌ها (انگشت گذاری پیشرفته بالابان) بصورتی است که با گرفتن ۱/۲ سوراخ و یا ۱/٤ سوراخ نتهای کروماتیک (نیم پرده) و نتهای ربع پرده قابل ایفا میباشند. بالابان‌ها از لحاظ صدا به چهار نوع تقسیم می‌شوند: سوپرانو، آلتو، تنور و باس. در بسیاری از ارکسترها از تمامی این انواع و با گروهی چهار نفره استفاده می‌شود. این گروه چهار نفره به تنهایی و در غیاب سازهای دیگر میتواند مثل یک ارکستر کامل عمل کند.



دو فضاپیمای ناسا به نامهای VogagerI, VogagerII در ۲۰آگوست و ۵سپتامبر سال ۱۹۷۷ به فضا پرتاب شدند. یکی از وظایف این دوفضاپیما ارسال عکسها و اطلاعات از سیاره‌های مشتری، کیوان، نپتون، اورانوس و ... بود. وظیفه مهمتر این دو کشف حیات در ماورای کره خاکی بود. دانشمندان ناسا که این پروژه را سامان دادند روی احتمال وجود حیات در بیرون از کره زمین بسیار کنجکاو بودند. آنها می‌خواستند اگر موجوداتی زنده خارج از کره خاکی وجود دارند با آنها ارتباط برقرار کنند ونمونه‌هایی از زندگی انسان روی زمین مانند صداها، علم، تصاویر، موسیقی و افکار و احساسات بشر را برای آنها ارسال کنند. آنها گلچینی از بهترین موسیقی‌های جهان بمدت ۹۰ دقیقه و همچنین احوالپرسی به ۵۵ زبان مختلف وصداهای مختلف طبیعت و ۱۱۸ عکس دیجیتالی از حیات روی کره زمین را در هر دو فضاپیما قرار دارند. قرار شد این اطلاعات دائما از فرستنده های این دو سفینه به اعماق فضا ارسال شوند. این مجموعه بمانند یک بطری حاوی یک نامه که در اقیانوس رها می‌شود در فضا رها شد ولی آیا حیاتی در خارج از کره زمین وجود دارد و اگر وجود دارد این مجموعه به آنها خواهد رسید؟

انتخاب ۹۰دقیقه موسیقی برای دانشمند بزرگ "کارل ساگان" رهبر پروژه و متخصصان موسیقی ناسا کاری بس دشوار بود. زیرا این تیم می‌خواست کاملاً عادلانه عمل کند و در این گنجینه تمام جوانب جغرافیایی، قومی و گسترهٔ فرهنگی و سطح موسیقایی و... را در نظر بگیرد. سرانجام چند قطعه برای این کار در نظر گرفته شد.

در این انتخاب قطعه‌ای نیز از موسیقی آذربایجان در کنار قطعاتی از بزرگان موسیقی جهان مثل باخ، بتهوون، موتسارت و... قرار گرفت. این قطعه، موغام بسیار زیبایی بود که بوسیله دو بالابان نواخته شده بود. این موغام بوسیله رادیو مسکو در سال ۱۹۵۰ضبط شده بود و توسط آهنگساز آمریکایی هنری کول به آمریکا آورده شده بود. در آن زمان بسیاری غرق در حیرت صدای بالابان شده بودند و صدای مداوم دمکش، دانشمندان آمریکایی را به اشتباه واداشته بود و آنها تصور میکردند این قطعه توسط "نی انبان" نواخته شده است. قرار گرفتن این موغام در میان تعدادی موسیقی برگزیده دنیا خود مبین عظمت موسیقی موغامی آذربایجان همچنین زیبایی و قدرت ساز بالابان میباشد. زیرا این ۲۷ قطعه از بین هزاران نوع موسیقی در جهان انتخاب شده بودند. مثلا در کشور ایران ده‌ها نوع موسیقی وجود دارد و... با همین مقایسه به تنوع آن در دنیا میتوان پی‌برد.

ولی هنوز بالابان را آنطور که باید نشناخته‌ایم. همچنان صدای بالابان که کهکشان را می پیماید در میان ما غریب است. جای این ساز بادی همچون دگر سازهایمان در هنرستانهای موسیقی و تحصیلات آکادمیک خالی است و...

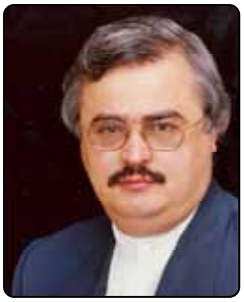
## منابع


http://voyager.jpl.nasa.gov/spacecraft/gdenrec.html
http://AzerbaijanInternational.com
http://sadsound.com



با تشکر از استاد حسین حمیدی

# پایانی با شکوه



دکتر علی اصغر شعردوست

**دکتر علی اصغر شعردوست در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. همزمان با تحصیلات رسمی به آموختن علوم حوزوی روی آورد. ایشان از نعمت مصاحبت با بزرگانی چون استاد شهریار، آیت الله قاضی طباطبایی و آیت الله مدنی برخوردار بوده است. وی در مبارزات مردم تبریز علیه رژیم ستمشاهی نقش ویژه ای داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسؤلیت صدا و سیمای تبریز را برعهده گرفت و نخستین ارکستر آذربایجانی را در این مرکز تاسیس کرد. دکتر شعردوست در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از طرف مردم تبریز انتخاب شد. از اقدامات موثر ایشان در این دوره نامگذاری روز وفات استاد شهریار به عنوان "روز ملی شعر و ادب" بوده است.**

**به هر پرنده که می‌رسید نغمه‌ای تقدیم میکرد** انگشتان سبزش را دستان سرد مرگ فشرد. همان انگشتانی که هر «گوشه» را که نوازش می کرد ترنمی بهارین جوانه می زد و قامت «راست» میکرد. دو نگاه روشنش را تیرگی خاک در خود فروپوشید. همان دو نگاهی را که در جست و جوی «شور»آفرین‌ترین نغمه‌های هستی بود. همو که دستان پربرکتش را به سوی ابدیت گشود؛ چون دو «بال کبوتر» که سینه به سینه در اوج کبود آسمان، ستاره شد. کاروانیان «گمشده» با «زنگ شتران» به منزلگاه گرد آمدند و او را، ساربان تنهای «دشتی» اساطیری در منزلگاه آخرین، رحل اقامت افکند و تکیه به دیوار گلین رباط داد. سر انگشتانش را در سینه فشرد: کو همراه لحظه‌های ناب تنهایی؟کجاست آن بهارینه ترنمی که «تار»های سیمینش با ضرب آهنگ قلب من در زیر انگشتانم می‌تپیدند؟... و چشمها فروبست بی‌آن که هنوز پاسخ تمامی «سلام»هایش را گرفته باشد. «سلام»هایی که نویدبخش عشق و دوستی بودند.



مردی سینه به سینه خاک فشرد که آهنگ باد و باران و لرزش برگ را می‌شناخت، که آهنگ رطوبت شبنم و غرش رود را احساس می‌کرد، آواز درختها را می‌شنید که گوش جان سپرده بود به زیر و بم خنیاگری طبیعت. مردی که پنهانترین «گوشه‌ها» و نواها در برابر او رخ می‌نمودند... مردی که در تلاطم اقیانوس عظیم انقلاب اسلامی، گوش جان به موجهای توفنده سپرد و در همنوایی با اقیانوس، سرود جنبش و خیزش از لبانش تراوید و در وصف آن امام عاشقان، نواها ساخت و سرودها پرداخت. استاد علی سلیمی مردی است که در سالهای آتش و خون، طنین رزم سروده‌هایش لرزه بر جان خصم افکند و «شور» در روح مردان مردی دمید که در کوه و «ماهور» تاختند و... کربلایی ساختند و کربلایی شدند. او که در گوشه‌ای از وطن مأوا گزید و در برابر دعوت اغواگرانه بیگانگان از جای نجنبید؛ ایرانی ماند و مسلمان رحلت کرد. پله پله از «گاه»های هستی گذشت و صعود کرد و... روح به عرش کشاند. مردی سبکروح که کوله‌بار سنگین تمام آوازهای جهان را بر دوش خود داشت و به هر پرنده که می‌رسید نغمه‌ای تقدیم می‌کرد. اکنون سینه زمین می‌تپد، زیرا که میزبان تپشهای ناتمام او شده است. می‌توان گوش بر خاک نهاد و صدای تمام نغمه‌های روی زمین را شنید. دنیای باقی اینک در به سوی مردی گشوده است که سروده‌ها و نغمه‌هایش اخلاص و صفای روحش را می‌تراویدند. چه سان می‌توان او را فراموش کرد؟ او را میتوان شنید و همواره احساس کرد. او با سر انگشتانش «حصار» دنیا را شکست و به «قطار» جاودانه در سفر ابدیت پیوست. مانند «بسته‌نگاری» که دل در گرو دلبر از ایل و قبیله دل کند و «شکسته قره‌باغ» بر لبانش

جاری گشت و رفت. گامهای آشفته موسیقی همواره در پی او «مویه» خواهند کرد و سمفونی ناتمام هستی او، در جست و جوی پایانی باشکوه برای آخرین بند خود خواهد بود. پرندگان در کنار پنجره اتاق خاموشش پنهانی‌ترین آواز ققنوس را سر خواهند داد تا مگر بادهای پریشان، طنین آواز آنان را به گوش مرد کهنسال رسانند و مرد این گونه پاسخ «سلام»هایش را بگیرد. مردی که وقتی به میهمانی دنیا آمد در دستانش گل سلام روییده بود:«سیزه سلام گتیرمیشم...» و اکنون که میرود نیز... گلبرگهای شبنم آگین سلامهای ما را با خود می برد... اینک در این شامگاه که درای کوچ او در جان و جهان طنین افکنده است، ما والهان به سلام آمده‌ایم! قاتار قاتار دورنالاردان سنه سلام گتیرمیشیک!

آغاز موسیقی ایران زمین را، همگام با نخستین مراحل تشکل فرهنگ و تمدن ایرانی دانسته‌اند. اگر چه درباره موسیقی باستانی ایران آثار و منابع چندان زیادی در دست نیست، اما با استناد به همین منابع معدود و معلومات محدود میتوان اذعان داشت که بسیاری از گونه‌های موسیقی سنتی و مقامی امروز اشکال و فرمهای پیشرفته و متکامل همان الحان و نغمات باربدی و نیز خسروانیهاست. این نظر درباره سازهای ایرانی نیز صادق است. در دوره پیش از اسلام، موسیقی نیز همچون شعر، مردم‌گریز و خاص درباریان بود. به‌عنوان مثال باربد یکی از برجسته‌ترین موسیقیدان دوره باستان، آهنگساز و نوازنده دربار خسروپرویز بوده است. البته این خصیصه در ادوار بعد هم ادامه می‌یابد؛ اما بتدریج تحت تاثیر نگره اسلامی، شعر و موسیقی ایرانی دایره دربار را در می‌نوردد و صبغه مردمی و ملی به خود می‌گیرد. موسیقی ایرانی در رشد و شکوفایی خود از دو عامل اثر بیشتری می‌پذیرد؛ یکی، از این عوامل فرهنگ و معارف اسلامی و دیگری، فرهنگهای قومی مسلمانان است و بدینسان موسیقی ایرانی رنگ و رایحه‌ای دیگر می‌گیرد. به اعتبار همین پیوند با فرهنگ اسلامی و نیز فرهنگهای قومی مسلمین، چندان صلابت و جذابیتی می‌یابد که در همه بلاد اسلامی مورد توجه قرار میگیرد، و آواها و نواهای ایران از شبه‌قاره‌های هند تا آسیای صغیر شور می‌افکند و همنوا با اشعارش دل و جان سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی را به جنبش وامی‌دارد. در پیدایش و شکوفایی گونه‌های مختلف موسیقی سنتی و نیز شعرها و گوشه‌های آن همه اقوام ایرانی سهیم‌اند. با توجه به اینکه آذربایجانیها از اقوام اصیل ایران زمین‌اند، نقش آنان در رشد و تکامل موسیقی ایرانی ستودنی است. در تاریخ موسیقی دوره اسلامی، صفی‌الدین اورموی «۶۱۳-۶۹۳ه.ق)و عبدالقادر مراغه‌ای «متوفی به سال: ۸۳۷ ه.ق» نام و آوازه‌ای دنیاگیر دارند. صفی‌الدین اورموی مؤلف آثار گرانسنگی چون رساله شرفیه و کتاب‌الادوار است. هر دو کتاب به عربی تألیف شده و از این روی در رشد موسیقی عربی، تاثیر شایسته‌ای داشتند. افزون بر این، کتابهای اورموی به زبانهای اروپایی نیز ترجمه شده و مورد توجه و استفاده موسیقیدانان و نظریه‌پردازان غربی قرار گرفته است. از جمله می‌توان به ترجمه فرانسوی «بارون دولانژه» اشاره کرد«۱۹۳۷م». اورموی مخترع سازی به نام "مغنی" بوده‌است «و گویند آن ترکیبی از قانون و رباب و نزهه بود.» عبدالقادر مراغه‌ای نیز پدید آورنده آثار برجسته‌ای چون مقاصدالالحان و جامع‌الالحان است. وی همچنین رساله‌ای در شرح کتاب‌الادوار صفی‌الدین اورموی نوشته است. عبدالقادر نغمه‌های موسیقی را که خود ساخته، در کتابی به عنوان کنزالالحان به خطی مخصوص تحریر کرده بود. از این منظر وی را میتوان از نخستین مبدعان نوعی خط نت دانست. موسیقی ایرانی(همه ملل و اقوام ایرانی) با عبور از دالانهای دور و دراز تاریخ، شاخه‌های متعدد و متنوعی می‌یابد؛ موسیقی سنتی آذربایجان خود شاخه‌ای از این درخت تناور است که، در شرایطی اقلیمی و جغرافیایی خاص و نیز در بستر فرهنگ قومی و زبانی آذربایجانی، رنگها و فامهای دلپذیر نوینی یافته است. البته نمی‌توان ادعا کرد که موسیقی فلکلوریک و عاشیقی آذربایجان، همچنین موسیقی مدرن آذربایجانی اعم از سمفونیک، اپرایی و... اشکالی از موسیقی کهن پیشینه ایرانی است، هر چند تاثیر و تاثر متقابل موسیقی سنتی و موسیقی ملی‌ـمحلی عاشیقی و مدرن را نمیتوان انکار کرد. موسیقی آذربایجان از نظر تعدد و تنوع گونه‌ها و نیز رشد و پیشرفت در شرق کم‌نظیر است و بر اساس چنین واقعیتی است که محروم سعید نفیسی، در زمینه موسیقی، آذربایجان را «ایتالیای شرق» می‌نامید. از میان گونه‌های متعدد موسیقی آذربایجانی، موسیقی موغامی با موسیقی مقامی فارسی پیوندی آشکار و استوار دارد. این پیوند و همانندی پیامد طبیعی اشتراک فرهنگی اقوام ایرانی است. در زمینه موسیقی موغامی، گونه فارسی و آذربایجانی تنها با تفاوت زبان «در شعر و آواز»و به تبع آن تفاوت لهجه، در موسیقی از هم متمایز می‌شوند. موسیقی آذربایجانی در دوره معاصر با اتکا به میراث گذشتگان «در زمینه موسیقی موغامی و در زمینه موسیقی عاشیقی و محلی» و نیز با رویکرد به موسیقی غرب به ویژه موسیقی آلمان توانسته است به جایگاهی شایسته در جهان دست یابد. در رشد و شکوفایی موسیقی معاصر آذربایجان نقش موسیقیدانان برجسته جمهوری آذربایجان قابل توجه است. هنرمندان بزرگ و پرآوازه‌ای همچون قارا قارایف، مسلم مقامایف، فکرت امیروف، احمد باکیخان اف، جهانگیر جهانگیراف در پایه‌گذاری مکتب موسیقی آذربایجان و تدوین اصول و مبانی نظری آن زحمات و مشتقات بسیاری را برتافته‌اند. اینان در شرایط سختی ـــ چون دوره استالینیسم ـ که هنرمندان را به روی برتافتن از اصالتهای قومی و ملی و هماهنگی با الگوهای هنری غربی برای رسیدن به فرهنگ و هنر واحد سوسیالیستی یا روسی وامی‌داشتند، همه توش و توان خود را در حفظ و اشاعه هنر اصیل و ملی بکار

گرفتند. در میان چهره‌های جهانی موسیقی آذربایجانی، استاد علی سلیمی جایگاه شایسته‌ای دارد. وی در سال ۱۳۰۱ ه.ش در یک خانواده مهاجر ایرانی در باکو به دنیا آمد. پدرش ظهراب، که از روستای مهماندوست اردبیل برای کار به قفقاز رفته بود، مردی سختکوش، صمیمی و متدین بود؛ مادرش نیز حافظ قران بود.در سالهای کودکی، با وجود عشق و علاقه به موسیقی، تا مدتی نمی‌تواند به آرزوی خود مبنی بر آموزش موسیقی نایل شود. سرانجام خانواده‌اش در برابر استعداد و علاقه او تسلیم می‌شوند و معلمی برایش می‌گیرند. سلیمی در همان اول کودکی چندان هنر و



استعداد از خود نشان می‌دهد که معلم نزد پدرش شکایت می‌برد که: «فرزندت سرکش و گستاخ است و کارهای خارج از موضوعات درسی را نیز تمرین می‌کند...» معلم موسیقی پس از آن حاضر نمی‌شود درس را ادامه دهد. حدود یازده سالگی در مدرسه موسیقی کشتیرانی ـ که پدرش کارگر آنجا بود ـ ثبت‌نام میکند. اما روند تحصیل چندان رضایتبخش نبود. سرانجام پدرش او را نزد موسیقیدان بزرگ احمد باکیخان‌اف می‌برد. استاد علی سلیمی درباره آشنایی‌اش با باکیخان‌اف مینویسد:

«احمد باکیخان‌اف هیبت و قدرتی داشت. عظمت این مرد بزرگ، آدمی را سخت تحت تاثیر قرار می‌داد. من افتخار میکردم که به شاگردی او نائل شده بودم. با گرمی و محبت مرا پذیرفت و با عشق و علاقه خاصی مرا آموزش داد. چند سالی که با این هنرمند شایسته کار کردم خیلی چیزها آموختم.» بعدها هنر سلیمی مورد قبول و تحسین استادش قرار میگیرد و در کنسرتهای باکیخان‌اف شرکت و با وی همکاری می‌کند. در دوره حاکمیت استالین ایرانیانی که حاضر نمی‌شوند تابعیت روسیه را بپذیرند از قفقاز اخراج میشوند. استاد سلیمی نیز به همراه خانواده‌اش با کشتی به ایران می‌آید. مدتی در قائمشهر کنونی در خانه خاله‌اش زندگی می‌کند. سلیمی هنرمند، پس از چندی راهی تهران می‌شود و به رادیو مراجعه می‌کند تا شاید کاری پیدا کند؛ اما موفق نمی‌شود. فقر و بیکاری روز به روز او را در هم می‌فشرد. سرانجام روزی خبر تشکیل ارکستر بزرگ آذربایجانی را در رادیو ایران شنیده و به همراه داوطلبان بسیاری در آزمونی شرکت می‌کند. هنر سلیمی اعجاب و تحسین شورای موسیقی آن روزگار را که مرکب از اساتیدی چون مشیر همایون ، روح الله خالقی، ابوالحسن صبا، حسینعلی ملاح و... بودند، برانگیخت. او برای اعضای شورا توضیح داد که آهنگسازی، هارمونی و کنترپوان را در مدرسه آموخته است. اعضای شورا که همه از استادان برجسته موسیقی بودند جایگاه سلیمی را چندان برتر یافتند که در همان آغاز کار او را به رهبری ارکستر بزرگ آذربایجانی انتخاب کردند. بدینسان راه تازه‌ای در زندگی شخصی و هنری استاد سلیمی گشوده شد. وی به سال ۱۳۳۸ ازدواج کرد. با تغییر اعضای شورای موسیقی و انتصاب کسانی دیگر از سوی دربار، کار ارکستر آذربایجانی نیز مختل شد و استاد سلیمی نیز مانند اساتید دیگر از رادیو و تلویزیون اخراج شد. مدتی بعد از سوی وزارت فرهنگ و هنر تشکیل ارکستر آذربایجانی به استاد پیشنهاد می‌شود. در پی تشکیل ارکستر «حدود سال ۱۳۵۲» کنسرتی در تالار رودکی ترتیب می‌یابد. این کنسرت نقطه عطفی در تاریخ حیات استاد سلیمی به شمار میرود. در کنسرت تالار رودکی سرود «حیدربابایه سلام» و نیز سرود «سیزه سلام گتیرمیشم» در حضور استاد شهریار اجرا شد. آن روز آغاز دوستی و مؤانست چند ساله دو استاد فاضل و فرهیخته هنر و ادب بود. استاد سلیمی درباره این دیدار و آشنایی تاریخی می‌گوید: «من سه قسمت از حیدربابا را گلچین کردم و بر روی آنها آهنگ ساختم. وقتی شهریار آنها را شنید، گفت تواصیل‌ترین قسمتها را برگزیده‌ای. شهریار خود نیز اهل موسیقی بود و تاثیر عمیقش بر روی من هنوز هم باقی است».

کار ارکستر آذربایجانی با همراهی و همکاری بزرگانی چون بیگجه‌خانی و دادستانپور چندان درخشید که آوازه‌اش همه سوی و همه جای را در نوردید. پس از چندی به همت استاد سلیمی، ارکستر به تبریز منتقل شد. اما رژیم ستمشاهی مانع فعالیت آن شد. در سالهای پیش از انقلاب اسلامی به ویژه سالهای پایانی عمر شوم رژیم، در حالی که نوعی موسیقی مبتذل و سخیف ـ که از آذربایجانی بودن جز زبان آذربایجانی ترانه‌های بسیار مبتذل هیچ نشانه‌ای نداشت ـ در آذربایجان ترویج داده می‌شد. هر گونه توجه به موسیقی اصیل و علمی مغضوب و مقهور بود. خود استاد نیز در گفتاری ضمن اشاره به توقف کار ارکستر در تبریز می‌نویسد: «حکومت، موسیقی سالم و درست را نمی‌خواست و به این جهت

جلوی کار را سد می‌کرد». اما با آغـاز قیـام قهرمانانـه تبریـز در ۲۹ بهمن ۱۳۵٦ استاد سلیمی و یارانش دگرباره پای در میدان نهادند؛ و با خشم سرودهای خود آتـش در جـان خصـم افکندنـد. نخسـتین سرودهای انقلابی در تبریز توسط استاد سلیمی سـاخته شـد. راقـم این سطور که در سالهای اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایـران مسئولیت صدای جمهوری اسـلامی ایـران در آذربایجـان شـرقی را عهده‌دار بودم اولین ارکستر آذربایجانی بعد از انقلاب اسلامی را در صدا و سیمای مرکز تبریز به رهبری اسـتاد سـلیمی در سـال ۱۳۵۹ تاسیس کردم. استاد بـا تاسـیس ایـن ارکسـتر و سـاخت آهنگهـای مناسب نقش قابل توجهی در بیان مفاهیم انقلابی و اسلامی با زبـان موسیقی و در قالب سروده‌های انقلابی ایفا کرد و در سـالهای بعـد، به ویژه سالهای دفاع مقدس نیز، این حضور آکنده از شور و شـعور انقلابی دوام و قوامی صدچندان یافت. نکته‌ای که در اینجا نمی‌توان از آن با تسامح گذشـت تـاثیر سـرودهای حماسـی آذربایجـانی بـر پیدایش سبک حماسی در سرودهای فارسی است. بخصوص اینکـه برخی از آهنگسازان و خوانندگان سرودهای حماسـی فارسـی نیـز آذربایجانی و آشنا به موسیقی آذربایجان بودند. البته تجربه‌هایی کـه آهنگسازان جمهوری آذربایجـان در ایـن زمینـه داشـتند و آشـنایی نزدیک استاد سلیمی با این تجارب موفق در پیـدایی سـبک خـاص سرودهای دفاع مقدس نقش بسزا داشت. استاد علی سلیمی پـس از انقلاب در تبریز ماندگار شد و همه توش و توان خـویش را در راه اعتلای موسیقی اصیل آذربایجانی به کار گرفت. استاد، بـی‌اعتنـا بـه فراخوانهای وسوسه‌انگیز برخی کشورهای خارجی، ایران اسلامی را سرای جاودانه خویش می دانست. در اسفند ماه ۱۳۷۵ دچار سـکته مغزی شد و سرانجام روز چهارشـنبه سـوم اردیبهشـت مـاه ۱۳۷٦ ساعت ۱۰ صبح تبریز سیه‌پوش سفر کرده‌ای شـد کـه خـود سـفیر شور و شادی بود. پیکر آن هنرمند روز جمعه پـنجم اردیبهشـت از محل مقبره‌الشعرای تبریز-که دوست و همراهش شهریار بزرگ شعر و ادب سالها پیش در آنجا آرام یافته بـودـتشـییع شـد و در قطعـه هنرمندان وادی‌رحمت چونـان دری شـهوار در میـان مرواریـدهای دیگر هنر جای گرفت. در کارنامه استاد بیش از پانصد اثر ارزشـمند ثبت شده است. آهنگها و سروده‌های ملی و محلی، آهنگهای بـدون کلام، موسیقی متن فیلمهای مستند، داستانی و سینمایی، سروده‌های انقلاب و دفاع مقدس و... گونه‌هـا و فامهـای مختلـف هنـر اسـتاد است. برخی از آثار استاد سلیمی نه فقط در کشورهای تـرک زبـان، بلکه در همه جای دنیا شناخته شـده‌انـد و مشـهورند. از ایـن میـان می‌توان به سروده‌های «آیریلیق»، «حیدربابایه سـلام»، «سـیزه سـلام گتیرمیشم»، «آنا وطن» و ... اشاره کرد. «آیریلیق» به عنوان یـک اثـر درخشان توسـط هنرمنـدان ایـران، جمهـوری آذربایجـان، ترکیـه و جمهوری‌های آسیای مرکزی به کرات اجرا شده است. حتی برخـی خواننده‌هایی که خود آذربایجـانی زبـان نیسـتند مسـحور ایـن اثـر جاودانه شده‌اند. در دهه چهل که رشید بهبودوف، خواننده بزرگ و جهانی اپرا برای اجرای کنسرت به تهران سفر کرده بود، بـه شـدت تحت تاثیر آهنگ «آیریلیق» قرار گرفت و پارتیتور آن را با خود برد. جالبتر اینکه بهترین اجرای «آیریلیق» توسط رشید صـورت گرفـت. شـعر «آیریلیـق» از شـاعر ترانـه‌سـرایی بـه نـام رجـب ابراهیمـی (فرهاد)است. فرهاد متولد روستای کورعباسلو از توابع نیـر اردبیـل است و برای بسیاری از آهنگهای استاد، شعر سروده است. آخـرین اثر مشترک این دو هنرمند سروده‌های مشروطیت و سرداران شـهید آذربایجان است. سرود دیگری که شهرت جهانی دارد، «سیزه سـلام گتیرمیشم» در اصل شعر: «سیزه سوقات گتیرمیشم» است. شعر ایـن سرود از شاعر معاصر آقای محمود دست‌پیش(واله) می‌باشد. سرود «حیدربابا» نیز که پیش از این بدان اشـارت رفـت، از آثـار شـناخته استاد به شمار می‌رود.

آهنگ «ایماما سلام» را که در سـتایش حضـرت امـام خمینـی (ره) است، می‌توان از درخشانترین سروده‌های انقلاب اسـلامی دانسـت. بسیاری از آهنگهای استاد سلیمی هنوز اجرا نشده‌انـد. ایـن آهنگهـا حاصل تلاش اسـتاد در سـالهای پـس از دفـاع مقـدس اسـت، کـه امیدواریم با همت اخلاف هنرمند وی بـه اجـرا درآینـد. مهمتـرین خدمتی که استاد علی سلیمی به موسیقی ایران کـرده، تـدوین همـه گونه‌ها، گوشه‌ها، و شعبه‌های موسـیقی موغـامی آذربایجـان اسـت. چنین کار سترگی برای نخستین بار در جهان توسط اسـتاد صـورت گرفته است. البته پیش از این هنرمندان بزرگی به گردآوری گوشه‌ها و شعبه‌های موسیقی موغامی آذربایجان همت گماشـته بودنـد، امـا کار هیچ یک از آنان کامل و بی‌نقص نبـود. اسـتاد سـلیمی پـس از پژوهشهای پیگیر، همه گونه‌ها و گوشه‌های فراموش شده موسـیقی موغامی را نیز گردآورده و مجموعه‌ای اکمل و اتم ارائه کرده است؛ نکته‌ای که در این گفتار باید بدان اشاره کرد ایـن اسـت کـه اسـتاد سلیمی، افزون بر آهنگسازی و رهبری ارکسـتر، چیـره‌دسـت‌تـرین نوازنده تار آذربایجان بود.در ارکسترهای آذربایجانی معمولا نوازنده تار، رهبری ارکستر را بر عهده دارد. البته ناگفتـه پیداسـت کـه هـر نوازنده‌ای نمی‌توانـد چنـین مسـئولیتی را بـر گـردن بگیـرد؛ بلکـه ماهرترین و استادترین تارنوازان به ایـن جایگـاه مـی‌رسـند. اسـتاد سلیمی نیز نخست در سالهای کودکی با تار مؤانست یافت و سـپس در پی گذراندن آموزشها و تحصیلات لازم و نیز به یـاری اسـتعداد درخشان خود در این زمینه به موفقیت دست یافت و پایـه هنـریش بعدها تا رهبری ارکستر ارتقا یافت. استاد سلیمی به دلیل مطالعـات گسترده‌ای که در زمینه موسیقی آذربایجانی و ایرانی و نیز موسـیقی ملل جهان داشت، در نظریه‌پردازی موسیقی هم چهـره‌ای شـاخص بود. در این زمینه می‌توان به مقالات و یادداشـتهای او و نیـز کتـاب تار آذربایجانی اشاره کرد. در میان نظریات استاد، عـلاوه بـر طـرح مبحـث تـازه‌ای در زمینـه مبـانی علمـی موسـیقی و نیـز قابلیتهـا و

امکانات بالفعل و بالقوه موسیقی آذربایجانی، به برخی اندیشه‌های والایی برمی‌خوریم، که به نوعی، ریشه در عرفان ایرانی دارد؛ در عین حال مبین آگاهی و اندیشه ژرف اوست: «موسیقی زمان نمی‌شناسد و شب و روز را در تحرک آن جایی نیست و چون دارای این خاصیت است لاجرم از دروازه‌های زمان می‌گذرد و در بی‌انتهایی به ابدیت می‌پیوندند. به این دلیل فلسفه ماندگاری صدا مطرح می‌شود و این جریان سیال همچنان در تاریخ به گردش روحانی خود ادامه می‌دهد و موانع زمینی را یارای مقابله با آن نیست. موسیقی ذاتا از هر گونه آلودگی و کجروی مبراست و باعث تزکیه نفس است؛ زیرا ریاضتی آگاهانه را می‌طلبد و هرکس این رنج را به خود روا دارد، نمی تواند فاسد باشد» برای رسیدن به موسیقی سالم و سازنده هنرمندان باید رنج و ریاضتی آگاهانه و مسؤولانه را برتابند و «افراد شایسته را برای خود الگو قرار دهند».

بی‌شک زندگی و هنر چهره درخشانی چون استاد علی سلیمی باید توسط محققان و منتقدان هنر، پژوهیده شود. این مختصر تنها به قصد یادکردی از دوستی بزرگوار و انسانی خدوم به تحریر درآمد و گرنه چنین تلاشی در حوزه موسیقی وتکریم استاد سلیمی جز حضوری خجلت‌زده در برابر پهنای دریا نخواهد بود. بندی از شعر آیریلیق را آذین اختتام مقاله قرار می‌دهد.

**فکریندن گئجه‌لر یاتا بیلمیرم**
**بوفکری باشیمدان آتا بیلمیرم**
**نئیله‌ییم کی سنه چاتا بیلمیرم**
**آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق**
**هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق....**

## موغام

**داش اورکلرده یانیب، داشلاری سیندیردی موغام**
**حاقا دوشمان اولانی، حاقا تاپیندیردی موغام**
**نه گومان ائیله میسن اونداکی طیلسیملری‌سن**
**کورو آهی‌ایله قوروتدو، سالی یاندیردی موغام**
**اونون هر گوشه‌سی بیر خاطیره، بیر جانلی کیتاب**
**کئچیلن یوللاری هردن بیزه آندیردی موغام**
**سو چیلر، کینلی اورکلرده غضب تونقالینا**
**نئچه قصدین اؤنونو کسدی دایاندیردی موغام**
**او اورک یانقیسی، گؤز یاشلاری بیر چنگه بولود**
**اویادیب یادداشتی ویجدانی اوتاندیردی موغام**
**دفن ائدین سیز منی زابول سئگاهین مایه‌سینه**
**دئییرم بلکه منی بیر گون اویاندیردی موغام**
**چوخ کیتابلار اوخودم ظن ائله‌دیم بختیارام**
**منه چوخ مطلبی آهیسته‌جه قاندیردی موغام**

***«بختیار واهابزاده»***

## دوغو آذربایجان هفته سی

**بهمن آیینین ۵ ـ۷ـ جن، بهمن مدنیت اوْجاغیندا، «دوْغو آذربایجان» (شرقی آذربایجان) آدینا کولتور هفته‌سی کئچیریلدی. بوُ هفته‌ده موختلیف برنامه‌لر ایجرا اوْلوندو. تئاتر، موسیقی کوْنسرتی، شعر آخشامی و کیتاب سرگیسی بوُ برنامه‌لردن ایدی. هر گئجه آذربایجانین عاشیق و باشقا موسیقی قوروپلاری چیخیش ائتدیلر. موسیقی پروْقراملاری بئله‌ایدی:**

**بیرینجی گون، «میشوْ» عاشیق قوروپو و «دان اوُلدوزو» موسیقی آنسامبلی**
**ایکینجی گون، «آذربایجان عاشیقلاری» و پیانو رسیتالی و «آیدا» موسیقی قوروپو**
**اوچونجو گون، «دنیز» و «ساوالان» عاشیق قوروپلاری و«آراز» موسیقی آنسامبلی**
**دؤردونجو گون، «خوْش خبر» عاشیق و «ائل سئور» موسیقی قوروپو**
**جومه گونو، «بهمن» عاشیق قوروپو و «هارای» موسیقی و رقص آنسامبلی**
**شنبه گونو، «وطن» و «دالغا» عاشیق قوروپلاری و «ائل سئور» موسیقی قوروپو**
**بوُ بیر هفته ایچینده آذربایجانین بیر سیرا اؤزَللیکلری موختلیف پروقراملار فوْرماسیندا گؤستَریلدی.**



# مصاحبه با مهلت مسلم‌اف

مترجم : امین شیخ الاسلامی



***در تاریخ ۲۴ و ۲۵ آذرماه کنسرت موسیقی آذربایجانی با نام "صدای خاطره‌ها" در تالار وحدت تهران برگزار شد. این ارکستر با تنظیم "مهلت مسلم‌اف"، و با خوانندگی هنرمند پیشکسوت "تیمور مصطفی‌اف" و هنرمند جوان "فیروز سخاوت(ممداف)" برنامه‌های خود را اجرا کرد.از فرصت پیش آمده استفاده نموده و با نوازنده برجسته تارآذربایجانی استاد "مهلت مسلم‌اف" مصاحبه‌ای ترتیب دادیم. گفتگوی زیر حاصل نشست ما با ایشان میباشد.***

***ـ استاد مهلت مسلم اف! با سلام و تشکر از وقتی که در اختیار نشریهٔ دالغا قرار دادید، میخواستم ابتدا مختصری از بیوگرافی خود وکارهای هنریتان برایمان بگویید.***

در شهر باکو و درخانواده ای از طبقهٔ کارگر چشم به جهان گشودم که به شعر وادبیات و موسیقی آذربایجان عشق میورزیدند. محیط خانواده مرا از کودکی علاقمند به موسیقی آذربایجان و علی‌الخصوص تار آذربایجان نمود. در ۱۰ سالگی برای یادگیری تار وارد مدرسهٔ ابتدایی موسیقی شدم و دورهٔ ۵ سالهٔ آموزش تار را دراین مدرسه گذراندم. سپس با تأیید و تشویق اساتید وارد مدرسهٔمتوسطهٔ موسیقی و بعد از آن مدرسهٔ عالی موسیقی (کنسرواتوار) شدم و به مدت ۱۰سال نیز دراین دو سطح از محضر اساتید بنام تار آذربایجان همچون ممدآغا کریم‌اف ، حاجی ممداف ، احسن داداش اف، بهرام منصوراف، ممدآغا مرادف وحبیب بایرام‌اف استفاده نمودم. ایده‌ال من در تارنوازی استاد احسن داداش‌اف بوده است. هم اکنون استاد دانشگاه موسیقی آذربایجان، استاد کنسرواتوار ملی آذربایجان،رهبرگروه احمدباکی خان اوف در رادیوتلویزیون ملی آذربایجان و سولیست گروه موغام جبار قاریاغدی اوغلو میباشم. دربیش از ۴۰کشور دنیا ایفاگر موسیقی آذربایجان بوده‌ام. آثارم درقالب کاست وCD در بیش از۲۰کشور دنیا عرضه شده و در آرشیو رادیوی بسیاری از کشورها موجود می باشد. ۴۹ساله، متأهل وصاحب ۳فرزندو۲نوه هستم.

***ـ سیستم آموزش موسیقی مخصوصا در زمینهٔ تار چگونه است؟***

درجمهوری آذربایجان علاقهٔ زیادی به تار وجود دارد. کودکان برای آموزش تار از سنین نونهالی(حداکثر۱۰سالگی) تحت تعلیم قرار می‌گیرند. در این صورت است که میتوان کودک را در قالب برنامهٔ منظم ودقیق آموزشی تا درجهٔ حرفه ای تعلیم داد. باید بگویم برای رسیدن به درجهٔ استادی در نوازندگی تار آذربایجان شروع از ۱۵ سالگی واقعاً دیر است. یکی دو سال نخست عمدتاً طریقهٔ صحیح گرفتن تار برروی سینه و قرارگیری مچ دست به نوآموز یاد داده می شود. برای این منظور، تارهای کوچکتری متناسب با توان او تهیه می شود. چون گرفتن تار با ابعاد معمول روی سینه برای کودک مشکل است. این مرحله همچون یادگیری الفبا قبل از آموزش زبان است. بعدازاین کم کم ترانه های ساده را می آموزد وبا یادگیری نت ها پیس های کوتاه را می نوازد. بعد از این مراحل است که آموزش موغام های کوتاه وساده شروع میشود. پنج سال نخست اینگونه به پایان میرسد. در صورتی که اساتید در پایان این پنج سال تشخیص دهند که نوآموز دارای استعداد و آیندهٔ موسیقایی است اجازهٔ ادامهٔ تحصیل موسیقی را به او می دهند و بدین ترتیب او وارد مدرسهٔ متوسطهٔ موسیقی می شود که مدت تحصیل در این مقطع هم ۵ سال است. بعد از گذراندن دورهٔ متوسطه وتایید اساتید امکان ادامهٔ تحصیل به مدت ۵سال در مدرسهٔعالی موسیقی(کنسرواتوار) به شخص داده میشود. باگذراندن این سه دوره که مجموعاً ۱۵سال به طول می‌انجامد، همهٔریزه کاریها ونکات آموزشی موسیقی (اعم از موغام و موسیقی ملل وکلاسیک) آموخته می‌شود. کلاً میتوان گفت که این مراحل آموزش مانند مراحل ساخت یک ساختمان است که از پی شروع می‌شود و همهٔکارها به ترتیب انجام میگیرد تا در نهایت ساختمان کامل شود.

**برای رسیدن به درجهٔ استادی در نوازندگی تار آذربایجان شروع از ۱۵ سالگی واقعاً دیر است.**

***ـ استادا درمورد تاریخچهٔ تکامل و دگرگونیهای صورت گرفته درتارآذربایجان توسط اساتید فقید "صادق‌جان" و"اوزیرحاجی‌بیگ‌اف" توضیح مختصری بدهید.***

درسرزمین ما هم قبل از استاد مرحوم"صادق جان" تار در روی زانو نواخته می شدو۵ سیم داشت. صادق جان ۵سیم رابه ۱۱سیم وتعدادپرده ها را به ۲۲رساند وتار را از روی زانو به سینه آورد. تنظیم پرده های تار توسط استادجاویدان موسیقی آذربایجان"اوزیرحاجی‌بیگ‌اف" طوری صورت گرفت که از موسیقی هند و فارس کاملاً متمایز گردید.این دو استاد، تار را به حدی از کمال رساندند که به نظر من اکنون تارآذربایجان سلطان بلامنازع آلات موسیقی دنیاست واین را در ارکسترهای بزرگ همه جای دنیا به اثبات رسانده است. با تغییراتی که این دو استاد بزرگوار از۱۵۰سال پیش از این روی تار انجام داده اند، این ساز قادر است سیستمهای بسیار پیچیدهٔ نوتیک را ایفا کند.

البته درکتیبه‌هایی که از تمدن **سومر**(که تاریخدانان آنرا از تمدنهای ترک باستان می دانند)به یادگار مانده اند، نوازنده‌هایی تار به دست وجود دارند که تار را روی سینه گرفته‌اند و این نشان میدهد که در اصل نیز تار آذربایجان روی سینه نواخته میشده‌است.

***ـ آیا استفادهٔ اندک از یک چهارم پرده هاباعث نمی شود که ما از موسیقی شرق فاصله بگیریم؟***

خیر؛در تار آذربایجان در کنار پرده های اصلی ،۵ تا از این ربع پرده ها هم وجود دارندکه در بعضی از موغام ها برای گرفتن صداهای یک چهارم از آنها استفاده می کنیم.

***ـ موسیقی را در آذربایجان جنوبی چگونه می بینید؟ توصیهٔشما برای فعالیت آذربایجانیهای این سوی آراز در زمینهٔ موسیقی آذربایجان چیست؟***

اشخاص برجسته موسیقی آذربایجان جنوبی استاد علی سلیمی و استاد عادل آخوندزاده میباشند که این دو استاد بزرگوار هم تحصیل کردهٔ آذربایجان شمالی و از شاگردان احمد باکی‌خان‌اوف می باشند. جمعیت جمهوری آذربایجان ۸ میلیون نفر است اما در ایران چند برابر این تعداد نفوس آذربایجانی زندگی می کنند.با این وجود، هزاران افسوس که در اینجا برای این جمعیت ،حتی یک مدرسهٔ رسمی موسیقی آذربایجانی وجود ندارد. این درحالی است که هنرستانها و مدارس موسیقی فارسی دایر است. با توجه به جمعیت آذربایجان جنوبی وعشق وعلاقه ای که دربین توده مردم آن نسبت به موسیقی آذربایجان وجود دارد، این اطمینان را به شما می دهم که در صورت آموزش آکادمیک موسیقی آذربایجانی در اینجا ،صدها استادموسیقی از آذربایجان جنوبی برخواهند خواست.

در اینجاعاشقان تار آذربایجانی بسیارند. من در همهٔ مصاحبه هایم به علاقهٔ شدید وعشق آذربایجانیان ایران به موسیقی آذربایجان اشاره کرده ام. در مقابل این علاقه، ماهم در اندازهٔ توان برای اجرا به این سوی آراز می آییم ولی این اصلا رضایتبخش نیست. باید همچنانکه برای تار شیراز هنرستانهای رسمی وجود دارد،برای تار آذربایجان نیز هنرستانهای رسمی دایر شود.

ما همه آمادهٔ یاری شما در مسیر احیای موسیقی آذربایجان در پارهٔ جنوب آراز هستیم. در صورت ایجاد مدرسهٔرسمی، ما نیز با نهایت حس همکاری از هیچ کمکی مضایقه نخواهیم کرد. در اینجا باید از صفر شروع کرد. من اطمینان دارم که در صورت وجود

**همچنانکه برای تار شیراز هنرستانهای رسمی وجود دارد،برای تار آذربایجان نیز باید هنرستانهای رسمی دایر شود.**

مدرسهٔرسمی موسیقی،هزاران خانواده فرزندان خود را به این مدارس خواهند آورد وبه شما اطمینان می دهیم که بعد از ۱۰سال میتوان نتیجهٔ کار را دید وخواهید دید که در همین مدت چه استعدادهایی پرورش خواهند یافت.معلمان هنرستانها موسیقی باید اساتیدی حرفه ای باشند. هرکسی که اندکی تار نواختن می داند نمی تواند برای تدریس این هنر مفید باشد وچه بسا ناآگاهانه باعث به هرز رفتن استعداد هنرآموز شود. من در ایران نیز با چنین اشخاصی مواجه بوده ام که ادعای استادی دارند در حالی که باید خودشان تحت تعلیم قرار گیرند. البته این موضوعی طبیعی است؛ چراکه در ایران مکتب رسمی دایر نیست و اشخاص برای آموزش از کاست و ویدیو و... استفاده می کنند. برای تربیت اساتید حرفه ای نوازندگی در زمینهٔ هر سازی باید هنرستانهای رسمی دایر شود.این موضوعی است غیرقابل انکار. ما آمادهٔ همکاری هستیم. من از طرف خودم میگویم که در صورت ایجاد این هنرستانها ، حاضرم ماهها در ایران حضور یافته و تدریس کنم واین کار را ادای دین خود به مردم وفرهنگ آذربایجان می دانم.

***ـــ تار شیراز را در مقایسه با تار آذربایجان چگونه می‌نگرید؟بعضی از نوازندگان تار شیراز می گویند با استفاده محدود از یک چهارم پرده ها میتوان تار شیراز را برای اجرای آهنگهای کلاسیک نیز بکار برد. برای نمونه آقای کیوان ساکت در معیت پروفسور رامیز قولیف در تهران کنسرتی برگزار کرد که در آن عموماً قطعات کلاسیک اجراشد.***

تار شیراز هم دارای سبک بالایی است. من نیز علاقمندم و گوش میدهم. از جمله آثار لطفی و نوازندگان دیگری که اسامی آنها در خاطرم نیست را شنیده‌ام. اما باید بگویم که امکانات و قوتهای تار آذربایجان بیشتر است و این قوتها را در همراهی ارکسترهای بزرگ دنیا نشان داده است. ظرافتهای موغام، ترکیب سیمها و پرده‌ها و... تار آذربایجان را به طور محسوسی متنوعتر از تار شیراز می سازد. تار شیراز روی زانو قرار می گیرد و گرفتنش سختی خاصی ندارد. اما تار ما جایش روی سینه است ونزدیک دل نوازنده. گویی محرم دل است و پیام دل را به شنونده میرساند. استحکام و قدرت صدای تار آذربایجان مارا به یاد کوراوغلو و قهرمانیهایش می‌اندازد و در نوای آن، هرچه را که در تاریخمان هست می‌یابیم. انسانیت، عشق، آزادیخواهی ... و جدایی؛ زخمه‌های تار آذربایجان برای ادای چنین حس‌هایی که از فرهنگ سرزمین کهنمان برمی‌خیزد در عین قدرت و ظرافت عمل میکند.

**تار آذربایجانی جایش روی سینه است ونزدیک دل نوازنده. گویی محرم دل است و پیام دل را به شنونده میرساند. استحکام و قدرت صدای تار آذربایجان ما را به یاد کوراوغلو و قهرمانیهایش می اندازد و در نوای آن، هر چه را که در تاریخمان هست می یابیم. انسانیت، عشق، آزادیخواهی ... و جدایی**

***ـ استاد! درآذربایجان افراد بسیاری شروع به فعالیت در عرصهٔ سبکهای جدید موسیقی از قبیل پاپ و راک و... کرده‌اند. دیدگاه شما در این مورد چیست؟***

طیف غالب فعال در این زمینه مورد تأیید من نیستند. به نظر من آنها دشمنان موسیقی آذربایجان هستند. در توضیح باید بگویم که همهٔ سبکهای موسیقی زیبا هستند از جمله پاپ، راک، جاز و...، اما در قالب حرفه‌ای و توسط اساتید این سبکها باید به این امر پرداخت شود. متأسفانه در آذربایجان شمالی در چند سالهٔ اخیر طیف وسیعی از مردم به علت جذابیتهای ظاهری وکاذب این کارهای سبک، به سمت آنها که در حقیقت پرتگاه موسیقی اند، متمایل شده اند. البته به مرور زمان پوچ بودن این موسیقی‌ها بر همگان آشکار خواهد شد همچنانکه این روند شروع شده است.

در ایران آذربایجانیها به موسیقی اصیل آذربایجان ارج می نهند. در آذربایجان هم قبلاً اینگونه بود اما با تأسیس شبکه های خصوصی وحذف کنترل متخصصان موسیقی بر برنامه های این شبکه ها متأسفانه عرصهٔ موسیقی با نابسامانی روبرو شده است. قبلا کسی که می خواست برای شبکه‌ای برنامه اجرا کند باید مراحلی را طی می کرد وبرای اساتید فن مسؤول اجرا میکرد. تنها در صورت تأیید این اساتید بود که میتوانست به آهنگسازی و اجرا برای شبکه بپردازد. اکنون به علت حذف این نظارتها مخصوصاً در شبکه های خصوصی، هر بی‌هنری ادعای هنر دارد و هر روز بر تعداد خواننده ها ونوازنده‌های بدون تخصص اضافه می شود.این اشخاص بازاری خود به خوبی می دانندکه حتی یک اثر ماندگار هم از این اجراها در تاریخ نخواهد ماند. اساتیدموسیقی با این امر مخالفند و خود من در برنامه های تلویزیون ملی اجازهٔ پخش چنین موسیقی‌های سخیفی را نمیدهم.



من در کنسرواتوار ملی، دانشگاه هنرهای زیبا و هنرستان موسیقی آصیف زینالی تدریس می کنم. این سه مرکز عالیترین مراکز موسیقی آذربایجان می باشند. فارغ التحصیلان این مراکز هرگز به کارهای سخیف در زمینهٔ موسیقی نمی پردازند. کارهای بازاری موسیقی که بیشتر با استفاده از امکانات کامپیوتری صورت میگیرد، مختص افرادی است که هیچکدام دوره های موسیقی را در مراکز معتبر نگذرانده اند. یک آهنگساز حرفه ای در سال بیش از سه چهار آهنگ نمی سازد. به همین خاطر است که این آهنگها سالیان دراز در حافظهٔ فرهنگ موسیقی مان می مانند. آهنگهایی که از قرنها پیش در حافظهٔ فرهنگی آذربایجان مانده اند از این نوعند. اما آهنگی که توسط افراد غیرمتخصص در مدت یک روز ساخته می شود، ماندگاریش هم بیش از یک ماه نمی تواند باشد.

پخش این آهنگهای دست پایین از شبکه های ماهواره ای خصوصی با دامنهٔ پخش جهانی متأسفانه تأثیر بدی روی اعتبار موسیقی آذربایجان در دنیا دارد و زحمات چندصدسالهٔ اساتیدی

همچون اوزیر حاجی بیگ اف، قارا قارایف،فیکرت امیراف وصدها استاد دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. این مشکل تنها از طرف دولت قابل حل است. تلویزیون ملی تاحدی کنترل می شود،اما مشکل اصلی شبکه های خصوصی است که هیچ نظارتی روی برنامه های آنها از نظر بار ومحتوای هنری وجود ندارد. امید دارم که در آینده ای نزدیک این مشکل حل شود.

***ـ دیدگاه قشرجوان آذربایجان نسبت به موسیقی موغام چگونه است؟***

میدانید قشرجوان با کارهای ساده تر بیشتر میتواند ارتباط برقرار کند و برای درک کارهای پیچیده تر باید باتجربه تر شود. با این وجود به خاطر تنوع و ابتکارهای موجود در موغام ،قشر جوان نیز توانسته است بخشهای موردعلاقهٔ خود را دراین موسیقی غنی بیابد و ارتباط خوبی با این شاخهٔ تنومند موسیقی آذربایجان برقرار کند. تبلیغاتی که از سوی اساتید فن در مورد موغام صورت می گیرد نیز در تشدید علاقهٔ جوانان به این موسیقی مؤثر است. من همواره گفته ام که موغام مبدأ ، معبد و کتاب مقدس موسیقی آذربایجان است وبر هر آذربایجانی اصیل واجب است که به آن ارج نهد.



***ـ در مورد روند وسبک موسیقی ترکیه چگونه می اندیشید؟***

موسیقی ترکیه نیز همچون مردمش هم نژاد موسیقی ماست. بسیاری از ترانه های این دیار آنچنان زیباست که وجود شنونده را بالکل تسخیر می کند. تحقیق و ژرف نگری در موسیقی ترکیه نشأت گرفتن آن از موغام آذربایجان را بر من اثبات کرده است.

***ـ استاد! می خواهم سؤالی موردی بپرسم. نظرتان در مورد اجرای قطعاتی از موغام و ترانه های مردمی آذربایجان توسط یک گروه موسیقی آذربایجانی و نروژی چیست؟ در این اجرا گروه کر نروژی و خواننده های سولیست آذربایجانی به ایفای هنر پرداخته اند.***

سؤال بسیار جالبی پرسیدید. نخست مفاهیمی که به نوآوری تعبیر میشود را باید شرح دهم. به صورت ساده دو نوع نوآوری در عرصهٔ موسیقی مطرح است. در نوع اول عده ای بدون تخصص اقدام به ساخت واجرای آهنگهایی بی ریشه و بی‌محتوا می کنند که عموماً کارهایی سخیف است. اما در نوع دوم عده ای که در زمینهٔ موسیقی کار کرده اند اقدام به اجرای آهنگهای ماندگار و سطح بالا به سبکهای جدیدتر و قابل فهم‌تر(مخصوصاًبرای ملل دیگر) می‌کنند. کار این گروه نروژی از نوع دوم وبسیار باارزش می باشد. من در اینجا نمونهٔ دیگری از این کارهای ارزشمند را ذکر می کنم. در آذربایجان آهنگساز بزرگی بنام قارا قارایف بوده است که حتما می‌شناسید. پسر این موزیسین فقید، فرج قارایف، پنج سال قبل در هلند اثری نوشت که توسط یک ارکستر فعال در آمستردام ـ که اعضای آن از کشورهای مختلفی هستند ـ اجرا گردید. این اثر شامل سه قسمت بود. قسمت دوم آن موغام شوشتر بود که با نوازندگی تار من اجرا شد. تا آن زمان آهنگسازان ما از قرآن کریم در آهنگهای خودشان استفاده نکرده بودند. قارا قارایف آرزوی چنین کاری را داشت که عمرش کفاف نداد و این پسر او بود که در اثر مذکور به آرزوی پدر جامهٔ عمل پوشاند. این اثر ترکیبی است از موغام و قرآن و هنر موسیقایی پیشرو. نام این ارکستر هلندی "ارکستر نوین" بود. من در این اثر موغام شوشتر را نواختم و در قسمت سوم آن آیاتی از قرآن با همراهی تار خوانده شد. ابداع یعنی این . یعنی نو و غنی کردن موسیقی با توجه به دقایق و ظرایف علمی و توسط افراد متخصص.

***ـ فعالیت گستردهٔ اساتید موسیقی آذربایجان درمهد هنر وکال و اپرای جهان" ایتالیا" واستقبالی که از فعالیت آنها صورت گرفته است را چگونه میبینید؟***

سبک وکال آذربایجان نزدیکی زیادی به سبک ایتالیایی دارد. برای اولین بار سالها قبل خانم"شوکت ممداوا" با همکاری و یاری استاد"اوزیر حاجی بیگ اف" در ایتالیا برنامه‌ای اجرا کرد. بعد از او اساتید بنام دیگری همچون "بولبول"،"مسلم ماقامایف"،"لطفیار ایمانوف"و... در این کشور به ایفاگری پرداختند. در حال حاضر هم تعدادی از موزیسین هایمان در این کشور مشغول فعالیت هستند که به عنوان نمونه به "آذر زینال اف" میتوان اشاره کرد. لازم به ذکر است که در ایتالیا کنسرتهای موغام بسیاری نیز از طرف اساتید آذربایجانی برگزار شده است. می دانید که آنها (ایتالیاییها)بانی سبک وکال هستند. اساتید آنها در مقابل موغام انگشت حیرت به دندان می گیرند و میگویند در پیشگاه موغام ،سخن گفتن از وکال ناصواب است. موغام موسیقی ایست الهی. در وکال از ریزه کاریها و ظرافتهایی که در موغام موج میزند خبری نیست.

***ـ یکی از خوانندههای جاز آذربایجان که اکنون به شهرت زیادی در سطح جهان دست پیدا کرده است خانم "عزیزه***

***مصطفی‌زاده" می باشد و در ایران نیز حتی از سوی ملل غیرهمزبان با استقبال روبرو شده است. فعالیت ایشان را چگونه میبینید؟***

خانم عزیزه فرزند هنرمند فقید"واقیف مصطفی زاده "است. پدر عزیزه خیلی زود ودر سن ۳۹سالگی از دنیا رفت و آثار او بعد از مرگش معروفیت پیدا کرد. او نیز در زمینهٔ موسیقی جاز کار می کرد که در آن زمان از استقبال عمومی برخوردار نبود، اما بعد از مرگ او و در پی استقبالی که از آثارش در کشورهای دیگر از جمله آمریکا و ترکیه شد، در کشور خودمان هم به خدمات او ارج نهاده شد. خدا را شاکرم که بعد از مرگ او ، دخترش عزیزه پا در جای پای پدر نهاده است و به شهرت جهانی دست یافته است. این بانو فارغ التحصیل کنسرواتوار باکو می باشد وبا نگرشی علمی به شاخهٔ جاز موسیقی آذربایجان رونق قابل تحسینی داده است. ایشان ساکن آلمان هستند وبه کشور خودشان هم رفت وآمد می کنند.

***ـ استادا در صورت امکان در مورد استاد فقید " سخاوت ممداف" اندکی برای ما صحبت کنید.***

مرحوم استاد سخاوت برای من بالاتر از یک همکار هنری و در حد یک برادر بود. همانطور که می دانید در ۳۸سالگی دار فانی را وداع گفت. من از ۱۵سالگی با سخاوت بوده ام. به یاد دارم همیشه می گفت آیا خدا روزی را خواهد رساند که به ما بگویند کجا می روید. بگوییم به تبریز،اورمیه،اردبیل... .آنروزها حتی در خواب هم نمی دیدیم که بالاخره روزی خواهد رسید که به راحتی به ایران آمده ودر همهٔ شهرهای آذربایجان از تبریز واورمیه تا تهران برنامه اجرا کنیم. من در مراسمی که برای بزرگداشت ۵۰سالگی سخاوت در باکو ترتیب داده شده بود ، با روزنامه ای یک مصاحبه ۲صفحه ای انجام دادم. عنوان مصاحبه چنین بود: به آرزویش "دیدار تبریز"نرسید. سخاوت روحی وطن پرست داشت. حس درونی و عشق قلبی او به آذربایجان در تمام ترانه هایی که خوانده است نمود دارد. او برای خلق،وطن،انسانیت و عشق می خواند. سخاوت بلبلی بود که عمر گل داشت و چه زود پژمرد. باید بگویم تا زمانی که وطنمان آذربایجان هست، همه سخاوت را دوست خواهند داشت. زیرا او به عشق آذربایجان می خواند و چه زیبا می خواند. خدایش بیامرزد. احساس میکنم امروز روح او قرین شادی است. چرا که اگر اجل مهلت نداد که خود به این سوی آراز بیاید، اکنون برادرش اینجاست وبه یاد او و برای مردمی که او عاشقشان بود می‌خواند. خدا با گرفتن سخاوت از ما، استعداد او را در وجود برادرش "فیروز" قرار داد.

***ـ نظرتان درمورد نشریهٔ تخصصی دالغا و توصیهٔ شما به ما دست اندرکاران این نشریه، ما را در این کار خطیر رهنمون خواهد ساخت.***

نخست به شما برای شروع چنین کاری صمیمانه تبریک میگویم و دوام آن را آرزومندم. کاری بسیار دشوار را شروع کرده‌اید. در این کار صعب یاری خدا و خلق همراهتان باد.

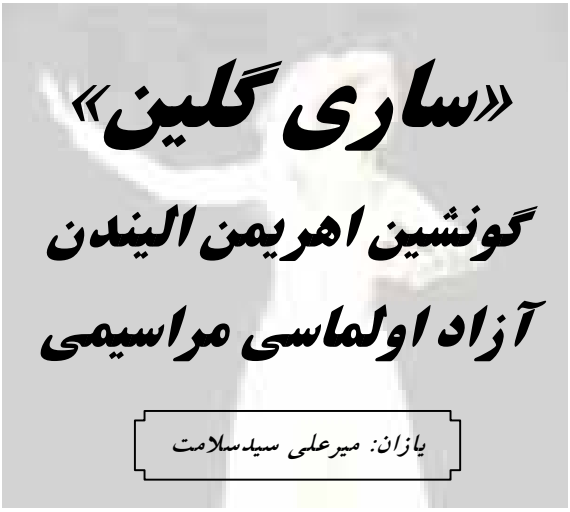
از همهٔ اساتید آذربایجان در مورد غنای این نشریه همفکری وکمک بگیرید و در تبلیغ و تشریح علمی این هنر اصیل بکوشید. ضرب المثلی ترکی میگوید"برای اینکه ترک بودن خود را به جهان اثبات کنیم در یک دست شمشیر ودر دست دیگر ساز باید". من می‌گویم "برای اینکه آذربایجانی بودن خود را به جهان اثبات کنیم در دستی فرهنگ(واز جمله موسیقی)ودردست دیگر قلم و فریاد حقانیت باید"فعالیت نشریاتی از نوع نشریهٔ وزین شما برای رساندن ندای فرهنگ آذربایجان به جای جای دنیا ضرورتی است غیر قابل انکار. در این راه خدا یاورتان باد.

***ـ از وقتی که در اختیار ما قرار دادید نهایت تشکر را دارم.***

خواهش می کنم . بدرود.

**از مساعدتهای جناب خسرو سرتیپی در انجام این مصاحبه کمال تشکر را داریم.**



# «ساری گلین»

## گونشین اهریمن الیندن آزاد اولماسی مراسیمی

یازان: میرعلی سیدسلامت

«ساری گلین»اویونو، ان اسکی آئینی مراسیم‌لردن بیری ساییلیر. هر شئیدن اؤنجه، ساری گونش آدی دئمکدیر. موختلیف اینجلمه‌لرده،Sar,Ser، اوجا، اوجاباش... نهایتا گونش آدنیا یئتیشمک اولور.

گونش بیزیم بیر چوخ افسانه‌لریمیزده، قیز سانیلیر، آی ایسه اوغلان. ساری گلین، گونشین گلین اولماسی‌ایله، یعنی بیر کاراکتر اونا ائلچی دوشوب و آلیب آپارماغی‌ایله، ایلگیلی گؤرونور. بئله بیر کاتقوریا «کیتاب ـ دده قورقود» دا اؤزونه بیر موعین یئر توتور.

سالور قازانین، خانیمانی‌نین یغمالانماسی بویوندا، یازیلیر:

«شوکلو ملکین قوشونو، دون بوجاغیندان "قازان بگین" اوردوسونا گلدی، آلتون بان ائولرینی چاپدیلارـــ بویو اوزون بورلاخاتون اسیر گئتدی. قازان بگین، قاریجیق اولموش آناسی قره‌دوه، بوینوندا آسیلی گئتدی. خان قازانین اوغلو اوروزبی، بوینو باغلی گئتدی. «کیتاب ـ دده قورقود» فرزانه«آلتون بان ائولر» ایشیق اؤلکه سی نین «گونش»یندن عیبارتدیر، کی ملیک شوکلی‌نین سرکرده‌لری‌نین الینده اسیر گئدیر.

بو ایسارت، اوروزلابیرگه، بیر حیصاردا، ١٦(اون آلتی) ایل زامان ایچری‌سینده، باش وئریر گونش، سالور قازانین امریله ایسارتده، نورسوز(کولگه) اولموش و نورسوز گونش ایسارتده قالماغی، سینیق‌خاچ(صلیب شکسته) سمبولی‌ایله قایا رسملرینده گؤرمک اولور.

علاوه موختلیف واریانت و بیانلاردا،«قویویا آتیلمیش قیزلار» یا طیلسیم اولونموش شاه قیزلاری، دئولرالینده افسانه و ناغیللار ایچری‌سینده، «اسیر دوشموش گونش»دن عیبارتدیر علاوه، بواسیراولونموش قیز، کافربالاسی، ترساقیزی، ارمنی اوشاغی آدلانیر. بئله اولورسا، شیخ صنعان داستانی، بو حادیثه‌نین عیرفانی بیانی ساییلیر و ترسابالاسی‌نین، کافر دینینده اوز دؤندرمه‌سی اونون عیرفان کاتقوریالارینداً، آزاد اولماسی ساییلیر. اون‌آلتی ایل ایسارتدن سونرا، "اوروز"ا خبر گلیرکی: «اونون آداخلی‌سی، بوعونوانلاکی اوروز اؤلوب، دوباره‌دن آداخلانماغا، معروض قالیب.» و هرآنگاه، اؤزونو، ائلینه یئتریب و اَسَن، دیری اولماغینی گوسترمه‌یه‌سن، آداخلین الدن گئدیب.

بوحالدا، گونش دوباره‌دن نورلانیر و اونون گئدیش یولونو، ایشیقلاندیریر و اوروز قوول وئریر، دوباره قاییدیب، اونو ایسارتدن، آزاد ائتسین. اوروز [قازان بگین ایناغی] پیرلاییب حاصاردان آشاغی دوشور. بو پیرلاییب آشاغی دوشمک فرانسا کوهول رسملرینده، لاسکو تاپیناجاغیندا، کی ١٧٠٠٠/ ایلدن آرتیق عؤمرو وار، ساخلانیلیب. البته بوکوهول رسمی‌نین اطرافیندا هیچ معلومات وئریلمه‌یب آما، بواساطیرلردن سونرا، هیچ بیر قاییناق، بوآرادا یوخدور.

اوروز یئره یئتیشمکله، اؤز ائلینه چاتیب اؤزونو، گوسترمکله، اؤز آداخلی‌سی‌نین، آداخلانما مراسیمینه چاتیر و آداخلی‌سینی گؤروب، دوباره‌دن،گونشی آزاد ائتمک اوچون حاصارا طرف قاییدیر- گونش آزاد ائتمگه، لازیمدیر. بیر قارا وحشی اینَکله کی قایایا بورنوز وورسا اونو اون کیمی دارتار، موباریزه‌یه داخیل اولا. اوروز بو موباریزه‌یه گیریشیر، موباریزه‌ده غلبه چالیب، گونشی(کیتاب دده‌قورقود"داملجان خاتونو") آلیب بورنوزوندا حمل ائدیب، گتیریر اؤز یئرینده نصب ائدیر. شیکار دؤورونداً ایلکین یاشایان اینسانلار بئله بیر فیکیر ایره‌لی سورموشلرکی، هرگون، گونشین دوغماسی بیر آغ آپباغ اینگین موباریزه‌سی بیرقارا وحشی اینک باشاچاتیب و غلبه چالاندان سونرا ممکن اولارمیش بوکیچیک اپیزود «کیتاب دده قورقود»دا کل«میترائیسم»ین مضمونو ساییلیر. او بحثلرکی، میترائیسم قارا اینک قوربانی، تاپیناجاقلارین قارانلیق یئرلرده، قرارتاپماسی، ...وسایره، واردیر، بوکاتقوریالاردان آسیلی اولموش. میترانین یارانیش اساطیرلرینده دئیلیر: بیرقایا پارچالانیر، میترا بیر الده قیلینج، بیر الده مشعل، ایشیق دونیاسینا، آیاق باسیر. میترا سؤزو تورک دیلینده، میثرا سؤزوایله دئیلیر. کوراوغلو داستانیندا میثری قیلینج، میترا یارانیش اساطیرلرینده اولان، قیلینجدان عیبارتدیر. علاوه، کور سؤزو توخوم سؤزو دئمکدیرکی ایندی تورک دیلینده، کوراکن، کوروشنه، ... صورتینده باقی قالیب، بئله بیر وضعیتده کوراوغلو، اساطیر موقایسه‌سینده میترایله، عئینلشیر.

ذیکر اولونمالیدیر، بواپیزود، میترائیسم‌دن علاوه، سایر مذهبلرده ده اؤز تاثیرینی گوسترمکده‌دیر. «ساری گلین»

اویونو، بئله بیر موهوم(اؤنملی) اهمیته مالیک اولان حادیثه‌نین، آئینی سایبلیر.
اوروز اینکلر رّب النوعو، بیرآغ آپباغ اینک، شوجاعتلی، عدالتلی، ... موباریزه کاراکتر اساطیرلرده اولان کیمی میدانا گیرمه مشیدن اؤنجه، اؤز قیرخ یولداشینا دئییر منی اویون.
اونلار، اویورلر:
سلطانیم، قانتورالی،
قالیخبانی یئریندن دورمادین می؟
ساری دونلو سلجان خاتون کوشکدن باخار.
کیمه باخا، عشقیله اودا یاخار.
بواویمک «ساری گلین» اویونو و تصنیف‌ایله ایفا اولونور.
بو اویون فیقورجا بیرقول چیین اوستونده باغلی و بیر قول آچیق، آپیل‌آپیل یورومه، گؤز گونشده، ... «طلب، تمنا، شئیدالیق، وایشیغا، عشق، محبت،... مونتها درجه‌ده اؤزوایله داشی‌یبر. اوکاراکترکی موباریزه‌یه داخیل اولور ایشیقا اوره‌کده عاشیقدیر. بوعشق، بوموباریزه«علوّیت، باشی اوجالیق، عدالت»ه‌ساری چاغیریر. دئمک «ساری گلین» اویونو، گونشین اهریمن الیندن آزاد اولماسی وایجماعا ایشیق ساچمانی اؤزوایله داشی‌یبر.
علاوه، دؤردونجو گاهین موهوم حادیثه‌لریندن اولان بو ایسارت، چاهارگاه، موغام ایفالاریندا، بسته نیگار(زیندانا آتیلمیش گونش)-بوکاتقوریادان عالی بیان سایبلیر.
بوقیسسا توضیحات‌لا، اومودکی، گونشین دوغماسینی و ایشیغینی، ایشیقلی و گؤزلراخ گؤروب، گؤتورک.

## ساغ اولون مین یاشایین
## میرعلی سیدسلامت

آشاغیدا بیرقایا رسمی، اسیرگونشدن وئریلیرکی، جناب خانعلی صیامی‌نین سرگی‌سینده وئریلیب. بوقایا رسمی میترائیسمین ایلکین چاغلارینا عاییدد اولور، و اوروز(اینک رب النوعو) نون یئرینه بیراینسان(میثرا) قویولوب و گونشی ایسارتدن آزاد ائتمک اوچون، قاراتوکوره موراجیعتده گؤستریلیر.
بوموباحیثه‌لر، ایضاحلی صورتده«مقدمه‌ای بر بررسی کتاب دده قورقود»دا گتیریلیب.



# حضور ارکستر فیلارمونیک آذربایجان در ایران

جشنواره موسیقی فجر در روزهای ۷و۸ بهمن ماه در تهران برگزار شد. در این جشنواره گروههای مختلفی از داخل و خارج کشور به هنرنمایی پرداختند. در این بین گروههای موسیقی دالغا به سرپرستی عاشیق چنگیز مهدی‌پور و گروه عاشیقهای آذربایجان به سرپرستی عاشیق حسن اسکندری از کشورمان و ارکستر فیلارمونیک(خالق چالغی آلتلری) از جمهوری آذربایجان به رهبری آقاوردی پاشایف حضور داشتند.
ارکستر فیلارمونیک جمهوری آذربایجان در دو روز به اجرای قطعات مختلفی از آهنگسازان بزرگ آذربایجان نظیر اوزیر حاجی‌بیگ‌اف، قارا قارایف، فکرت امیراف، واصف آدی‌گؤزل‌اف، سلیمان علسگروف و... پرداختند. در روز اول و در تالار وحدت تهران، این ارکستر قطعه زیبا و حزین "نه عشق اولایدی..." (ای کاش عشقی وجود نداشت) را به زلزله‌زدگان بم تقدیم کرد.
این ارکستر را "رامیز قلیف" نوازنده نامدار تار آذربایجان به عنوان سولیست همراهی میکرد. همچنین "توفیق باکی‌خان‌اف" آهنگساز برجسته سرپرست گروه بود.
ارکستر فیلارمونیک جمهوری آذربایجان در سفر خود به ایران از شهرهای مشهد، اصفهان و شیراز بازدید کردند و در برنامه‌هایی را در شهرهای اصفهان و شیراز اجرا نمودند.این ارکستر به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایران سفر کرده بودند، بعلت محدودیتهای ایجاد شده توسط مسولین امر نیمی از اعضای آن در ترکیب گروه حضور نداشتند و تسهیلات رفاهی لازم متناسب با شان ایشان نظیر سفر هوایی برای آنها فراهم نشده بود که امید است در برنامه های‌آتی به این مهم توجه بیشتری شود.

دومان اورمولو

# صفی الدین اورموی

*مولانا صفی الدین عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر اورمـوی*، پایـه گـذار مدرسـه سیسـتماتیک موسـیقی در خاورمیانـه، آهنگ‌ساز، نابغه، نظریه پرداز موسـیقی، نوازنـده مـاهر اود، استاد خطاطی و... می‌باشد. (۶۱۳-۶۹۶ ه.ق)

وی در یک خانواده آذربایجانی در شهر کهن اورمیـه چشـم به جهان گشود. در خردسالی با خانواده‌اش به بغـداد رفـت. در مدرسه مستنصریه بغداد به تحصیل پرداخت و در دربـار ***مستعصم*** آخرین خلیفه عباسی(وفات ٦٥٦ه.ق) ابتدا به کـار خوشنویسـی و کتابـداری و منشـی‌گـری بـرای مستعصـم مشغول بود و دیری نگذشت که نـدیم، اودنـواز و موسـیقی دان برجسته دربار وی گشت و در مجموعـه علمـی وابسـته به دربار نظریه علم موسیقی درس می‌گفت.

هنگام فتح بغداد به دست ***هلاکـو***، صـفی‌الـدین، خـانواده و اموالش به سبب آوازه بلنـد او در علم موسیقی از خطـر قتل و تاراج ایمن می مانند و بنا بـه روایتـی دیگـر بـه هنگـام فـتح بغـداد توسـط هلاکو صفی‌الـدین اورمـوی اود بـر دسـت بـروی وارد می‌شود و بـا آهنگـی چنـان تأثیری در او می‌گـذارد کـه هلاکـو را خـوش مـی‌آیـد و از یغمـا دسـت برمـی‌دارد. هلاکوخـان بعـدها بـرای او سـالیانه ده‌هـزار دینـار مقـرری تعیین می‌کند. او نزد ***علاءالدین عطا ملـک جـوینی***(٦٢٢-٦٨١ه.ق) مولف کتاب جهان گشای که از سـوی ایلخـان بـه حکومت بغداد و خوزستان گمارده شده بود چنان محبوبیت یافت که به ریاست دارالانشاء بغداد برگزیـده شـد. پـس از سـقوط خـانواده جـوینی، صـفی‌الـدین در وقـت پیـری بـه بدبختی و تنگنای مالی گرفتار شد و سرانجام بخاطر سیصد دینار قرض در زندان درگذشت.

مهمتـــرین و معروفتـــرین آثـــار اورمـــوی دو کتـــاب ***الرساله‌الشـرفیه*** و ***کتـاب الادوار*** و هـردو بـه زبـان عربـی می‌باشند. این دو کتاب او بـه زبـان‌هـای فرانسـوی[توسـط ***ردلف بارون دولانژه***] و انگلیسـی [توسـط ***هنـری جـورج فارمر***] ترجمه شده‌اند.

الرساله‌الشرفیه به نام ***شرف‌الدین هارون*** پسر شمس‌الـدین جوینی تالیف شده است. این کتـاب نخسـتین بـار در سـال ۱۸۹۱م. با ترجمه انگلیسی توسط فارمر منتشر شد.

صفی‌الدین در این کتاب برخـی ایـرادات بـه فـارابی و ابـن سینا نیز وارد دانسته و به اصـلاح آنهـا کوشـیده‌اسـت. ایـن کتاب شامل پنج فصل می‌باشد:

۱. صوت ولواحق آن و شکوک وارده
۲. حصر نسبت اعداد
۳. اختلاف ابعاد و ترتیب اجناس و از طبقات ابعاد
٤. ایقاع وادوار
٥. کیفیت استخراج الحان

در این پنج فصل صفی‌الدین درکیات و نظریات خـود را در مـورد آهنگسـازی یـا روابـط در موسـیقی و هـارمونی، ایوفـونی(خـوش‌آوایـی) در موسیقی، تئوری همبسـتگی، نقش آنهـا در سیسـتم کلـی آهنـگ و همچنـین دوایـر موغام‌هـا در تارهـای اود و قطعـاتی کـه در ایـن سـاز نواختـه مـی‌شـوند را بیـان مـی‌کنـد. ایـن کتـاب در مقایسـه بـا آثـار موسـیقی شناسـان قبـل از او کـاملاً مسـتقل و بـدیع اسـت و تمـام قسـمتهای محاسـبات تئـوریکی جدیـد و بـرای اولـین بـار بوده‌انـد و ایـن دسـت آورده‌هـای اورمـوی در نوشـته‌هـای دوره‌های قبلی یافت نشده‌اند.

کتاب الادوار ارمـوی در تـاریخ رسـالات موسـیقی اهمیتـی بسزا دارد. این کتاب در ۱۵ فصل تـدوین یافتـه اسـت و از نغمات، دساتین، تألیفـات ادوار، طبقـات اصـطفاب، ایقـاع، العان عوام، طنبور، بربط و غیره بحث می‌کند.

صفی‌الدین دوائر اصلی را به دوازده موغام تقسیم می‌کنـد و معتقد به شش آواز و بیست و چهار شـعبه اسـت کـه شـرح آنرا چنین می‌آورد:

**دوائر اصلی:** عشاق، نوا، بوسلیک، راست، زنگوله، اصفهان، حسینی، حجاز، زیرافکند، رهاوی، عراق، بزرگ

**آوازات سته:** گواشت، گردانیه، نوروز،سلمک، شهناز، مایه،

**بیست و چهار شعبه:** دوگاه، سه‌گاه، چهارگاه، پنجگاه، عشیران، نوروز، ماهور، نوروز خارا، حصار، نوروز بایاتی، نهضت، غزال، اوج نیریز، صغیر و کبیر، مبرقع، رکب، صبا، همایون، نهاوند(زنگوله و عشاق)، زاولی، بسته نگار، روی، عراق، خوزی، مخیر

نغمه‌ها، ویژگیهای موسیقایی و فیزیکی، قوانین تقسیم بندی سیمها فواصل موسیقایی دلایل ناهمخوانی، هماهنگی در چهار نوازی و پنج نوازی، قوانین اجرا در آلات دو سیمه، اود و صدایش، ایفای موغام‌ها با آن موغام‌های مشهور و شناخته شده، تشابه بین موغام‌ها، انتقال موغام‌ها تنظیمات غیر معمول اود، ریتم، تأثیرات احساسی موغام‌ها و ده‌ها نکته دیگر از جمله مسائلی بودند که صفی‌الدین اورموی در رساله کتاب‌الادوار به آنها اشاره می‌کند.

در کتاب الادوار، صفی‌الدین مکتب منتظمیه را بیان می‌کند. ویژگی این مکتب این است که در آن اکتاو به هفده فاصله تقسیم می‌شود.(برخی این تقسیم‌بندی را در مقایسه با گام ***باخ*** که در آن اکتاو به دوازده فاصله تقسیم می‌شود کامل‌تر دانسته‌اند). روش صفی‌الدین را بسیاری از موسیقیدانان اروپایی ستوده‌اند و برخی صاحبنظران اروپایی صفی‌الدین را«***زارلینوی***» شرق خوانده‌اند. براساس نظریه اورموی، هراکتاو دو دانگ و یک پرده را در برمی‌گیرد؛ هر دانگ شامل دو پرده و یک‌ونیم پرده(لیما) و هر پرده شامل دو لیما و یک کوما(بالا) است؛ بنابراین جمعاً ۱۷ فاصله در یک اکتاو پدید می‌آید.



نقاشی از استاد حسین بهزاد

صفی‌الدین اورموی

اروپاییان این مکتب را «***سیستماتیست***» نامیده‌اند.

در یکی از دست نوشته‌های کتاب الادوار اورموی اطلاعاتی درباره یک رباب نواز آذربایجانی بنام ***محمد شاه*** می‌دهد و می‌نویسد او خالق ریتم چهار ضرب است. بسیاری از مؤلفان رسالات موسیقی، در باب الادوار شرح نوشته اند، مانند ***عبدالقادر مراغه‌ای*** که دو شرح به نام ***زبدةالادوار***(به ترکی) و ***شرح ادوار*** (به فارسی) نوشته است.

***ایقاع*** یکی دیگر از آثار صفی‌الدین می‌باشد که به زبان ترکی ایرانی نگاشته است.

کتاب ***فی‌العلوم العروض والقوافی والبدیع*** نیز از آثار وی می‌باشد که مباحث تطبیقی با موسیقی دارد. فارمر می‌گوید که صفی‌الدین با الهام از موسیقی کهن و اصیل ترکی و غیرترکی(فارسی و عربی) توانست موسیقی را به ترتیب جدیدی تنظیم کند و روش او مورد قبول و ملاک عمل استادان پس از او گردید و هنوز هم در کشورهای اسلامی متداول است. صفی‌الدین اورموی نخستین بار توانست آهنگ موسیقی را با حروف ابجد و عدد بنویسد و نغمات مسموع را ثبت کند. فارمر می‌گوید: «نت موسیقی کتاب الادوار کهن‌ترین نت نویسی موسیقی عربی جهان است که در دست ماست». این دانشمند بزرگ دوساز زهی به نام‌های«***نزهه***» و «***مغنی***» را اختراع کرده است که شکل و توضیح آن در کتاب «***کنزالتحف***» آمده است.

صفی‌الدین اورموی شاگردان بنامی در علم موسیقی تربیت کرده است که در روزگار خود دانشمندانی معروف شدند مانند:

1. ***حسام‌الدین قتیلیق بوغا***
2. ***حسین زورناچی(=زامر)***
3. ***علی سه‌تاری***
4. ***شیخ شمس‌الدین سهروردی***

میراث علمی تئوریکی و مملو از زیبا شناختی صفی‌الدین اورموی نقش بسیار مهمی در توسعه علم موسیقی آذربایجان و شرق میانه و حتی در شکل‌گیری رساله بسیار مهم برجسته‌ترین چهره موسیقی آذربایجان اوزیر حاجی‌بیگ‌اف بنام«اساس موسیقی مردمی آذربایجان» ایفا کرده است. بهرحال آنطور که سزاید یادگارهای گرانبها و علمی صفی‌الدین اورموی منتشر نشده‌اند و به این دلیل بطور موشکافانه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. امید است محققان موسیقی آذربایجان همانند محققان غربی در شناخت و درک و نشر آثار گرانقدر این دانشمند آذربایجانی بکوشند.

***منابع***


I. منبع اصلی:آشنایی با رسالات کهن موسیقی ایران جلد دوم دکتر محمدزاده صدیق ۱۳۷۵
II. موسیقی خاور زمین جورج فارمر
III. فرهنگ اعلام شرقی در منابع غربی صالح طباطبایی ۱۳۸۲
IV. Səfiəddin urməvı zemfira səfərova ۱۹۹٤

# رئالیسم و اپرای کوراوغلو

**(بخش دوم)**



**بهمن مه‌آبادی**

**بحث رئالیسم و اپرای کوراوغلو اثر اوزیر حاجی‌بیگ‌اف ضمن ارائه تاریخ اپرا در آذربایجان به بررسی اجمالی زندگی مصنف میپردازد. در این گفتار کوراوغلو و داستان حماسی او به طور مختصر گنجانیده شده و تفاوتهای آن با لیبرتوی اپرا ذکر میشود.آریاها و موسیقی اپرا، نقش اوزیر در تاریخ تحولات موسیقی، به همراه بخشهایی کوتاه از پارتیتور، مطالب بعدی این مقاله است. چشم انداز جهانی آثار موسیقی آذربایجانی، و آراء و نظرات بزرگان هنر موسیقی علمی درباره جایگاه این اثر از دیگر موضوعات مبحث رئالیسم و اپرای کوراوغلو میباشد .**

اپرا با اورتور باشکوهی آغاز می‌گردد. گام سی بمل ماژور با فواصل افزوده، کاراکتر اورتور را می‌سازد. این قسمت، چکیده تمام موضوعات اپرا را در خود جای داده است. تمپوی مدرآتو بعد از چندین ده میزان، با علامت مه‌نوموس سو[1] به مفهوم نه آنقدر سریع به آرامش دست می‌یابد. جوش و خروش اولیه در این آرامش، که به معنی عشق‌ها، دلدادگی‌ها و شکست‌ها است و در طول اپرا به عنوان لایت موتیف نگار به کار رفته، دوباره به سرعت تبدیل می‌شود. بازگشت به سرعت اولیه، اورتور را به پایان می‌رساند. ملودی مشخصه نگار یا لایت موتیف او، یادآور غمی مبهم در دل انسان است. آوایی شرقی رنجی ناگفته را می‌سراید و این اندوهی است دیرینه در غربتی تام و تمام.

پرده اول با چند زخمه به وسیله تار اول آغاز می‌گردد و در پی آن موسیقی قدرتمندی مترنم می‌شود. این قسمت با تمپوی آلگرو، مدرآتو و در گام می‌بمل ماژور به پیش می‌رود تا با ورود سرایندگان تنور و باس، هراس و وحشت از خان‌ها، و رنج و عذاب مردم مجسم شود. آریای با شکوهی به گوش می‌رسد. آریای سوپرانوی نگار، عظمت، زیبایی و عشق او را نمایان می‌کند. آریای بعدی، ازآن کوراوغلو یا روشن است. تصویر قهرمان از طریق نمایش خصوصیات و ویژگیهای او تکمیل می‌شود. وی در آریای خود، با عنوان «سنی گؤردوم»، **"Səni gördüm"** «تا تو را دیدم» به شکل عاشقی دلباخته ظاهر می‌شود. موسیقی این قسمت آمیزه‌ای از عشق، صداقت و تغزل است. زیبایی وصف ناپذیر این دوآریا، که به آریای کانتابیله شباهتی کامل دارند، در یک روند عاشقانه و نرم و آهسته، انسان را به تفکر وامی‌دارد. حاجی‌بیگ‌اف، تبحر خود را در عرصه دو آریای اولین پرده اپرا به نمایش می‌گذارد. از نقطه نظر اجرایی نیز، این آریاها همچون دیگر آریاهای بقیه اپرا، بسیار مشکل و حرفه‌ای است. سومین آریای کوراوغلو، در کنتراست و تضاد شدیدی با دو آریای قبلی این اپرا قرار دارد. این بار آن عاشق دلباخته و شیفته، شیرآهنکوه مردی است که به جنگ دشمنان مردم خواهد رفت و برای همیشه، نبرد را تا استقرار عدالت پیش خواهد برد. این قسمت با مفهوم «دیگر توانی نیست به تنگ آمده‌ایم» **"təngə gəldik yox təvan"** آغاز می‌گردد. در این آریا کوراوغلو به شکل جنگاوری عدالت‌جو، طالب استقلال و نیکبختی برای مردمش، تصویر می‌شود. این بار کوراوغلو خطاب به مردم، آن‌ها را به مبارزه دعوت می‌کند. او بر آن است تا ریشه فساد و ظلم را از زمین برکند. موسیقی این آریا، دارای کاراکتری مبارزه‌جویانه و پهلوانی است. پرده اول با تصمیم کوراوغلو برای رفتن به جنگل‌ها و آماده شدن برای جنگ پایان می‌پذیرد. صحنه‌های تاریخی اولین پرده این اپرا، مردم را به اشکال گوناگونی نمایش می‌دهد. در ابتدای این صحنه، مردمی سرکوب شده و به جان آمده تصویر می‌شود. و در همینجاست که گروه کر آواز زیبای طبیعت و گستره دشت‌ها را می‌سراید. در صحنه‌های بعدی حالت‌های خشم و غضب، و سپس بندگسلی و عصیان مطرح می‌گردد. این حادثه به ویژه در عبارت «بگذار از هر طرف خون چون سیل جاری شود» **"Hər tərəfdən qanlar Axsın sel kimi"** به چشم می‌خورد. آهنگ ساز در این اثر با استفاده از لایت موتیف‌هایی بجا، ریتم کلّی اپرا را تضمین می‌کند. او خود متذکر می‌شود که «یکی از این لایت موتیف‌ها که در ابتدای اپرا به گوش می‌رسد و سپس در مراحل بعد نیز تکرار می‌گردد، مربوط به روحیه

[1] Meno mosso

سرخورده و سرکوب شده مردم است. این موتیف هرگاه که اعمال ضدانسانی خان نسبت به مردم مطرح می‌گردد، مجدداً شنیده می‌شود. دومین لایت موتیف نشانگر روحیه انقلابی و آشتی ناپذیر مردم با ظالمان است. در این نماد نارضایتی و طغیان آن‌ها به نمایش درمی‌آید. شنیده شدن این موتیف در طول اپرا، عصیان کوراوغلو و به تنگ آمدن مردم را آشکار می‌کند». آریای نگار در این قسمت از اپرا تحت عنوان «روشن محبوب من» روحیه این زن قهرمان و عشق عمیق او را به زیبایی و نیز قدرت او را در نوعی از موسیقی که گویای پاکی و بی‌ریایی اوست، به نمایش می‌گذارد. عنصر قهرمانی شخصیت نگار در موومان میانی این آریا به خوبی جلوه می‌کند. به طوری که لحن از جان گذشتگی و قهرمانی مردم را نیز، می‌توان در آن ملاحظه کرد.

در پرده دوم موسیقی نشانگر آسودگی و راحتی «حسن خان» در سالن تشریفات خود است. او برای از بین بردن کوراوغلو دست به کار توطئه چینی است. آریای حسن خان که با استفاده از پرش‌های آهنگین و ریتم سردرگم و سریع، چهره یک حکمران مستبد خودکامه را با دستورات پرت و نامربوط«شراب، شراب» به نمایش درمی‌آورد، در خط باس اجرا می‌گردد. در این قسمت ظلم و ستم خان منعکس



است. موسیقی سرآغاز این موومان از چنان روانی و تضادی برخوردار است که هنر حاجی‌بیگ‌اف را به تمام و کمال نشان می‌دهد. او در معرفی خان ضمن نمایش تشریفات و عظمت‌های خود ساخته او، حیله‌گری و ریاکاری‌اش را نیز برملا می‌کند. جمله حسن خان در سرآغاز این بخش بسیار جالب و شنیدنی است:

انقلابی را باید به دار آویخت

**Bu inqilab törədənı asardım mən öz əlimilə.**

صلح با احسان پاشا

**Ehsan paşaile barışmaq gərək.**

اتحاد برای سرکوبی دشمن

**İttifaqə geriyib çalışmaq gərək.**

حسن خان در آریای خود که از بهترین قسمتهای اپراست سیاست داخلی و خارجی خود را تشریح می‌کند. او در داخل، طغیان را سرکوب خواهد کرد و تمام آنهایی را که بر علیه وی به‌پا خواسته‌اند، به دارخواهد آویخت. در سیاست خارجی، بنا به مصلحت کنونی‌اش به صلح خواهد گرایید و شعار صلح را بر زبان‌ها جاری خواهد ساخت. در عین حال به مهمان تازه‌وارد خود، احسان پاشا، ثابت خواهد کرد که چقدر بزرگ، قابل احترام و حکمران است. او با آوردن تمام سمبل‌های کفر و فساد خواهد کوشید تا شرایط را آرام و کشتی در تلاطم خود را امن و ساکت قلمداد کند. چاپلوسی‌های حسن خان و احسان پاشا برای یکدیگر، دروغ بودن تمام ادعاهای صلح را برملا می‌کند. در این قسمت دوموسیقی رقص توسط ارکستر نواخته می‌شود که خصوصیات و ویژگی‌های رقص‌های آذربایجان را در خود دارد. ورود دلقک طبق یک سنت دیرینه از قسمتهای بسیار جالب این اپراست. او قبل از آنکه شرف حضور پیدا کند! واردشدن تنی چند از سپاهان، در حالی که خون آلود و لت وپار هستند و یک‌ریز و پی‌درپی کوراوغلو، کوراوغلو می‌گویند منظره بدیعی را بوجود می‌آورد. شبیخون این قهرمان، آنان را که دهات را تاراج کرده بودند، مردم بی‌گناه را کتک زده و عده‌ای را کشته و گروهی را به دارآویخته‌بودند، به این حال و روز افکنده است. آن‌ها تا می‌توانستند زور گفته و تا حد امکان خشونت به خرج داده بودند. اما کوراوغلو در یک آن، چون رعد ظاهر شده و آنچه را که به زور گرفته بودند از آنان ستانده و با پشتوانه مردمی، تمام فریب‌های خان را در مقابل مهمان سرکوبگرش از این طریق برملا ساخته بود. و اینچنین پرده از رازهای ناگفته خان و ظاهر فریبی‌های او کنار می‌زند. حاضران دربهت‌اند و تازه‌واردین هراسان، بی لحظه‌ای سکوت و خاموشی از کوراوغلو می‌گویند.

فریاد خان آنها را ساکت کرده و دلقک غافل از همه جا بی خبر وارد شده و در خط تنور می‌خواند: کیست مرا صدا کرد؟ **"Kimdir mənı çağıran?"** و خان جواب می‌دهد: کوراوغلو! موسیقی فوق‌العاده و در نهایت هم‌آهنگ با حرکات دلقک، شاهد دیگری بر تسلط اوزیر حاجی‌بیگ‌اف بر عرصه‌های موسیقی است. حال حسن خان و احسان پاشا هردو به اتفاق، معتقد به سرکوبی کوراوغلو هستند! احسان پاشا(تنور) پیشنهاد می‌کند که هزار نفر برای دستگیری او باید اعزام شود. اما یکی از اعیان حاضر در مجلس روانه کردن پانصد نفر را کافی می‌داند و دیگران نیز جز تأیید، کار دیگری ندارند. اما دلقک طرحی ارایه می‌کند. او می‌گوید که اگر اسب کوراوغلو قیرآت را بیاورند او برای بردن آن، اجباراً خود خواهدآمد و آنگاه است که می‌شود او را دستگیر کرد! برای دزدیدن و آوردن اسب کوراوغلو کچل حمزه، که از اعیان مفت‌خور دربار است، اعلام آمادگی می‌کند. او در مقابل انجام کار، نگار را به دست خواهد آورد. زیرا مدت‌هاست که مدعی عشق اوست. توافق بین خان و کچل حمزه، نگار را آشفته می‌کند. او کسانی را برای آگاه کردن کوراوغلو از واقعه به پیش وی خواهد فرستاد. آریا-بوفای دلقک با آن آواز کمیک، در رابطه با آریای نگار در این قسمت از اپرا تضاد عجیبی را نشان می‌دهد. نگار«ایواز» برادر خود را برای خبررسانی به کوراوغلو اعزام می‌دارد. آریای نگار در تاریک و روشن صحنه بیابان، غم و اندوه این زن دلیر را نمایان می‌کند. نگار به یاد ایام گذشته، به یاد کوراوغلو که اینک در خطر توطئه‌های دشمنان قرار گرفته، در بیانی اسپرسیو و در حرکتی کانتابیله می‌خواند. سلوی فلوت که در مایه شوشتری نواخته می‌شود، اندوه جانکاه او را بهتر نشان می‌دهد. پنداری نگار در این

آریا می‌گرید. او تنهاست و گفتار در دست خانی ظالم و ستمگر. موسیقی با بیان احساسات غم‌انگیز آغاز می‌شود و با همان لحن ادامه می‌یابد. با پیش رفتن موزیک بخش آواز فرا می‌رسد.

پرده سوم با یک مقدمه عظیم و با شکوه مارش مانند به نمایش درمی‌آید. در این بخش، اتحاد و اتفاق مردم و قدرت آنها در مقابله با ظلم و جور به تصویر درآمده است. تک‌تک سلول‌های موسیقی اوزیر حاجی‌بیگ‌اف بیزاری نفرت و انزجار او را از استعمار، خفقان و خان‌ها و پاشاها و سیستمهای فئودالی فریاد می‌زند. این همه در اپرای کوراوغلو با موسیقی توصیف می‌شود. تشنگی بیش از حدی که مردمی ستمدیده برای آزادی از خود نشان می‌دهند، در این اپرا نمایان است. پرده سوم در چنلی‌بل و در قلعه کوراوغلو اتفاق می‌افتد. زن و مرد، جماعتی از انسان‌ها برای استقبال از کوراوغلو آماده‌اند. آن‌ها شعار می‌دهند که:

اهالی چنلی‌بل(کُر): چنلی‌بل، سرزمینم، محکم و با استقامت و تسخیر ناپذیر است.

**Çənlibelçilər: çənlibel ölkəm, hər yerı möhkəm, möhkəm,**

پرنده نیز از بالای این سنگرها نمی‌تواند گذشت،

**Quş keçə bilməz bu səngərlərin üstündən,**

فکر تسخیر این‌جا بر دشمن گران است.

**Qəsd edə bilməz bu yerlərə heç bir düşmən.**

سرود با شکوه اهالی چنلی‌بل، چون مارش عزایی اجرا می‌گردد. در این لحظات کوراوغلو به اتفاق همراهانش وارد می‌شود. وی در یک سخنرانی بی‌نظیر، گزارشی از عملکرد خود را ارایه می‌دهد. کوراوغلو ضمن بیان اقدامات انقلابی خود، مردم را به اتحاد و اتفاق دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد تا فریاد آزادی برکشند. او آنگاه همراهان خود را معرفی می‌کند. و از مردم می‌خواهد که ضمن دستگیری وزرا و امرا خان را نیز دستگیر کنند. در این زمان، عده‌ای از اهالی گرجستان و ارمنستان که از ظلم سران خود به تنگ آمده‌اند به او نزدیک شده و اجازه پیوستن به سپاه آزادیبخش چنلی‌بل را دارند. کوراوغلو خطاب به آنان چنین می‌گوید:

کوراوغلو(تنور): ظلم و جورکشیده مردم ارمنی و گرجی

**Koroğlu: Xanlar dan zülm görmüş Ermənılər-Gürcülər,**

در حال قیامند و تمنای کمک می‌کنند

**Başlayıb üsyana, bizlərdən gəlib yardım dilər,**

ارمنی‌ها گرجی‌ها، اکراد، این لزگی‌های مسکین

**Ermənilər, Gürcülər, Kürdülər, bu miskin Ləzgilər,**

و من آمده‌ام تا این جماعت نیز با ما برادر باشند

**Mən gətirdim bu cəmaət qardaş olsun bizlərə,**

آنان که از استبداد خان فراری‌اند بگذار به صف ما بپیوندند

**Xan cəfasından qaçanlar qoy qoşulsun bizlərə,**

یکی باشند این مسکینان تا به یکباره

**Əl bir olsunlar bu yoxsullar bizimlə bir kərə,**

ضربه‌ای متفق و کاری بر سر دشمن فرود آید

**Muttəfıq quvvətlə zərbə endirək düşmənlərə,**

بر دشمن خونخوار و ظالم

**Qan içən düşmənlərə, zülm edən düşmənlərə,**

دشمنی نابود کننده و ویرانگر.

**Məhv edən düşmənlərə.**

کوراوغلو ضمن پذیرفتن این جماعت، خطاب به همه کسانی که در زیر ظلم و فشار و خفقان قرار دارند می‌گوید: چنلی بل سرزمین آن‌هاست. به سوی این وادی آزادی حرکت کنند. در این زمان کچل حمزه، خود را به چنلی‌بل رسانده و با حیله‌ای موفق به فریفتن کوراوغلو و دیگر یارانش می‌شود! او خود را فراری از دست خان‌ها معرفی می‌کند و شغلش را نگهداری اسب اعلام می‌دارد. کوراوغلو



اوزیر حاجی بیگ اف

خالق اپرای کوراوغلو

در مقابل سؤال مردم که چگونه می‌بایست به او اعتماد کرد، آریای با شکوه خود را می‌خواند. وی در این قسمت که در خط تنور اجرا می‌شود از نگار یاد می‌کند. او در بیانیه خود بر تصمیم راسخش در دفاع از حریم آزادی و انسان، و جنگ با ظلم، یک بار دیگر پافشاری می‌کند. در این صحنه یک رقص پرهیجان و آهنگین وجود دارد که از نظر پرداخت موسیقایی بسیار پرمعنا و لطیف است. اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در صحنه ورود کوراوغلو و معرفی اطرافیان او که با آواز «چنلی‌بل» و رقص جنگی همراه است، چنان تصویری از آزادی خواهی و شورش مردم به پا خواسته را ارایه می‌کند که در تاریخ موسیقی از نماهای بی‌بدیل و نادر است. اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در آفریدن صحنه‌های مهم و بارز تاریخ قیام کوراوغلو، به مبارزات مردم آذربایجان در طول تاریخ نیز نظر دارد و این دو را به گونه‌ای با هم تلفیق می‌کند که اثرش همواره تازه و بکر به نظر می‌رسد. وی جنبه‌های قهرمانی مردم مبارز، و سعادت جویی آن‌ها را، که در طول تاریخ بشریت به عنوان آمال و ایده‌های ارزشمند مطرح بوده‌اند در یک داستان متعلق به قرن ۱۶ و ۱۷ جان می‌بخشند. او تشنگی استقلال و آزادی را در مردم به عالی‌ترین وجه هنری جلوه‌گر می‌سازد. طرح پلی فونیک موسیقی چنلی‌بل و آواز کر در این قطعه از پرده سوم به نهایت درجه عالی تصنیف شده است.

تم موسیقایی و پرداخت پلی فونیک در بسط مایه‌های ملی آذربایجانی چنان ماهرانه جایگزین شده‌اند که کمتر در دیگر آثار، نمونه آن را می‌توان سراغ گرفت. بسط‌های اصلی این درونمایه موسیقایی در درجات سوب دومینانت و دومینانت قرار دارند که از

دیدگاه اتنوموزیکولوژی مربوط به پتانسیل‌های موسیقی عاشیقی است، که لاجرم نظریه ایده‌آل را در مورد نقش آواهای کنتراپونتال به عنوان برجسته‌ترین بخش دربرگیرنده جماعتی انبوه در موسیقی پلی فونیک ملی، کاربردی عملی می‌دهد. تجسم کوراوغلو در این اپرا به عنوان قهرمان مردم که سلحشوری مبارز و پیکارجوست، از بهترین ویژگیهای شخصیتی مردم آذربایجان است. صفاتی چون از خودگذشتگی، ایثارگری، در راه سرزمین مادری، شجاعت کینه توزی ابدی نسبت به بدکاران و دشمنان، صداقت و درستی به همراه ثبات قدم در راه آرمان‌های انسانی، احساس دلسوزی و همبستگی با تهی‌دستان و مظلومان، نیازمندان، کودکان و کهنسالان و احترام فوق‌العاده به زنان احساسات دوستانه نسبت به سایر اقوام و ملل، گرامیداشت آمال آزادی خواهی و موهبت هنروری و شاعری در کوراوغلو نیز به طور مشخص قابل رؤیت است. او پیشاپیش مردمی به تصویر درمی‌آید که آماده نبردند. وی نه تنها تک‌تک دردها و رنج‌های مردم را با روح و جان خود احساس کرده که خود نیز از آنهاست. به این ترتیب آمیختگی وی با موسیقی مردم، با ساز عاشیق‌ها و قوالب شایع موسیقایی وطنش، این ارتباط را تنگ‌تر از همیشه می‌کند.

قیرآت اسب کوراوغلو در آخرین لحظات این پرده اپرا به وسیله کچل حمزه دزدیده می‌شود، و این پایان سومین پرده است.

پرده چهارم در بارگاه حسن خان اتفاق می‌افتد. احسان پاشا مهمان شاه به اتفاق تمام اعیان و اشراف در یک مجلس جشن و شادی که برای آورده شدن قیرآت، اسب کوراوغلو، ترتیب یافته، شرکت دارند. آواز یک خواننده ایرانی که شعر معروفی از خواجه حافظ شیراز استاد بزرگ سخن فارسی و گوهرآرای غزل را درخط متسوسوپرانو می‌خواند، طنین‌انداز می‌شود.

ساقی بخور باده و برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بیخبر ز لذت شرب مدام ما

ایجاد تضاد از دیدگاه اوزیر در این صحنه بسیار موفق بوده است. در حالی که در بارگاه حسن خان، مجلس می‌گساری و جشن برپاست، مردم او در قیام و عصیان به سر می‌برند و خونشان هر روز ریخته می‌شود. به دنبال آواز خواننده ایرانی یک موسیقی رقص به گوش می‌رسد و سپس آواز کُر آغاز می‌گردد ولی یکباره کوراوغلو در لباس مبدل وارد می‌شود! حسن خان با تعجب سؤال می‌کند که او کیست؟ و احسان پاشا جواب می‌دهد:«به عاشیق‌ها شبیه است» و حضار که به زعم خود او را عاشیق تصور کرده‌اند منتظر آوازش می‌مانند. کوراوغلو قطعه عاشیق‌گونه‌ای را سر می‌دهد که بسیار زیبا و گیراست. حاجی‌بیگ‌اف در این اولین آواز، عظمت و شکوه موسیقی عاشیقی را جلوه‌گر می‌سازد. کوراوغلو چنان عاشقانه و لیریک می‌خواند که حدی برای زیبایی این آواز نمی‌توان شمرد. اوزیر حاجی‌بیگ‌اف از این طریق ارتباط موسیقی و مردم را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که این هنر جزو ادراکات مردم و اجتماع اوست. آشکارترین تصویر کوراوغلو در دو پرده سوم و چهارم این اپرا تجلی کرده است. آریای اولی پرده سوم که به گزارشی از سوی کوراوغلو به مردم چنلی‌بل شبیه است به سبک داستان‌های عاشیقی تصنیف شده که به وسیله مردم و با فریاد«هی-هی» همراهی می‌شود. درآریای دوم با عنوان «من آمده‌ام تا این جماعت با ما برادر باشند.»

**"Mən gətirdım bu cəmaət qardaş olsun bizlərə"**

ویژگی دیگر کوراوغلو به تصویر درمی‌آید. احساسات بشر دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملل گرجی و ارمنی و احترام متقابل از دیگر پیام‌های این اپراست. آخرین آریای پرده سوم این اثر که توسط کوراوغلو اجرا می‌شود به روند تغزلی نزدیک‌تر است. اما در بخش میانی آن که به شکل قطعه سه مومانی **A.B.A** تصنیف شده، بر خلاف آریای«تا تو را دیدم» **"səni gördüm"** که دارای محتوایی لیریک و عاطفی است، روحیه تهییج شده انقلابی و قهرمانی نیز وجود دارد. دو قسمت‌های**(A)** از این ترینر، شرایط روحی وی، احساسات شاعرانه و عاشقانه‌اش بروز می‌نماید. در پرده چهارم نیز سه آواز با شکوه از آن کوراوغلوست. دو قطعه اولی در مایه«گؤزللمه» **"gözəlləmə"** عاشیقی و سومین قطعه در مایه شکسته تصنیف گردیده است. این طرح از نقطه نظر فن درام حائز اهمیت فراوانی است. چرا که هر کدام از آن‌ها به پرداخت بازی‌های روی صحنه فرصت و امکان می‌دهد. این سروده‌ها حاوی خصایصی چون شجاعت، قدرت فکری و تمرکز، همچنین نشانگر استعداد شاعرانه قهرمان مردم است. وجود خصایص ویژه موسیقی عاشیقی در طول این سه آواز از قبیل اشکال ملودیک و ریتمیک، سونوریته سازی و خودساز کاملاً ملموس است. اولین آواز کوراوغلو بعد از ورود به بارگاه خان، آوازی شاعرانه است که در ارتباط با نگار به سرایش درمی‌آید. او بسیار زیبا و با اعتماد به نفس کامل در کاخ خان به خواندن می‌پردازد. این کار به حدی زیبا و عالی است که حاضران او را آفرین می‌گویند، طوری که حسن خان در عاشیق بودن او دیگر تردیدی نمی‌کند. مجلسیان آواز او را«گؤزللمه» می‌نامند که مربوط به نام یکی از آهنگ‌های عاشیقهاست. در عین حال نوعی از اشعار فولکلوریک آذربایجان نیز به این اسم مرسوم است. کوراوغلو بعد از اجرای آواز، از سرنوشت قیرآت سؤال می‌کند و خان، غافل از ماجرا درخواست اجرای یک گؤزللمه دیگر را از او دارد. آواز دوم در شأن قیرآت سروده می‌شود. همراهی ارکستر به اتفاق گروه تار بسیار باشکوه است. سومین قطعه که بنا به درخواست احسان پاشا اجرا می‌گردد یک آواز در مایه شکسته است. در این یک کوراوغلو با توجه به زیر و بم‌های موسیقی و تلاطم آن، بسیار عالی می‌خواند که با ورود کچل حمزه و شناسایی کوراوغلو، همه چیز به هم می‌ریزد. آتش و طغیان بر موسیقی سایه می‌افکند. کوراوغلو دستگیر شده و دست و پایش دربند می‌شود. او را خلع سلاح می‌کنند. موسیقی می‌نالد. این جاست که اوزیر حاجی‌بیگ‌اف می‌گرید؛ برای مردمی که در طول تاریخ شاهد جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌ها بوده‌اند. او به سرنوشت مبارزان شرق می‌اندیشد. یک آن تمام غم‌های عالم برگردنش سنگینی می‌کند. آیا مگر می‌شود کوراوغلو را نیز دربندکرد؟! ویولنسل‌ها این آه و ناله را دو چندان می‌کنند. حسن‌خان او را مورد تهدید قرار می‌دهد. به رعیت، دهقان و به مردم توهین می‌کند و چون حیوانی بندگسسته چیزی جلودارش نیست. این‌جاست که گره تازه‌ای در اپرا به‌وجود می‌آید. نگار به عقد کچل حمزه درخواهد آمد! آیا او در رساندن

خبر به کوراوغلو اهمال کرده است؟! آیا او خیانتکار است؟! و دلقک سبک‌سر، از فرصت پیش‌آمده برای تبلیغ خود استفاده می‌کند، «آوردن کوراوغلو به وسیله یک نفر» این بود طرح من! در این لحظه خبر دستگیری ایواز که جهت خبردارکردن کوراوغلو راهی شده بود به مجلس می‌رسد. این خبر مسائل مهمی را حل خواهد کرد. نگار به انقلاب وفادار بوده است. او خائن نیست و عشق پاک او هرگز به واسطه سلطنت، حکومت و خان‌ها، آلوده نشده است. ایواز شکنجه خواهد شد! اما نگار خود داستان را باز می‌گوید. او دشمن ظلم و ظالم است. در این گیرودار کوراوغلو به کچل حمزه حمله می‌برد و او را از پای درمی‌آورد و پس آنگاه طبق نقشه قبلی، قیرآت را نیز از مهلکه می‌رهاند. ریتم تند موسیقی و هرج و مرج بارگاه، کاملاً برهم منطبق هستند. دیگر کوراوغلو رفته است اما خان گروگان‌هایی را در اختیار دارد. او آن‌ها را به دار خواهد آویخت و یا سرازتنشان جدا خواهد کرد.

پنجمین پرده اپرا با موسیقی سحرآمیز آغاز می‌شود. میدان اعدام نمای صحنه است. جارچی‌ها در خط تنور خبر سربریدن سه نفر را به مردم اعلام می‌کنند. آن‌ها اهالی را برای تماشای مراسم به میدان فرامی‌خوانند. جماعتی هراسان و معترض، در حال تکرار سخنان جارچی‌ها دیده می‌شوند. مردم خواهان آزادی آن‌ها هستند واین خواسته را نیز مطرح می‌کنند، کاربالا می‌گیرد، میدان به وسیله مردم به اشغال درمی‌آید. اما مأموران دستور دارند مردم را سرکوب کرده و از میدان به در کنند. ابتدا باید سر نگار از تنش جدا شود. موسیقی شرایط وحشت و هراس، خشم و غضب و نفرت مردم را به نمایش در می‌آورد. بوی خون این صحنه را فرا می‌گیرد. جلاد آماده اقدام خود می‌شود. سخنرانی نگار در این آخرین دم‌های زندگی به یک خطابه آتشین مبدل می‌گردد. او این جمع نادان را، گروهی جلاد و آدم کش می‌نامد که کارشان تأثیری در نبرد مردم نخواهد داشت. روزی فرا خواهد رسید که مردم قوی‌تر خواهند شد و آن روز زمان انتقام است. از راه رسیدن سپاه آزادی بخش کوراوغلو و شورش موسیقی مکمل یکدیگرند. نگار، پولاد و ایواز از مرگ رها می‌شوند. نمایش نمادین مردم در پرده‌های اول، سوم و پنجم این اپرا که به وسیله کر و گروه رقصندگان همراهی می‌شود، عشق به آزادی و انگاره‌های قهرمانی مردم را به نمایش می‌گذارد. بخش‌های تغزلی اپرای کوراوغلو مشخصاً با تصویر نگار، تکامل اصولی خود را طی می‌کند. زنی شجاع و فداکار که از میان مردم برخاسته است، با آنان همراه می‌شود و چنان از خودگذشتگی بی‌مانندی را جلوه‌گر می‌سازد که تاریخی است. اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در قسمتهایی که نگار نقش می‌کند با لایت موتیف‌های پی‌درپی، قهرمانی، شرافت و انسانیت او را گرامی می‌دارد. او خود در این باره می‌گوید:«نگار زنی است که دلبسته کوراوغلوست و آماده جانبازی در راه آرمان‌های مردم». لایت موتیف‌های مربوط به نگار در بسیاری اوقات به صورت وکال عرضه می‌شوند. حضور او در صحنه، با همراهی موسیقی ارکستری مفهوم «آن جا که زبان از سخن باز می‌ماند، موسیقی به ترنم در می‌آید» را تجلی می‌بخشد در لایت موتیف‌های کوراوغلو، معمولاً مردم نیز حضور دارند. اوزیر این مفهوم را در پیام اپرا و بافت موزیکال درام، در جهت طرح پدیده جامعه مطرح می‌کند. در پرده پنجم، لایت موتیف‌های مردم و نگار با هم آمیخته شده‌اند. تم موزیکال مربوط به نگار در پایان اپرا نیز به گوش می‌رسد. لیبرتوی نگار و موسیقی نمادین او، در قسمت کوراوغلو بسیار نشاط‌آمیز و فرخنده است. و این به آن حد خوب نشان داده می‌شود که در سازگاری «آریوزو»[1] در اولین قسمت این اثر تحت عنوان«تورادیدم» **"səni gördüm"** یک بخش از لایت موتیف مربوط به نگار و تم‌های مردم و کوراوغلو دارای معانی و مقاصدی حیاتی هستند که به درک زیبایی شناسی ذهنی نگار در وحدت و یگانگی مربوط است. پرده پنجم اپرا با رقص و مارش پیروزی به پایان می‌رسد.



کور اوغلو و نگار

حاجی‌بیگ‌اف با آفرینش و خلق آریاها، مس کورال‌های صحنه‌ای، آنسامبل‌های گوناگون سازی و آوازی و طراحی انواعی از رسیتاتیف‌های اپرایی اثر خود را ماندگار می‌سازد. او می‌گوید، تمام ترکیبات و اجزاء کاراکتر اپرایی بر روی مدهای فولکلوریک آذربایجانی که با مبناهای علمی موسیقی جهانی تنها از نقطه نظر شخصیتی متفاوت‌اند، بنا شده‌اند و اضافه می‌کند:«برای من به عنوان یک آهنگ‌ساز درک و فهم موسیقی فولک و اساس و بنیاد آن، در طراحی این اپرا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است».

شخصیت منفی حسن خان با اولین آریوزو، گستاخی، اهانت، و تازیانه، استبداد و ستمگری او را به نمایش می‌گذارد در ارتباط با دومین آریوزو که او خود را آدمی شرافتمند و وابسته به گروه اعیان و اشراف معرفی می‌کند و نمایشی از خودستایی و خودبینی را عرضه می‌دارد، یکی از بهترین قسمتهای اپراست.

در این اپرا اشخاص منفی نه به واسطه حق مشترک در یکدیگر، که در ساخت و سبک آواز و تعدیل صدا به طریقه پیشرفت‌های کروماتیک، توالی و تسلسل نقاط روشن، جاری بودن ریتم و هارمونیزاسیون دقیق و سختگیرانه نیز منظور شده، با هم مرتبط‌اند. وجود شخصیت چاپلوس و بذله‌گویی چون دلقک چیزی منحصر به

[1] Arioso

فرد و ویژه در تفسیر و تأویل‌هاست. حاجی‌بیگ‌اف در اصل از اولین تهیه‌کنندگان این فرم در اپرا بوده است. اولین پارت آواز دلقک یک آریا پارلانت یا گونه‌ای رسیتاتیف ریتمیک به حساب می‌آید که به وسیله انواعی از آلات موسیقی فولکلوریک همراهی می‌شود. در دومین سری، او یک استیل رقص فولک را که مبتنی بر موغامات موسیقی آذربایجانی است می‌خواند، در حالی که حرکات و سکنات او گویای شخصیت هجو و بی هویت اوست.

اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در این اپرا توجه خاصی را به نمایش کیفیت‌های با شکوه در ارتباط با خان و عشق او به زندگی و دنیا مبذول می‌دارد. چنان‌که در دومین و چهارمین پرده از اپرا و در تمام لایت موتیف‌های رقص و آواز به اصطلاح دربار و نماد دختر خواننده که به سبک موسیقی ایرانی نزدیک است نیز چنین می‌کند. از سویی وی علاقه قابل توجه و برجسته خود را در ارایه شیوه سمفونیک اپرای کوراوغلو، در استیل موسیقی قرن هفدهم نشان می‌دهد. او با وارد کردن سازهایی همچون تار، بالابان و زورنا در ارکستر سمفونیک، به اجرای عمیق و مردمی موسیقی دست می‌یابد و تار را در افاده معنای اثر، بسیار مؤثر می‌داند. وی در گفتگویی جالب با محمد سعید اردوبادی به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «من پارت تار را با تفاوت ویژه‌ای در این اثر ملاحظه کرده‌ام زیرا تنها هدفم وارد ساختن سازهای فولک در اپرا نبوده است. چون در آن صورت باید کمانچه را نیز همچون تار وارد ارکستراسیون می‌کردم. اما از دیدگاه علمی، ویولن‌ها این وظیفه را بهتر از کمانچه می‌توانند ارایه دهند و احتیاجی به ورود یک ساز شبیه به ویولن وجود ندارد. اما تار با تمبر بی مانندی خود، ضمن ایجاد یک تازگی و نوآوری، با مترنم ساختن صداهای لطیف و بسیار مطبوع، سونوریته جالبی را ارایه می‌کند». اوزیر در همین اپرا با موفقیت تمام، ترکیب و تلفیقی از سازهای آذربایجانی و بین‌المللی را به وجود می‌آورد. در اورتور، سازبادی بالابان با عظمت بی‌همتایی به همراه ویولن‌ها، ابوا و کلارینت شنیده می‌شود. تار با توانایی درخور خود، در رقص پرده سوم به زورنا، سازبادی چوبی می‌پیوندد و با فلوت پیکولو هم‌آوا می‌شود. در قسمت دختر خواننده که یک آواز ایرانی اجرا می‌شود، بنا به ضرورت این نوع موسیقی سلوی کمانچه، در بیان ایرانی موسیقی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند.

این ابداع و ترکیب بندی جدید، باعث ایجاد نوعی از تلقی در میان دیگر آهنگ‌سازان آذربایجان می‌شود. آن‌ها در آفرینش کنسرتوها برای تار و ارکستر سمفونیک، همچون ویولن، ابوا و فلوت لحظه‌ای تردید نمی‌کنند. کنسرتو برای بالابان، کمانچه، ساز عاشیقی، آکاردئون و دیگر سازهای ملی، از بدیهیات موسیقی آذربایجانی تلقی می‌شود.

نقش اوزیر حاجی‌بیگ‌اف در گسترش موسیقی آذربایجانی شبیه نقش گلینکا در تاریخ هنر موسیقی روس می‌باشد.

اهمیت اپرای کوراوغلو در گسترش موسیقی آذربایجان، بزرگ و درخور است. این ارزش البته تنها به آثار اپرایی مربوط نیست. زیرا در هنر موسیقی سمفونیک نیز متجلی است و کوراوغلو بر روی میراثی از این همه در دوران معاصر بنا شده است. کوراوغلو در طی ده روز فستیوال هنر موسیقی آذربایجان در مسکو، که به سال ۱۹۳۸و ۱۹۵۹ برپا شد،به زبان روسی نیز اجرا گردید. هم چنین در سال ۱۹۷۵ در فستیوال بهاره موسیقی قفقاز نیز این اپرا به اجرا در آمد. به سال ۱۹۴۱ اپرای کوراوغلو در تبریز به روی صحنه رفت که با استقبال شایان توجهی روبرو گردید. لیبرتوی این اپرا در طی سال‌ها، به زبان‌های ترکمنی، ارمنی و ازبک برگردانده شد و در صحنه عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان به سال ۱۹۳۸ و ایروان مرکز ارمنستان ۱۹۴۲ و تاشکند پایتخت ازبکستان ۱۹۵۰ به اجرا درآمد.

به مناسبت نودمین سالروز تولد اوزیر حاجی‌بیگ‌اف این اپرا در تئاتر اپرا و باله‌ی میرزا فتحعلی آخوندزاده به روی صحنه رفت. در گذشته‌های دور در سال ۱۹۳۸ حاجی‌بیگ‌اف نوشت:«بی ریا و با کمال صداقت، من میل داشتم اپرای کوراوغلو را به عنوان یک اثر رئالیستی موسیقی اپرایی ارایه کنم».

قاراقارایف یکی از شاگردان اوزیر حاجی‌بیگ‌اف، و از آهنگ‌سازان نامدار آذربایجان در مورد اپرای کوراوغلو می‌گوید:«اپرای کوراوغلو شاهکاری برجسته است که نقش شخصیتی بزرگ و خلاق را نمایان می‌سازد و در عین حال اثری عمیقاً ملی است. اوزیر حاجی‌بیگ‌اف از برجسته‌ترین هنرمندان در موسیقی جهان است.»

آخرین سالهای زندگی در محیطی آکنده از تجلیل و قدردانی سپری شد. در شصتمین سال تولدش ابوالحسن‌خان اقبال آذر هنرمند معروف و خانم بتول گنجه‌ای ضمن تلگرافی، تولدش را تبریک گفتند. اما خبری که صبح روز ۲۳ نوامبر ۱۹۴۸ از طریق رادیو باکو پخش شد قلب شیفتگان هنر موسیقی را مالامال از اندوه و درد کرد. اوزیر آن نغمه پرداز راستی‌ها، آن ستیزنده ناپاکی و رذالت خاموش شده بود. او در آن زمان مشغول کار بر روی مجموعه‌ای از رمانس‌ها بر اساس سروده‌های شاعر بزرگ گنجه، نظامی بود. اما فرمان مرگ آن‌ها را نیمه تمام گذاشت. دو رمانس از این سری بعد از مرگش به اجرا درآمد. آخرین اثری که اوزیر حاجی‌بیگ‌اف بر روی آن کار می‌کرد، اپرای فیروزه نام داشت که نیمه تمام ماند.

*پی نوشت:*

یاری و همکاری دوست ارجمندم آقای یحیی اسماعیل زاده در تهیه پاره‌ای از مطالب و نت‌های این مقاله، قابل تقدیر و تشکر است.

## باش ساغلیغی

انشیتدیگیمیزه گؤره آذربایجانین گؤرکملی صنعتکاری «حوسین خدادادی»، تانرینین رحمتینه قووشموشدور. بو اوزونتولو ایتگی‌یه گؤره بوتون آذربایجان اینجه‌صنعت خادیملرینه باش ساغلیغی وئریب و تانریدان او مرحومون قالانلارینا دؤزوم دیله‌ییریک.

# موسیقی جاز در آذربایجان
# و
# عزیزه مصطفی زاده



منبع : اینترنت

مترجم: علیرضا غفاری

## موسیقی جاز در آذربایجان:

اواخر قرن هجدهم، آمریکا آبستن تحولی شگرف درعرصه موسیقی بود که این تحول ظهور موسیقی جاز بود. این ژانر موسیقی که اساساً محل تولد آن منطقه‌های سیاهپوش‌نشین شیکاگو و ارلنیز بود، شامل ریتم‌های آفریقایی است که از موسیقی آسیایی و مکاتب موسیقی اروپایی نظیر موسیقی کلاسیک و حتی موسیقی قبایل بومی آمریکا نیز تأثیر می‌پذیرد. این سبک موسیقی جدید پس از ظهور به سرعت در تمامی مناطق دنیا و از جمله آذربایجان گسترش پیدا کرد. هر چند سرعت نفوذ این ژانر موسیقی در برخی از کشورها از جمله اتحاد جماهیر شوروی و آلمان نازی بعلت پاره ای از مسائل سیاسی با موانع بسیاری مواجه شد. استالین با نامیدن این موسیقی تحت عنوان موسیقی سرمایه‌داری آن را قدغن کرد. در آلمان نازی نیز هیلتر با نامیدن این موسیقی بنام موسیقی سیاهان از گسترش آن جلوگیری کرد. علیرغم این ممنوعیت‌ها، تا سال ۱۹۵۰، مکتبی از موسیقی در آذربایجان تحت عنوان موغام جاز یا جاز موغام ظهور کرده بود که بنیانگذار آن، واقیف مصطفی‌زاده، پدر عزیزه مصطفی‌زاده بود.



عزیزه مصطفی زاده

ابتکار واقیف مصطفی‌زاده در ابداع مکتب جدیدی تحت عنوان "موغام جاز" با استفاده از ترکیب موسیقی ملی و جاز درنوع خود اولین محسوب می‌شود. هر چند، آذربایجان در تولید مکاتب جدید موسیقی با استفاده از ترکیب آنها با مکاتب شرقی و ملی، کشور اولین‌ها محسوب می شود.بعنوان مثال می‌توان از اولین بالت، اولین اپرا و اولین ارکستر سمفونی نام برد. Dizzy gillespie که خود از هنرمندان بزرگ موسیقی جاز می باشد، در مورد واقیف و استعداد موسیقی او می‌گوید: "موسیقی واقیف از یک سیاره دیگر است! موسیقی او موسیقی دیگر است. واقیف در سال ۱۹۷۸ برنده جایزه نخست فستیوال جاز جهانی در موناکوشد.

"موغام جاز" به نوعی از موسیقی جاز اطلاق می‌شود که بر اساس فرمهای مدال یا مقیاس‌های موغام است. سبک جاز متداول با ریتم‌های متریک (metered rhythms) ساخته می‌شود، اما موغام جاز از سیستم متریک تبعیت نمی‌کند. در این سبک، هم ریتم‌ها و هم مقیاس‌ها بصورت فی البداهه ساخته می‌شوند.

اگر از واقیف به عنوان مبدع مکتب "جاز موغام" یاد می‌شود. از دختر مستعد او عزیزه مصطفی‌زاده باید بعنوان ادامه دهنده راه او نام برد که این سبک موسیقی را به جهانیان شناساند. بواقع او یکی از درخشانترین ستاره‌های موسیقی جاز است که دنیای موسیقی تاحال بخود دیده است. در ادامه بخشهایی از ایده‌ها و افکار او راجع به زندگی،موسیقی و خانواده‌اش خواهد آمد..

## عزیزه مصطفی زاده

"عزیزه مصطفی زاده" آهنگساز، خواننده و پیانیست مستعد و جوان آذربایجانی بیش از آنچه که در سرزمین خودش،آذربایجان، مشهور باشد. در سراسر اروپا از شهرت والایی برخوردار است. شاید هیچ هنرمند جوانی به اندازه او ازچنین شهرت گسترده‌ای درخارج از آذربایجان، بهره‌مند نیست. او راجع به زندگی خود چنین می‌گوید: "من در دنیای جاز و شاید بهتر بگویم در دنیای موغام چشم به جهان گشودم. با پشتوانه‌ای که از موسیقی در خانواده داشتم،کاملاً طبیعی است که می توانم در عرصه موسیقی جاز هنرمندی نمایم. پدر من واقیف مصطفی زاده به عنوان بنیانگذار حرکتی نوین در موسیقی آذربایجان تحت عنوان "جاز موغام" که در سالهای ۷۰-۱۹۶۰ شروع شد، شناخته می‌شود. مادرم نیز از استعداد موسیقی فوق العاده ای برخوردار است."

## آشنایی عزیزه با موسیقی جاز

اولین ادراکات عزیزه از موسیقی جاز در نوع خود جالب و خواندنی است.مادر او در مورد اینکه چگونه برای نخستین بار

استعداد موسیقی در او را کشف کرد، چنین می‌گوید: "وقتی عزیزه نوزاد هشت ماهه ای بود، پدرش قطعه‌ای را در پیانو در دستگاه شور می نواخت، با شنیدن این قطعه او حالت غمگینی به خود گرفت و شروع به گریه کردن کرد ما متعجب بودیم که چه اتفاقی افتاده است و او چرا گریه می‌کند؟! به واقیف گفتم قطعه ای را در دستگاه "راست" که دستگاه نشاط آفرینی است بنوازد. با شنیدن این قطعه، عزیزه در عین حال که قطرات اشک برگونه هایش جاری بود شروع به شادی کرد. به این ترتیب ، ما ارتباط بین احساسات او و موسیقی و همچنین استعداد شگرف او را در درک موسیقی یافتیم."

قبل از ده سالگی عزیزه پدرش در سال ۱۹۷۹ این دنیا را وداع می گوید، او در مورد مرگ پدر چنین می‌گوید" پدرم در نظر من هرگز نمرده است. او فقط این کره خاکی را ترک کرده است من همواره احساس می‌کنم که انرژی او مرا احاطه کرده است و همواره حضور پرشور او را در کنسرتهایم احساس می‌کنم."

عزیزه پیشرفت خود را نه در تمرین و پشتکار زیاد، بلکه مرهون عشقش به موسیقی می داند. او در مورد نخستین سالهای آشنایی اش با موسیقی جاز می گوید: "وقتی من جوان بودم، زیاد راجع به اینکه پیانیست یا آهنگساز باشم فکر نمی کردم، و همه چیز برای من هنگام نواختن موسیقی مهیج و زیبا بود. موقعی که در مدرسه موسیقی بودم همیشه در برابر تاکیدهای استادم که می گفت باید بیشتر تمرین کنم ، امتناع می‌کردم و می‌گفتم من فقط هنگامی می‌نوازم که احساس نیاز می‌کنم و فکر می کنم تا وقتی که به منبع وحی متصل نشدم، نمی توانم دست به پیانو بزنم و گرنه قطعاً بسیار بد خواهم نواخت."

بعد از مرگ پدر، مادر عزیزه تمام توجه و انرژی خود را صرف تربیت او می کند او در مورد مادر خود چنین می گوید: " من واقعاً از او سپاسگزارم و به قدرت خلاقیت و ابتکار او در موسیقی،ایمان دارم"

## ایده‌های"عزیزه مصطفی‌زاده" در مورد موسیقی جاز:

آهنگهای عزیزه مصطفی زاده بکلی متفاوت از "جاز کلاسیک" می باشد و چنانچه ذکر شد، سبک کاری او موسیقی "جازموغام" می باشد. او به مفهوم والای موسیقی پی برده است و ایده های خود را در مورد موسیقی چنین بیان می کند: "من می‌خواهم موسیقی من به مردم این حس را القاء کند که آنها می توانند در فضای عاری از جنگ و دعوا و حسادت و تنفر در کنار یکدیگر و در صلح و آرامش زندگی کنند. زندگی خیلی کوتاه است و در عین حال می‌تواند خیلی زیبا باشد.پدرم همیشه می‌گفت جهان را موسیقی نجات خواهد داد."

## اجراهای عزیزه مصطفی‌زاده:

عزیزه در اجراهای خود، بیش از هر چیز از موسیقی موغام، "موسیقی ملی آذربایجان" تاثیر می‌پذیرد. هرچند او از این سبک موسیقی نه در نوع سنتی‌اش بلکه در ترکیب با دیگر سبکهای موسیقی نظیر موسیقی کلاسیک بهره می گیرد. عزیزه در مورد تاثیرپذیری خود از موسیقی جاز چنین می‌گوید :" موغام واقعاً یک قدرت سحر انگیز و شگرفی دارد. سابقه این موسیقی شاید به هزاران سال پیش برمی‌گردد و من احساس می کنم صرفنظر از کشوری که من در آنجا برنامه اجرا می‌کنم، شنوندگان، زیبایی این موسیقی را ادراک و احساس می کنند. هر چند ممکن است که آنها نتوانند این موسیقی را به صورت تئوری تحلیل کنند." عزیزه اجراهای متفاوت و زیادی در بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای اروپایی داشته است. او در مورد اجراهای خود در آذربایجان می‌گوید" عوامل زیادی هستند که یک اجرا را شکل می‌دهند. هر چیزی می‌تواند یک اجرا را تحت تأثیر خود قرار دهد، نحوه شنیدن شنوندگان، حتی شرایط آب و هوا نیز تأثیر گذار هستند، اما در نهایت همه چیز به خدا برمی‌گردد. برای من اجرا در سرزمین مادری خودم، آذربایجان بیش از هر جای دیگری لذتبخش است."



عزیزه وپدرش واقیف مصطفی زاده

## جوایز:

عزیزه در سال ۱۹۹٤ برنده جایزه آکادمی فونو (phono) ،برترین جایزه موسیقی در آلمان، می شود. در همین سال او جایزه اکو را از کمپانی (Sony)بخاطر دومین cd منتشر شده اش (Always) دریافت می کنند. هر چند او جوایز زیادی را از بسیاری از موسسات وآکادمی های موسیقی دریافت کرده است اما خود می‌گوید بهترین رضایت برای من زمانی حاصل می‌شود که خداوند بمن ایده های جدیدی را الهام کند تا بتوانم آهنگ های جدیدی بسازم.

## آینده آذربایجان:

هر چند عزیزه برنامه کاری بسیار فشرده ای دارد، اما او از تصمیم خود برای برگشت به آذربایجان سخن می‌گوید و احساسات خود را در مورد آذربایجان چنین بیان می‌کند:" من فکر می‌کنم، آذربایجان آینده بسیار روشنی داردچرا که آذربایجانیها لایق آن هستند اما آنچه که آذربایجانیها را لایق آینده ای روشن می کند صداقت و صمیت و بی ریا بودن آنهاست. هیچ ملتی در دنیا به اندازه آذربایجانیها صادق و صمیمی نیستند."


**آمـــوزش پـیـانـو**

**کلاسیک آذربایجانی**

**در اورمـیه**

**توسط: بابک یوسف زاده**

**تلفن: ۰٤۳۲۲۲٤**

# ابزار اسپنسورگری پشتوانه مهم توسعه فعالیتهای موسیقائی

مسعود فیوضات
mfiouzat@yahoo.com

(قسمت اول)

در طی ماههای اخیر تلاشهای جوانان هنرمند آذربایجانی برای فعالیت در زمینه موسیقی آذربایجانی در سه حوزه سازی، آوازی و رقص با توسل به تشکیل گروههای هنری مشهود است. آنچه موجب این امر گردیده عبارت است از ارتقا درک و شناخت فرهنگ ملی آذربایجان به طور اعم و عشق و علاقه به فرهنگ موسیقی ملی بطور اخص. بررسی‌ها نشان میدهد که آذربایجانی‌های ایران دارای استعداد سرشاری از فراگیری هنر می‌باشند. موفقیت و تاثیرگذار بودن آنها در شاخه‌های مختلف هنر عمومی ایران اثباتگر این امر می‌باشد. بدلیل فقدان زمینه برای فراگیری هنر ملی آذربایجانیها و اعمال جبر از سوی اقتدار مرکزگرا برای بسط، گسترش و استقرار فرهنگ رسمی حاکم و حذف یا در سایه قرار دادن فرهنگهای محکوم و غیر رسمی، بی اعتنائی و کوچک شمردنشان با عباراتی نظیر خرده فرهنگ یا موسیقی‌های محلی و نواحی که بطور حساب شده و بر اساس برنامه‌ریزی از سوی رژیم ارتجاعی و شوونیست پهلوی اعمال گردیده، هنرمندان آذربایجانی از کسب تخصص هنری و ارائه آفرینشهای درخشان در زمینه هنر ملی خودشان موفقیتی نداشته و در عوض در حوزه های مربوط به فرهنگ رسمی بی‌بدیل و اثرگذار گردیده‌اند. بسیاری از هنرمندان برجسته و صاحب نظر آذربایجانی در رشته‌های مختلف هنری وادبی مانند موسیقی، شعر، معماری، هنرهای تجسمی، سینما و تئاتر را میتوان نام برد که عامل هرچه غنی‌تر شدن گنجینه ادب و هنر ایران هستند. اما در نتیجه سیاستهای یاد شده قادر به آفرینشگری در فرهنگ و هنر مادری خود نگردیده‌اند. با توجه به شرایط فوق الذکر در زمینه هنر موسیقی آذربایجانی از کمبود یا بهتر بگوییم فقدان کادر هنرمندان برجسته و دارای سطح بالا رنج می‌بریم ولی این دلیلی بر یکجا ماندن و درجا زدن نیست. باید حرکت کرد و در این راه مقدس همه علاقمندان و مستعدان موسیقی ملی را نیز همراه کرد. در این راستا آماده نمودن هنرجویان کودک و نوجوان دارای اهمیت بسیاری است. زیرا سرمایه‌گذاری روی این سنین در همه زمینه‌های هنری تضمین کننده کسب نتایج مثبت و کیفی در درازمدت میباشد. طبیعی است که سنین بالاتر هم روند کندی را خواهند پیمود و هم انتظارات مورد نظر را عملی نخواهند ساخت. اخیرا باخبر گردیدیم که تعدادی از والدین علاقه مند با توافق و هماهنگی یکدیگر فرزندانشان را برای فراگیری دسته جمعی رقص آذربایجانی و تشکیل گروهی هنری مختص کودکان و نوجوانان آماده کرده‌اند. ازدیاد هرچه بیشتر این فعالیتها در زمینه رقص و موسیقی به مثابه تحقق سرمایه‌گذاری یاد شده و تبلور باورها و آرزوهای شیفتگان هنر ملی میباشد. سایر هنرمندانی هم که خود را تا مرحله معینی رسانیده‌اند باید با تمرینات مداوم، افزایش معلومات موسیقائی خود و متشکل شدن در گروههای موسیقی فعالیتهای خود را ادامه دهند.

از سوی دیگر کادر در حال تحصیل عمدتا جوان نیز که در آکادمی ملی موسیقی و کنسرواتوار دولتی کشور جمهوری آذربایجان تحصیل می‌کنند در سالهای آینده با کوله باری از دانش فنی موسیقائی(هم موسیقی ملی و هم بین المللی) به کشور بازخواهند گشت و فصل نوینی در گسترش کمی و کیفی این هنر گشوده خواهد شد. بهرحال تشکیل گروههای موسیقی در سبکهای متنوع نیاز و طلب دوران ماست. هنرمندان باید بدور از هرگونه اغراض، کم شماری، نخوتهای کاذب و بدبینی با ایجاد فضای تفاهم، دوستی، همفکری، احساس مسئولیت جمعی و وجدان ملی در راه نیل به این مقصد بکوشند. درست است که تشکیل گروه، سازماندهی و برنامه ریزی برای تمرینات مداوم، تحمل هزینه های مرتبط با تداوم حیات آن، تحمل و هماهنگی های بین افراد با درنظر گرفتن سلیقه ها و چهارچوبهای رفتاری متنوع افراد گروه امری دشوار می باشد اما برنامه ریزی برای اجراهای موفق صحنه ای و حضور در مقابل تعداد تماشاگران انبوه و علاقه مند و در نتیجه نیل به نائلیتهای مادی و معنوی که شرط اصلی برای برپا ماندن گروه است بسیار دشوارتر از آن به نظر میرسد. بنابراین گروههای تازه تشکیل یافته با دو چالش جدی *" امکانات مادی و توده مخاطبانی با سطح درک موسیقائی قابل قبول"* که سالنها را در هر اجرا تکمیل نمایند روبرو هستند. با اینکه ارائه مداوم موسیقی صرفا شاد سطحی و پرسروصدای عامه پسند و هیجان برانگیز که فاقد کارکردهای عمیق معنوی و پرورشی و مانعی جدی در راه شکل پذیری تفکر و شعور والای ملی، مدنی و اخلاقی مخاطبان است حل کننده معضلات گروههای موسیقی و شخص هنرمندان است اما به مصداق این سخن یکی از بزرگان *" شاید عده ای را در کوتاه مدت بتوان گول زد، اما همه را برای همیشه نمی توان فریفت."* هنرمند واقعی مخاطب را فریب نمی دهد. او هدایتگر و خط دهنده مردم بسوی تفکر صحیح، ذوق عالی و کمال مطلوب است . بقول لئون تولوستوی:

*"عالم رو به کمال است. در این سیر تکاملی نقش ما هنرمندان ، شاعران و نویسندگان بسیار اساسی است. زیرا که ما انسانها را تربیت می‌کنیم."*

هنرمند به جامعه و مخاطبانش خط داده و او را در به سمت درک هنر ارزشمند رهنمون می سازد. روزی دکتر جواد هئیت در سال ۱۳۶۹ در آغاز سخنانش به جمع دانشجویان هیجان زده و مشتاقی که در تالار ابن‌سینای دانشگاه علوم پزشکی تهران گردهم آمده بودند گفت :

*"آنچه را که دوست دارید بشنوید نخواهم گفت. آنچه را که به نفعتان است خواهم گفت."*

هنرمندان نیز عمدتا باید آنچه را که به نفع مخاطبان است ارائه دهند نه صرفا آنچه را که آنها عادتا دوست دارند بشنوند. آنها باید با ارائه کار خوب و کیفی سطح درک موسیقائی مخاطبان را ارتقا دهند.

برای حل مسائل مبتلا به جامعه موسیقی جلب حمایت از سوی دو نیروی متفاوت راهگشا خواهد بود:۱-دولت و ارگانهای ذیربط آن ۲- نهادها، موسسات، واحدهای تجاری و اشخاص حقیقی و حقوقی توانمند غیر دولتی. در زمینه آنچه که مربوط به نقش حمایتی دولت

***هنرمندان باید آنچه را که به نفع مخاطبان است ارائه دهند نه صرفا آنچه را که آنها عادتا دوست دارند بشنوند. آنها باید با ارائه کار خوب و کیفی سطح درک موسیقائی مخاطبان را ارتقا دهند.***

ونهادهای آن مطرح است، عموما شاهد اعمال سیاستهائی بوده‌ایم که کل جامعه هنری ایران را بخاطر کارائی ضعیف آن سیاستها ناراضی ساخته است. همانگونه که گفته شد این عدم حمایت در حوزه فرهنگ غیرحاکم مشکلاتی مضاعف را دربرداشته و شکلی کاملا تحریم گونه بخود میگیرد. بعنوان مثال سرنوشت تحقق فاز اجرائی توافقات انجام یافته مابین اداره کل ارشاد استان آذربایجان شرقی و کنسرواتوار ملی جمهوری آذربایجان دائر بر اعزام معلمین سطح بالای موسیقی آذربایجانی به آن استان برای تربیت کادرهای هنری در سطح پیشرفته که در مرداد سال ۱۳۸۲ صورت گرفت هنوز دربند روشن شدن وضعیت گردش آن در پیچ و خم سانترالیزم بروکراتیک مرکز یعنی وزارت ارشاد اسلامی و نهایتا صدور یا عدم صدور مجوز می‌باشد. اما این دلیل نمی‌شود که مطالبات را مسکوت گذاشت. همه این گروههای هنری و تشکلهای هنری پشتیبان آنها که در قالب انجمنها و نهادهای مستقل غیردولتی شکل گرفته یا در حال تکوین هستند، وظیفه طرح و پیگیری این خواستها را در چهارچوبی کاملا منطقی، قانونی و سیستماتیک دارند. خواستهای مطروحه در بیانیه اولین سمینار موسیقی آذربایجان نمونه ای از این تلاشهای دمکراتیک محسوب می‌گردد. حل معضل عدم حمایت دولت ، مقوله‌ای است که در پروسه تغییر اساسی سیاستها ، نگرشها و متودهای ساختار سیاسی حاکم در خصوص فرهنگهای ملل و اقوام ایرانی ـ که تلاشهای خود این ملل نیز نقش تعیین کنندگی را در این زمینه داراست ـ قابل انجام است. اما در کنار این تمهیدات لازم است به نقش عوامل مستقل غیردولتی پرداخته شود. در کشورهای پیشرفته و نیز بسیاری از کشورهای در حال توسعه مقوله حمایت مادی از اجرای یک برنامه هنری یا تولید محصول یا محصولات فرهنگی شامل کنسرتهای موسیقی، ساخت فیلم، اجرای تئاتر، تالیف اثر، تولید آثار صوتی و تصویری و غیره بر اساس انعقاد قراردادی مدون مابین صاحب یا صاحبین اثر از یکسو و حمایتگر از سوی دیگر اسپونسرگری نامیده می‌شود. بر اساس این قرارداد صاحب یا صاحبین اثر متعهد می‌شوند تا در ازای تامین مالی قسمتی از هزینه های مربوط به فعالیت فرهنگی یا هنری توسط اسپونسر نام یا علامت تجاری او را در متن اثر بوجود آمده به منظور تبلیغ و ایجاد زمینه شناخت عمومی قرار دهند. بسیاری از کنسرتهای و برنامه‌های زنده موسیقی به این ترتیب شکل می‌گیرند. متاسفانه در زمینه تولید آثار موسیقائی آذربایجانی مانند محصولات صوتی و تصویری و اجرای کنسرتها و برنامه‌های ادبی ـ موسیقائی مقوله اسپونسرگری هنوز نشانه‌ای از خود بروز نداده است. این در حالی است که قشر بسیار وسیع و متنفذی از پولداران، سرمایه‌داران و افراد دارای امکانات در تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ کشور زندگی می‌کنند که اگر فقط درصد بسیار کمی از آنها در این وادی داخل شوند، می‌توان سالانه شاهد تولید صدها اثر موسیقائی به صور گوناگون بود. قدر مسلم آنکه اکثریت قریب به اتفاق هنرمندان موسیقی آذربایجانی فاقد امکانات مالی لازم جهت تولید آثار موسیقائی‌شان هستند. پس از موفقیت در امر ارائه نیز مشکل فروش آنها، بازگشت سرمایه و نهایتا کسب انتفاع که موتور محرکه ادامه فعالیتهای موسیقائی است معضلی اساسی به حساب می‌آید. متاسفانه در میان قشرهای مختلف آذربایجانی‌ها مشاهده می‌گردد که بدنبال استفاده از یک کنسرت موسیقی رایگان یا با قیمت کم هستند. هر از چندگاهی که کنسرت بزرگان موسیقی آذربایجان با حضور هنرمندان برجسته‌ای مانند عارف بابایف، هابیل علیف، عالیم قاسموف، تیمور مصطفی‌اف وغیره در تهران برگزار می‌گردد، برخی از افراد که عموما توانائی خرید بلیت هم دارند تماس گرفته و به قیمت بلیت پنج هزار تومانی اعتراض می‌کنند. این در حالی است که قیمت بلیط برخی کنسرتهای موسیقی ایرانی که سطح هنری آنها با بزرگان موسیقی آذربایجانی فرسنگها فاصله دارد تا ده هزار تومان هم به فروش رفته و برای بلیتهاشان بازار سیاه ایجاد می‌شود.

***متاسفانه در میان قشرهای مختلف آذربایجانی‌ها مشاهده می‌گردد که بدنبال استفاده از یک کنسرت موسیقی رایگان یا با قیمت کم هستند. هر از چندگاهی که کنسرت بزرگان موسیقی آذربایجان با حضور هنرمندان برجسته‌ای مانند عارف بابایف، هابیل علیف، عالیم قاسموف، تیمور مصطفی‌اف وغیره در تهران برگزار می‌گردد، برخی از افراد که عموما توانائی خرید بلیت هم دارند تماس گرفته و به قیمت بلیت پنج هزار تومانی اعتراض می‌کنند...***

مدیر برگزاری کنسرتهای "عالم قاسموف" که در زمستان سال ۸۰ در تالار وحدت تهران با استقبال بسیار برگزار گردید اذعان می‌دارد که پس از بررسی و تحقیق متوجه شدیم که هفتاد الی هفتادوپنج درصد شرکت‌کنندگان در کنسرتهای عالیم غیرآذربایجانیها بوده‌اند. در خصوص سی‌دی، نوار و ویدئو کاست هم وضعیت بدتر از این است . نمونه‌ای را سراغ داریم که هنرمندی ۲۰هزار کاست روانه بازار کرده و در طی دوسال با زحمت آنها را به فروش رسانده است در حالی که در این مدت حداقل سه برابر تعداد کاست اوریژنال او در بازار به شکل کپی تکثیر شده و در دسترس مردم قرار گرفته است. این کپی‌ها یا توسط افراد سودجو انجام شده و فروخته می شود یا مردم خودشان در منزل آنها را کپی کرده و استفاده می‌کنند غافل از اینکه اولا قیمت کاست اوریژنال چندان تفاوتی با هزینه کپی شده آن ندارد. ثانیا کاست اوریژنال دارای ارزش و زیبایی بیشتری است و نام آهنگها و شعرها و عوامل روی جلد آن قید شده است . ثالثا حمایت از فعالیت هنرمندان با خرید کاست اصل میسر است. چنانکه خرید بلیتهای کنسرتها نیز حمایت از ادامه فعالیت وخلاقیت آنها محسوب میشود. با توجه به این تفاسیر نقش اسپونسر در این میان بسیار برجسته خواهد بود.

**ادامه دارد...**

# خبرلر

### عالیم قاسیموف در راه اروپا

عالیم قاسموف استاد برجسته موغام آذربایجان که به تازگی از سفر بازگشته است، قصد مسافرت و اجرای برنامه در چند کشور اروپایی از جمله فرانسه، بلژیک و اسلواکی را دارد. وی در اواخر بهار نیز سفری به اسپانیا خواهد داشت و به همراه "Karmen Dinari" خواننده معروف اسپانیایی برنامه‌ای مشترک اجرا خواهند نمود.
www.azeroo.com

### خئیرییه کانسئرتی

آذر آیینین ۱۲ سینده، دونیا معلوللار گونو موناسیبتی‌ایله تبریزین پرستاری دانیشکده‌سینین تالاریندا کئچیریلن بیر توپلانتیدا، آذربایجان آدینا موسیقی مکتبین آنسانبولو طرفیندن اوستاد "حسن دمیرچی‌نین" رهبرلیگی‌ایله بیر ماهنی-موغام کانسئرتی کئچیریلدی. هونرمند تاماشاچیلاردان بیریسی کانسئرته قاتیلاراق "آزاد بیر قوشودوم" ماهنی‌سین اوخودو.




### بریلیانت خواستار مجازات خواننده ارمنی شد...

به دنبال سرقت‌های تاریخی ارامنه از ادبیات، فرهنگ و موسیقی اصیل آذربایجانی، اکنون نوبت به موسیقی پاپ آذربایجانی رسیده است. سولیست تئاتر دولتی ایروان "وارتوهی وارتانیان" وکال ایفا شده توسط بریلیانت داداش‌اوا را به نام ترانه فولکولوریک ارمنی بصورت ویدئوکلیپ و بعنوان هدیه سال نو تقدیم ملتش کرد. این وکال توسط گارمون نواز آذربایجانی "انور صادق‌اف"، براساس ترانه‌های ملی آذربایجانی و ترانه "نوروزوم" اثر "واقیف گرای‌زاده" شکل گرفته و با صدای خواننده معروف "بریلیانت داداش‌اوا" ایفا شده بود. بریلیانت قصد دارد با متوصل شدن به تشکیلات بین المللی و ارائه شکوائیه و سندهای لازم برای احقاق حق خود اقدام کند.
www.525ci.com

### سرانجام کوراوغلو پیدا شد

با گذشت سالها از اجرای اپرای کوراوغلو با هنرنمایی بزرگانی همچون "بولبول"، "لطفیار ایمانوف" و ... این بار وکالیست جوان "اولوی قیلینج" قصد دارد در رول کوراوغلو ایفای نقش کند. این اپرا که یادگار استاد بزرگ اوزیر حاجی‌بیگ‌اف میباشد، چندین سال است که به صحنه نرفته است و این بار قرار است با کارگردانی "حافیظ قلی‌اف" اجرا شود. رهبری ارکستر بر عهده "جوانشیر جعفراف" خواهد بود و"قرینه کریم‌اوا" در نقش نیگار ایفای نقش خواهد کرد.
www.525ci.com

### موسیقی آذربایجان در آمریکا

ارکستر"Mount Vernon" قصد ایفای قطعاتی از موسیقی آذربایجان را دارد. این ارکستر آمریکایی چندین قطعه از آهنگسازان آذربایجان "سلطان حاجی‌بیگ‌اف" ، "قارا قارایف" را در ویرجینیای آمریکا اجرا خواهد نمود. اعضای کنسولگری جمهوری آذربایجان قبل از اجرای موسیقی در مورد فرهنگ و موسیقی آذربایجان صحبت خواهندکرد.

### رسیتال تار و پیانو در اورمیه

مراسم شب شعر و موسیقی در اواخر بهمن ماه در آمفی تئاتر هلال احمر اورمیه برگزار شد. در این مراسم رسیتال تار- پیانو توسط سولیست تار "فرشید جهاندیده" و نوازنده پیانو "بابک یوسف‌زاده"اجرا و قطعاتی از موسیقی کلاسیک آذربایجانی ایفا گردید.

### اجرای موسیقی عاشیقی در روز جهانی زبان مادری

روز دوم اسفند مراسمی بمناسبت "روز جهانی زبان مادری" در دانشگاه علم و صنعت ایران برپا گردید. در بخش ترکی این مراسم که با همکاری نشریات ایشیق، دالغا و گونش برگزار شد گروه عاشیق سولدوز مهدی‌پور هم در دو بخش با هنرنمایی خود فضای خاصی به مراسم بخشیدند. اعضای این گروه آقایان عاشیق سولدوز مهدی‌پور با قوپوز، عارف مهدی‌پور با تمبو و اکبر محرم‌پور با قارمون بودند که به دعوت انجمن موسیقی دالغا در مراسم شرکت کرده و به هنرنمایی پرداختند.

### کنسرت موسیقی آذربایجانی در زنجان و اورمیه

۲-۱۳ خردادماه سال ۱۳۸۳، کنسرت موسیقی آذربایجانی با اجرای گروه موسیقی زولفی آدی‌گؤزلوف به خوانندگی استاد موغام آقاخان عبدالله‌یف در زنجان، تهران و اورمیه برگزار خواهد شد. نوازنده تار این گروه فیروز علی‌یف، و نوازنده کمانچه اسماعیل حمیداف میباشد. کنسرتها به سرپرستی آقای رحمتی ترتیب یافته است، همچنین آموزشگاه موسیقی دانشور در برگزاری کنسرت زنجان همکاری خواهد داشت.
تلفنهای تماس (زنجان): ۳۲۳٤۷٤٥(آموزشگاه موسیقی دانشور) و ٥۲۳۳۸٥۲(رحمتی)

### دیدار یکی از اعضای شورای مرکزی دالغا با برخی از هنرمندان تبریز

در سفری که یکی از اعضای شورای مرکزی دالغا به تبریز داشت، با چند تن از پیشکسوتان و محققین موسیقی از جمله آقایان شاطریان، فرشباف، دمیرچی و سیدسلامت دیدار کرد. در این سفر پربار هنرمندان تبریز پیشنهادات و انتقادات خویش را در مورد دالغا مطرح کردند.

### کنسرت موسیقی آذربایجانی در حمایت از زلزله زدگان بم

در تاریخ ۸۲/۱۱/۲۸ کنسرتی برای حمایت از زلزله‌زدگان بم به همت دانشجویان ترک دانشگاه زنجان (جمعیت اسلامی دانشگاه زنجان) برگزار گردید. این کنسرت توسط گروه موسیقی آذرگؤروش اورمیه در سالن ورزشی دانشگاه زنجان برپا شد.

**بازداشت هنرمندان موسیقی جمهوری آذربایجان در تهران**

سه هنرمند جمهوری آذربایجان شبانه در هتل محل اقامتشان در تهران دستگیر شده و بیش از یک ماه در بازداشت بسر بردند. گفته می‌شود اتهام آنها تنها اجرای موسیقی غیر مجاز می‌باشد! فعالین موسیقی آذربایجان در تهران با عنوان اینکه اجرای هیچکدام از موسیقی‌های اوریجنال و ملی آذربایجانی از نظر قوانین ایران نمیتواند در حد منکرات تلقی شود خواستار آزادی این سه تن بودند.

اسامی این هنرمندان که هر سه از آسیب دیدگان تهاجم ارمنستان به ناحیه قره‌باغ جمهوری آذربایجان هستند عبارتند از:

۱- جبرائیل گویوش‌اف: نوازنده چیره‌دست تار، دانشیارکنسرواتوارموسیقی ملی جمهوری آذربایجان در باکو، ۳۲ساله ،اهل قره‌باغ، متولد شهر اشغالی آقدام ۲- طاهر حسین‌اف: استاد ناقارا، ٦۰ساله، اهل قره‌باغ ۳- فضولی حسن‌اف: استاد تار،۳۱ساله، اهل قره‌باغ

سرانجام پس از پیگیری عده‌ای از فعالین موسیقی این سه نفر آزاد شدند.

# Xəbərlər

### *Alim Qasımov Avropa yolunda*

Azərbaycanın görkəmli muğam müğənnisi *Alim Qasımov* səfərdən qayıdandan sonra, Avrupanın bir neçə ölkəsində, o cümlədən Fransa, Belçika və Slovakiyaya gedib konsert keçirtmək fikrindədir. O yazın son günlərində də İspaniyada, oranın adlım oxuyanı "*Karmen Dinari*"ilə birlikdə konsert verəcəkdir.
www.azeroo.com

### *Brilyant Erməni oxuyanının cəzalandırılmasını istədi....*

Ermənilərin, tarix boyu Azərbaycanın ədəbbiyat, kültür və musiqisindən oğurluqları sırasında, bu gün növbə Azərbaycanın pop musiqisinə çatıbdır. İrəvanın dövlət teatrının solisti "*Vartohi* Vartanian", Brilyant Dadaşova *oxuyan* vokalı, Ermənilərin folkolorik mahnıları adıyla videokulub formasında və bayramlıq adına ulusuna ithaf etdi. Bu vokalı Azərbaycanın qarmon çalanı "*Ənvər Sadıqov*", Azərbaycanın xalq mahnıları və "*Vaqif Gərayzadə*"nin bəstələdiyi "Noruzum" mahnısı əsasında bəstələyib və Azərbaycanın adlım oxuyanı "*Brilyant Dadaşova*" oxuyubdur. Brilyant istəyir millətlərarası qurumlara müraciət edərək, ərizə yazdırıb sənəd verməklə öz haqqını qorusun.
www.525ci.com

### *Xeyriyyə konserti*

Azər ayının 12-sində, Dünya Şikəstlər günü munasibətilə Təbrizin pərəstarlıq fakültəsinin zalında keçirilən bir toplantıda, Azərbaycan adına musiqi məktəbin ansamblı tərəfindən ustad "*Həsən Dəmiçinin*" rəhbərliyi ilə bir mahnı-muğam konserti keçirildi. Hünərmənd tamaşaçılardan birisi konsertə qatılaraq "Azad bir quşdum"mahnısını oxudu.




### *Koroğlu tapıldı!*

"*Bülbül*", "*Lütfyar İmanov*" və b. kimi böyüklərin ifasiylə Koroğlu operası icrasından neçə il keçdikdən sonra, bu dönə gənc vokalist, "*Ülvi Qılınc*" istəyir Koroğlu rolunu oynasın. Üzeyir Hacıbəyovun yadigarı olan bu opera, neçə ildir ki, icra olunmayıb və bu dönə "*Hafiz Quliyev*" onu səhnəyə aparacaq. "*Cavanşir Cəfərov*" orkestrin başçısı və "*Qərinə Kərimova*" Nigar rolunu ifa edəcəkdir.
www.525ci.com

### *AmerikadaAzərbaycan musiqisi*

"*Mount Vernon*" adına orkester Azərbaycanın bir neçə qət`ə musiqisindən ifa edəcək. Bu Amerikalı orkestr Azərbaycan bəstəkarları, "*Sultan Hacıbəyov*" və "*Qara Qarayev*"dən bir neçə parça AmerikanınVirciniasında çalacaqdır. Musiqi icrasından qabaq, Azərbaycan respublikası konsulluğunun üzvləri, Azərbaycanın kültür və musiqisinə görə danışacaqlar.

### *Tar-piano resitalı Urmuda*

Bəhmən ayının son günlərində Urmunun Hilal Əhmər salonunda musiqi ilə şe`r axşamı keçirildi. Bu tar-piano resitalı mərasimində, "*Fərşid Cəhandidə*" tar və "*Babək Yusifzadə*" piano çalıb, Azərbaycanın kılasik musiqisindən bir neçə parça ifa etdilər.

### *Aşıq musiqisi Ana dili günündə*

İsfənd ayının ikisi, "**Dünya Ana dili**" günündə, Elm-ü Sənət-i İran universitetində mərasim keçirildi. İşıq, Dalğa və Günəş dərgilərinin əməkdaşlığı ilə keçirilən bu mərasimin Türkcə bölümündə Aşıq *Sulduz Mehdipur* qrupu iki yol səhnəyə çıxdı. "Dalğa" musiqi

dərnəyi də'vətilə bu mərasimdə iştirak edən bu qrupda, Aşıq Sulduz Mehdipur qopuzda, *Arif Mehdipur* timpoda və *Əkbər Məhərrəmpur* qarmonda öz sənətlərini göstərdilər.

### Tehran, Zəngan və Urmuda Azərbaycan musiqi konserti

Səfər ayından sonra, müşayiətilə Zəngan, Tehran və Urmuda "*Zülfü AdıGözəlov*" adina üçlük qurupu, muğam ustası "*Ağaxan Əbdüllayev*"ın ifasi ilə konsert verıləcəkdir. Bu ansanbıldə "*Firuz Əliyev*" tarda ve "*İsmayıl Həmidov*" Kamançada sənətlərin göstərəcəklər. Bu konsert *Rəhməti* cənablarının müdürlüyü və Zənganın Danişvər musiqi məktəbinin əməkdaşlığı ilə icra olunacaqdır.

Telefon(Zənganda):
5233852 (Rəhməti)
3234745 (Danişvər musiqi məktəbi)

### Dalğanın mərkəzi şurası üzvlərinin biri Təbrizin sənətçilərilə görüşdü

Dalğanın mərkəzi şurası üzvlərinin biri Təbriz səfərində bir neçə musiqiçi, o cümlədən *Şatıriyan*, *Fərşbaf*, *Dəmirçi* və *SeyidSəlamət* cənablarilə görüşdü. Bu görüşdə Təbrizin sənətçiləri Dalğanı tənqid edib, öz önərilərini verdilər.

### Azərbaycan musiqi konserti Bəm zəlzələdəymişləri himayəsində

82.11.28-də Zəncan universitetinin Türk öyrənciləri çalışmasıyla (Zəngan universitetinin İslami toplumu), Bəm zəlzələdəymişlərindən himayət etmək üçün, konsert keçirdilər. Bu konsert Zəncan universitetinin Vərzeş salonunda, Urmunun "*Azər Görüş*" musiqi qrupu iştirakilə icra olundu.

## مکتوبلارا جاواب

**عزیز قارداشیم "اوختای رحیمی"** تبریزدن: گؤندردیگینیز مکتوبدان چوخ تشکور ائدیریک. سورغوزون جوابیندا دئمهلییک کی دالغا موسیقی قوروپونون بیزیم دالغا درگی‌سی و درنگی‌ایله هئچ باغلی‌لیغی یوخدور. او قوروپون باشچیسی حورمتلی عاشیق چنگیز مهدی‌پور جنابلاریدیرلار کی، کی عاشیق موسیقی‌سینین بویوک صنعتکارلارندان سایبلیرلار. بیزیم درگی و درنگی‌ایله اونلارین ایلگی‌سی و علاقه‌لری واردیر، آما بیربیریندن موستقیل ایشلیرلر و فقط آدلاری بیردیر.(بیزیم کی بیر تخصوصی درگی و درنکدیر ولی اونلارین کی بیر موسیقی قوروپودور)

**دوست عزیز "رضا گلپور"** نامه پر از محبت و تشویق شما مایه دلگرمی تمامی دست اندرکاران نشریه میباشد. امیدواریم که ما هیچ وقت از مشکلات و تخریبها سرخورده و همچنین به تشویقها خام و مغرور نشویم تا بتوانیم اهداف بلندمدتی را که برای موسیقی آذربایجان در نظر داریم عملی کنیم. نوشته بودید:«از آنجا که نشریه شما یک نشریه تخصصی موسیقی میباشد و نه ادبی، و از آنجا که متاسفانه خیلی از مخاطبان این نشریه در خواندن و فهم کامل مطالب ترکی مشکل دارند، چرا اکثر مطالبتان را به ترکی مینویسید و به همین خاطر مطمئنا در رساندن هدف اصلیتان به مخاطبان که موسیقی آذربایجان است دچار مشکل خواهید شد و شاید بیشتر مخاطبان از اکثر مطالب ارزنده ای که درج کرده اید نتوانند به صورت مطلوب و کامل استفاده کنند.» ضمن تشکر از نظر جنابعالی، ما هم قبول داریم که دالغا یک نشریه ادبی نیست و انشالله دوستان عزیزمان در نشریه های ادبی و فرهنگی دیگر رسالت عظیم نشر ادبیات ترکی را به انجام خواهند رساند. ولی این دلیل بر آن نمی شود در یادگیری خواندن و نوشتن به زبان مادریمان کوتاهی کنیم بنابراین در شماره های اول سعی خواهیم کرد مطالب و مقالاتی که از نظر مفهوم سنگین باشند به زبان فارسی درج کنیم، تا بقول شما وظیفه و هدف اصلیمان، که گسترش وشناساندن موسیقی آذربایجان است بصورت مطلوب به انجام برسانیم ولی بلاخره نمیتوان موسیقی را از زبان جدا کرد و ما ملزم به یادگیری ادبیات ترکی موسیقی هستیم. منتظر نقدها و پیشنهادات و مطالب دیگر شما هستیم.

**خانم "پروانه نوری"**، مقاله زیبای شما با عنوان «موسیقی چیست؟» و همچنین کتاب "یاشیل ماهنیلار" که به دالغا هدیه کرده بودید به دستمان رسید. ما ابتدا میخواستیم مقاله شما را بصورت یکجا در نشریه درج کنیم ولی فکر کردیم که اگر صفحات مختلف نشریه را با تکه‌هایی از آن آذین‌بندی کنیم، خیلی بهتر است ولی متاسفانه به علت کمبود وقت و عدم کسب اجازه در این شماره موفق بدین کار نشدیم. در شماره های بعدی با نظر مطلوب شما از مقاله‌تان استفاده خواهیم‌کرد.

**دوست گرامی "وحید حصاری"** ما هم مثل شما بر این عقیده‌ایم که اگر بخواهیم واقعا تحولی در موسیقی آذربایجان در ایران ایجاد کنیم، باید کاملا بصورت مستقل از سایر انجمنها، کانونها و مجامع ادبی، فرهنگی، سیاسی و... عمل کنیم. پرسیده بودید که آیا دالغا شاخه‌ای از ارگان خاصی است و در شکل‌گیری و عملکرد این انجمن و نشریه از جایی همفکری میگیرید؟ در پاسخ عرض شود که انجمن دالغا و به تبع آن نشریه دالغا واقعا بصورت مستقل ایجاد شده است. و در استجاب پیشنهادات و راهنمایی‌های صاحبنظران و دوستان عزیز دریغ نمیکند.

# سنه ده قالماز

بسته‌کار: توفیق قلی‌یئف

سؤزلری: رسول ریضا



*Nəqərat*


Söy-lə, nə - dir bu ə-da - lar, bu iş-və, bu
naz. Ge-dər bir gün bu gö - zəl - lik,
sə-nə də qal - maz. Yal - qı-zam, yal -
14
- qız, yal - qı - zam, yal - qız.
Gəl - mə-ni möh - nə - tə, o - da sa - lan və - fa -




**کؤنلوم سنین اسیرین، قلبیم سنیندیر یار، قلبیم سنیندیر**
**اینصاف ائیله خوش سؤزله، منی گل دیندیر یار، منی گل دیندیر**

*ناغارات II*

**سؤیله نه دیر؟ بو ادالار بو عیشوه بو ناز، گئدر بیر گون، بو گؤزللیک، سنه ده قالماز!**
**یالقیزام یالقیز، یالقیزام یالقیز؛ گل منی مؤحنته، اودا، سالان وفاسیز**
**سؤیله نه دیر؟ بو ادالار بو عیشوه بو ناز، گئدر بیر گون، بو گؤزللیک، سنه ده قالماز!**

**داغلار باشی دوماندیر یئنه دوماندیر یار یئنه دوماندیر**
**آیریلیغین اؤلومدن منه یاماندیر یار منه یاماندیر**

***ناغارات***

**ایضاح:** کئچن سایدا «گئتمه گئتمه گل» آدینا چاپ اولونان ماهنی‌نین نوتی **وحید حسینی** جانابلارینین «اوخوبولبول» کیتابیندان گؤتورولموشدو.

بو نوتو بیزیم الیمیزه چاتدیران **«آرش فتاح نژاد»** جانابلاریندان تشکور ائدیریک.

# Dalğa

## Dərgisi

İkinci sayı QIS 2004

